

جهت اطلاع مدیران عامل محترم بانک‌های دولتی، غیر دولتی، شرکت دولتی پست بانک، موسسات اعتباری غیر بانکی و بانک مشترک ایران - ونزوئلا ارسال می‌شود.

با سلام؛

احتراماً، همان‌گونه که مستحضرنند تلاش به منظور حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی همواره یکی از دغدغه‌های نهادهای نظارت بانکی کشورها و همچنین مؤسسات و نهادهای بین‌المللی از جمله کمیته نظارت بانکی بال بوده است. کمیته بال، به عنوان اصلی‌ترین نهاد بین‌المللی در خصوص تدوین استانداردها و رهنمودهای نظارت بانکی، از دهه ۱۹۸۰ با انتشار اسناد و مستندات مختلف، سطح استانداردهای مربوط به الزامات احتیاطی که مهم‌ترین آن حداقل الزامات کفایت سرمایه است را ارتقاء داده است. این کمیته، در سال ۱۹۸۸ استاندارد نحوه محاسبه کفایت سرمایه بانک‌ها موسوم به بال (۱) را منتشر کرد. با توجه به محدودیت‌های سند بال (۱) و نیز گسترش سطح پیچیدگی بازارهای مالی که ارتباط تنگاتنگی با سیستم بانکی داشت، در سال ۱۹۹۹، کمیته بال چارچوب جدیدی را با هدف ارتقای ثبات و سلامت سیستم‌های بانکی و حفظ سطح مناسب سرمایه ارایه نمود که منجر به تدوین چارچوب مقررات بال (۲) شد. از جمله ویژگی‌های برجسته مقررات بال (۲) باید به وجود سه رکن (Pillar) اصلی در آن اشاره کرد: ۱. حداقل سرمایه مورد نیاز ۲. فرآیند بررسی نظارتی و ۳. نظم بازار.

هم‌زمان با دوره زمانی مربوط به اجرایی کردن استاندارد بال (۲)، با شکل‌گیری بحران مالی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی که به بخش بانکی سرایت کرد و باعث کاهش سطح ثبات و سلامت سیستم بانکی گردید، کمیته بال به دنبال رفع کاستی‌های موجود در سند بال (۲) گردید. لذا به منظور رفع کاستی‌های مذکور در دست‌یابی به اهداف اولیه از جمله تضمین سلامت و ثبات سیستم بانکی و نیز وقوع بحران مالی که حاکی از عدم کفایت سطوح سرمایه نهادهای بانکی و پایین آمدن کیفیت سرمایه بانک‌ها بود، تغییراتی در مقررات و استانداردهای بال ایجاد شد که نهایتاً تحت عنوان قوانین و مقررات بال (۳) ارایه گردید.

البته شایان ذکر است، معرفی مقررات بال (۳) به معنی کنار رفتن استاندارد بال (۲) نبوده و باید به عنوان سندی مکمل در کنار سند بال (۲) باید در نظر گرفته شود. سند بال (۳) بیشتر ناظر بر صورت نسبت کفایت سرمایه یعنی سرمایه نظارتی است. چارچوب مقررات معرفی شده در سند بال (۳) بر افزایش سطح استحکام و انعطاف‌پذیری سیستم بانکی استوار است. چرا که سیستم بانکی مستحکم و مقاوم در برابر بحران، پایه رشد اقتصادی پایدار در هر کشوری به شمار می‌آید. سند بال (۳) بیانگر اصلاحات انجام گرفته در سند بال (۲) توسط کمیته بال به منظور تقویت قواعد مربوط به سرمایه و نقدینگی با هدف بهبود سطح انعطاف و مقاومت بخش بانکی می‌باشد. از جمله مهم‌ترین

ویژگی‌های سند بال (۳) باید به ارتقاء کیفیت و کمیت سرمایه اشاره نمود. بر این اساس، توجه خاصی به باکیفیت‌ترین بخش سرمایه هر بانک یعنی سهام عادی لایه (۱) یا (CET1) شده است. در سند مذکور نسبت سهام عادی لایه (۱) به دارایی‌های موزون به ریسک $4/5\%$ تعیین شده است. همچنین، نسبت سرمایه لایه (۱) باید همواره به میزان حداقل 6% و نسبت کل سرمایه (مجموع سرمایه لایه ۱ و سرمایه لایه ۲) باید همواره حداقل به میزان 8% از دارایی‌های موزون شده به ریسک باشد. در کنار این الزامات، بال (۳) دو سپر سرمایه حفاظتی و سپر ضد چرخه‌ای که هر کدام به میزان $2/5\%$ تعیین شده‌اند را معرفی نموده است. همچنین، برای بانک‌های مهم سیستمی، الزامات سرمایه‌ای بالاتر حداکثر معادل $2/5\%$ الزامی گردیده است. در واقع، از آنجا که به هم پیوستگی‌های بیش از حد در میان بانک‌های مهم سیستمی باعث انتقال شوک‌های بانکی به سیستم مالی و اقتصادی می‌گردد، بانک‌های مهم سیستمی لازم است سرمایه برای جذب زیان فراتر از حداقل استاندارد مورد نیاز داشته باشند که این موضوع در سند بال (۳) مورد توجه قرار گرفته است.

از دیگر مشخصه‌های مهم سند بال (۳) معرفی نسبت اهرمی است. بر این اساس، کمیته بال، با هدف محدود کردن سطح اهرمی در بخش بانکی و نیز معرفی یک نسبت اضافی برای سرمایه که شفاف، ساده و مستقل از ریسک‌های اعتباری، عملیاتی و بازار باشد مجموعه الزامات مربوط به نسبت اهرمی را معرفی نموده است. همان‌گونه که مستحضرنند، ترجمه بخش اول سند بال (۳) قبلاً طی بخشنامه شماره ۹۶/۲۱۶۹۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۵ ابلاغ گردید. در بخش اول سند مزبور، به موضوعاتی از قبیل مفهوم و تعریف سرمایه و تعیین ویژگی‌های هر کدام از اجزای سرمایه (CET1، سرمایه لایه (۱)، سرمایه لایه (۲) و انواع سپر سرمایه‌ای) پرداخته شد. بخش دوم ترجمه سند بال (۳)، مقولات زیر را در بر می‌گیرد:

- ❖ تعدیلات نظارتی مربوط به سرمایه؛
- ❖ الزامات مربوط به افشاء؛
- ❖ ترتیبات مربوط به دوره گذار در خصوص نگهداری اجزای مختلف سرمایه؛
- ❖ پوشش ریسک؛
- ❖ سپر سرمایه حفاظتی و سپر ضد چرخه‌ای؛
- ❖ نسبت اهرمی.

با ذکر مقدمه فوق، به پیوست بخش دوم و پایانی ترجمه بال (۳) ایفاد می‌گردد. در نظر است که کل این مجموعه به زودی به شکل یک‌جا و مدون در قالب کتابی تدوین و منتشر گردد. شایان ذکر است، اداره مطالعات و مقررات بانکی، از هرگونه اظهار نظر اصلاحی و یا تکمیلی در خصوص سند مزبور استقبال می‌نماید. امید می‌رود، با



ترجمه و انتشار اسناد معتبر بین‌المللی بتوان گام مهمی در ارتقاء سطح دانش مدیریت ریسک و سرمایه در بانک‌ها و نیز بهبود نظارت مبتنی بر ریسک توسط بانک مرکزی و همچنین نزدیک شدن چارچوب فعالیت بانکی و نیز سیستم نظارت بانکی به استانداردهای جهانی، برداشت. ان شاء.../۴۱۳۹۶۲۲/ی

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

محمد خدایاری

حمیدرضا غنی‌آبادی

۳۸۱۶

۳۲۱۵-۰۲



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ترجمه سندبال (۳):

«چارچوب مقرراتی جهانی به منظور داشتن

بانک‌ها و سیستم‌های بانکی مقاوم‌تر»

(نسخه اصلاح‌شده: ژوئن ۲۰۱۱)

از انتشارات کمیته نظارت بانکی بال

بانک تسویه بین‌المللی

بخش دوم

گروه مترجمین:

منصور ملکی، حسین صدقی، الهام چیت‌سازان

معاونت نظارتی

بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران

بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
معاونت نظارتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

۴	۵. تعدیلات نظارتی.....
۱۳	۶. الزامات مربوط به افشاء.....
۱۳	ج) ترتیبات مربوط به دوره گذار.....
۱۷	II. پوشش ریسک.....
۱۷	A. ریسک اعتباری طرف مقابل.....
۴۶	B. بررسی اتکا به رتبه‌بندی اعتباری مستقل و حداقل کردن مضرات آن.....
۵۱	III. سپر سرمایه حفاظتی.....
۵۱	A. قواعد برتر مربوط به سرمایه حفاظتی.....
۵۲	B. چارچوب.....
۵۴	C. ترتیبات دوره گذار.....
۵۵	IV. سپر ضد چرخه‌ای.....
۵۵	A. مقدمه.....
۵۶	B. الزامات سپر ضد چرخه‌ای در سطح کشوری (ملی).....
۵۶	C. سپر ضد چرخه‌ای خاص بانک.....
۵۸	D. گسترش سپر سرمایه حفاظتی.....
۵۹	E. تناوب دوره زمانی محاسبه و افشاء.....
۵۹	F. ترتیبات مربوط به دوره گذار.....
۶۰	V. نسبت اهرمی.....
۶۰	A. مبانی و اهداف.....
۶۰	B. تعریف و اندازه‌گیری نسبت اهرمی.....
۶۳	C. ترتیبات دور گذار.....
۶۵	پیوست ۱.....
۶۶	پیوست ۲.....
۶۷	پیوست ۳.....
۷۰	پیوست ۴.....



۵. تعدیلات نظارتی

۶۶. در این بخش تعدیلات نظارتی که لازم است در محاسبه سرمایه نظارتی اعمال گردد مورد بحث قرار خواهد گرفت. در بیشتر موارد، تعدیلات در خصوص سرمایه سهام عادی لایه ۱ اعمال می‌گردد.

سرقفلی و سایر دارایی‌های نامشهود (به جز حقوق خدمات وام رهنی)

۶۷. سرقفلی و سایر دارایی‌های نامشهود شامل هر نوع سرقفلی ناشی از ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در سرمایه مؤسسات بانکی، مالی و بیمه‌ای که خارج از محدوده تلفیق نظارتی می‌باشند، باید از محاسبات سرمایه سهام عادی لایه ۱ کسر شود. به استثناء حقوق خدمات وام رهنی، کل میزان سرقفلی و دارایی‌های نامشهود که خالص از هرگونه بدهی مالیات انتقالی مرتبط است باید کاسته شود که این میزان در صورتی که دارایی‌های نامشهود تحت استانداردهای حسابداری مرتبط مستهلک شده یا شناسایی نشوند، کاهش خواهد یافت. میزانی که باید در صورت وجود حقوق خدمات وام رهنی کاسته شود در ادامه و در قسمت کسورات آستانه‌ای بیان خواهد شد.

۶۸. به شرط تأیید اولیه مقام ناظر، بانک‌هایی که بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری متداول (GAAP) کشوری اقدام به گزارش‌گری مالی می‌نمایند، می‌توانند به منظور تعیین اینکه کدام دارایی‌ها به عنوان نامشهود طبقه‌بندی می‌شود و باید از میزان سرمایه کسر شود، تعریف ارایه شده توسط IFRS در خصوص دارایی‌های نامشهود را مورد استفاده قرار دهند.

دارایی‌های مالیات انتقالی

۶۹. دارایی‌های مالیات انتقالی (DTAs) که مبتنی بر میزان سود آتی شناسایی شده بانک است، باید در محاسبه سرمایه سهام عادی کسر گردد. دارایی‌های مالیات انتقالی می‌تواند با بدهی‌های مالیات انتقالی (DTLs) خالص شود، خالص‌سازی مزبور تنها در صورتی امکان‌پذیر است که DTAs و DTLs مربوط به مالیات‌هایی باشند که توسط یک مرجع مالیاتی وضع شود و خالص نمودن این دو از سوی مرجع مالیاتی مربوطه مجاز شمرده شده باشد. در حالتی که DTAs مربوط به تفاوت‌های موقت باشد (مثلاً پرداخت‌های جبرانی بابت زیان‌های اعتباری)، آنگاه میزان کسورات از سرمایه باید طبق روش «کسورات آستانه‌ای» که در ادامه اشاره خواهد شد، محاسبه شود. سایر دارایی‌های اینچنینی، مانند دارایی‌هایی که مرتبط با زیان‌های عملیاتی می‌باشند، همچون انتقال زیان‌های مالیات استفاده نشده، یا اعتبار مالیات استفاده نشده، لازم است به طور کامل پس از خالص‌سازی از بدهی‌های مالیات انتقالی همچنان که بیشتر اشاره شد، کاسته شود. میزانی از



بدهی‌های مالیات انتقالی که مجاز به خالص سازی در برابر دارایی‌های مالیات انتقالی می‌باشند، نباید شامل مقادیری که قبلاً در برابر کسورات سرقفلی، دارایی‌های نامشهود و نیز دارایی‌های طرح بازنشستگی مزایای تعریف شده خالص شده‌اند، باشد و این بدهی باید بین دارایی‌های مالیات انتقالی که روش کسورات آستانه‌ای در مورد آن اعمال می‌شود و نیز دارایی‌های مالیات انتقالی که باید به طور کامل کاسته شود، به طور متناسب تخصیص یابد.

۷۰. پرداخت اضافی اقساط مالیاتی، یا در برخی کشورها، زیان‌های مالیات سال جاری که از سال‌های گذشته منتقل شده است می‌تواند منجر به ایجاد مطالبه یا حساب دریافتی از دولت یا مقامات مالیات محلی گردد. در راستای اهداف حسابداری، چنین مقادیری نوعاً به عنوان دارایی‌های مالیات جاری طبقه‌بندی می‌شوند. وصول چنین مطالبه یا حساب دریافتی متکی به سطح سودآوری آتی بانک نخواهد بود و به منظور موزون به ریسک نمودن این مطالبه، وزن ریسک حاکمیت اعمال می‌گردد.

اندوخته پوشش جریان نقدی

۷۱. میزان اندوخته پوشش جریان نقدی که مربوط به پوشش اقلامی است که در ترازنامه به روش منصفانه ارزش‌گذاری نشده‌اند (شامل جریان‌های نقدی پیش‌بینی شده) نباید در محاسبه سرمایه سهام عادی لایه ۱ لحاظ گردد. این بدان معنی است که مقادیر مثبت آن باید کاسته و مقادیر منفی آن باید اضافه گردد.

۷۲. این روش به طور مشخص، بخشی از اندوخته پوشش جریان نقدی را که نباید بر اساس اهداف احتیاطی شناسایی گردد را تعیین می‌نماید. بر این اساس، این رویکرد بخشی که باعث نوسانات ساختگی در سرمایه سهام عادی می‌شود را حذف می‌کند، در حالت مزبور میزان اندوخته تنها بیانگر نیمی از واقعیت است (ارزش منصفانه اوراق مشتقه لحاظ می‌شود اما تغییرات در ارزش منصفانه جریان نقدی آتی پوشش داده شده لحاظ نمی‌گردد).

کسری میزان ذخایر نسبت به زیان‌های قابل انتظار

۷۳. در صورت وجود کسری میزان ذخایر نسبت به زیان‌های قابل انتظار تحت رویکرد IRB، آنگاه کسورات باید در محاسبه سرمایه سهام عادی لایه ۱ اعمال گردد. کل این میزان کسری باید از سرمایه سهام عادی لایه ۱ کسر شود و نباید میزان آن بواسطه اثرات مالیاتی که در صورت افزایش سطح ذخایر به سطح زیان قابل انتظار، پیش‌بینی وقوع آن می‌رود، کم شود.



سود ناشی از فروش مربوط به مبادلات اوراق بهادار سازی

۷۴. هرگونه افزایش در سرمایه صاحبان سهام که منتج از مبادلات مربوط به اوراق بهادار سازی باشد، همچون مواردی که مرتبط با درآمد حاشیه ای آتی^۱ (FMI) بوده و منتج به سود ناشی از فروش می شود، در محاسبات سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی نمی گردد.

سود و زیان های تجمعی بواسطه تغییرات در ریسک اعتباری خود بانک مربوط به تعهدات مالی که به صورت منصفانه ارزش گذاری شده اند

۷۵. تمامی سود و زیان های تحقق نیافته که ناشی از تغییرات در ارزش منصفانه تعهدات بواسطه تغییرات در ریسک اعتباری خود بانک بوده اند، در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی نمی گردند.

دارایی ها و تعهدات صندوق بازنشستگی مزایای تعریف شده

۷۶. تعهدات صندوق بازنشستگی مزایای تعریف شده، همان گونه که در ترازنامه آمده است، باید به طور کامل در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی شود (به بیان دیگر، سهام عادی لایه ۱ نمی تواند از طریق عدم شناسایی این گونه تعهدات افزایش یابد). برای هر صندوق بازنشستگی مزایای تعریف شده که به عنوان دارایی در ترازنامه آمده است، دارایی مزبور باید از سرمایه عادی لایه ۱ کسر شود. در این خصوص، سرمایه عادی لایه ۱، خالص از بدهی های مالیاتی انتقالی می باشد که خالص سازی مزبور، بواسطه کاهش ارزش دارایی از طریق عدم شناسایی یا کاهش ارزش ناشی از استهلاک طبق استانداردهای حسابداری مربوط، تقلیل می یابد. دارایی ها در این صندوق که بانک دسترسی نامحدود به آنها دارد، با تأیید مقام ناظر می تواند از کسورات خارج شده و موزون به ریسک می گردد. وزن ریسک این گونه دارایی ها مانند حالتی که بانک مستقیماً آن دارایی ها را تحت تملک دارد تعیین می گردد.

۷۷. در روش مذکور این ملاحظه در نظر گرفته می شود که ممکن است دارایی های مربوط به صندوق های بازنشستگی قابل برداشت و استفاده به منظور محافظت از سپرده گذاران و دیگر بستانکاران یک بانک در موقع نیاز نباشند. این ملاحظه بیانگر آن است ارزش این دارایی تنها از کاهش در پرداخت های آتی صندوق ناشی می شود. رویکرد بیان شده در خصوص دارایی های صندوق بازنشستگی به بانک ها اجازه کاهش سطح کسورات از این بابت در صورتی که ملاحظات مربوطه در نظر گرفته شود و در صورتی که دارایی ها بتواند به آسانی و به سرعت از صندوق برداشت گردد را می دهد.

¹. future margin income



سرمایه‌گذاری در سهام خود (سهام خزانه)

۷۸. تمامی سرمایه‌گذاری بانک در سهام عادی خود، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، در محاسبه سهام عادی لایه ۱ کاسته می‌شود (به جز حالتی که طبق استانداردهای حسابداری مربوطه، شناسایی نمی‌گردد). علاوه بر این، هرگونه سهام خود بانک که بانک مزبور طبق قرارداد می‌تواند متعهد به خرید آن باشد باید در محاسبه سهام عادی لایه ۱ کسر گردد. روش بیان شده، صرف نظر از این که منابع در معرض ریسک مربوطه در دفاتر بانکی قرار دارند یا در دفاتر تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، علاوه بر این:

➤ موقعیت‌های خرید ناخالص که از موقعیت‌های فروش در همان منابع در معرض ریسک مربوطه خالص می‌باشند تنها در صورتی که موقعیت‌های فروش هیچ‌گونه ریسک طرف مقابل را در بر نگیرند، می‌توانند مشمول کسورات مذکور در این بند قرار گیرد.

➤ بانک‌ها باید در خصوص نگهداری اوراق بهادار شاخص بازار^۲ دقت نظر داشته باشند که منابع در معرض ریسک مربوط به سهام خود را کسر نمایند. اگرچه، موقعیت‌های خرید ناخالص در سهام خود بانک که منتج از نگهداری اوراق بهادار شاخص بازار است می‌توانند در برابر موقعیت‌های فروش سهام خود که ناشی از اتخاذ موقعیت‌های فروش در همان شاخص مربوطه است، خالص گردند. در این حالت، موقعیت‌های فروش می‌توانند در برگیرنده ریسک طرف مقابل نیز باشند (که مشمول در نظر گرفتن سرمایه برای ریسک اعتباری طرف مقابل خواهد شد).

این نوع کسورات برای جلوگیری از دو بار محاسبه سرمایه بانک ضروری است. برخی از سیستم‌های حسابداری خاص اجازه شناسایی سهام خزانه را نمی‌دهند و بنابراین این کسورات تنها در زمانی که شناسایی سهام خزانه در ترازنامه مجاز شمرده شده است، موضوعیت دارد. روش بیان شده به دنبال آن است که امکان محاسبه مجدد ناشی از نگهداری سهام خود به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم از طریق صندوق‌های مبتنی بر شاخص^۳ و یا نگهداری آتی سهام خود به طور بالقوه که ناشی از تعهدات قراردادی به منظور خرید سهام خود است را از بین ببرد.

با در نظر گرفتن همان رویکرد مشابه که در بالا اشاره شد، بانک‌ها باید سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سرمایه اضافی لایه ۱ خود را در محاسبه سرمایه اضافی لایه ۱ و نیز سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سرمایه لایه ۲ خود را در محاسبه سرمایه لایه ۲ کسر نمایند.

^۲ . index securities

^۳ . index funds



سرمایه‌گذاری دوسویه متقابل در سرمایه‌نهاد های بانکی، مالی و بیمه‌ای

۷۹. سرمایه‌گذاری دوسویه متقابل که به منظور افزایش صوری در سرمایه بانک انجام پذیرفته است به طور کامل کسر می‌شود. بانک‌ها ملزم به اتخاذ رویکرد کاهش متناظر^۴ در خصوص چنین سرمایه‌گذاری‌های بانک در سرمایه دیگر بانک‌ها، دیگر نهادهای مالی و نهادهای بیمه‌ای می‌باشند. این بدان معنی است که کسورات باید در همان لایه سرمایه اعمال شود که در صورت انتشار سرمایه مزبور توسط بانک در آن لایه قرار می‌گرفت.

سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سرمایه‌نهاد های بانکی، مالی و بیمه‌ای که مشمول تلفیق نظارتی نبوده و بانک بیش از ۱۰٪ سرمایه سهام عادی منتشر شده توسط آن نهاد را در اختیار ندارد

۸۰. تعدیلات نظارتی بیان شده در این بخش در خصوص سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط بانک در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه‌ای که مشمول تلفیق نظارتی نبوده و بانک بیش از ۱۰٪ سرمایه سهام عادی منتشر شده توسط آن نهاد را در اختیار ندارد، اعمال می‌گردد. علاوه بر این، تعدیلات مزبور شامل موارد ذیل می‌باشد:

- سرمایه‌گذاری‌ها به صورت نگهداری ابزارهای سرمایه‌ای به صورت مستقیم، غیرمستقیم^۵ و ترکیبی. برای مثال، بانک‌ها باید در خصوص نگهداری اوراق شاخص بازار به منظور تعیین سرمایه‌های مربوطه نگهداری شده توسط بانک دقت نظر داشته باشند.^۶
- سرمایه‌گذاری‌های ثبت شده در دفاتر بانکی و دفاتر تجاری در اینجا باید در نظر گرفته شوند. سرمایه شامل سهام عادی و همه انواع دیگر ابزارهای سرمایه‌ای نقد و ترکیبی (از جمله اوراق بدهی تبعی) می‌باشد. در اینجا همچنین موقعیت خرید خالص باید منظور گردد (یعنی موقعیت خرید ناخالص از موقعیت فروش در همان منابع در معرض ریسک مربوطه که سررسید موقعیت فروش مطابق با سررسید موقعیت خرید یا سررسید باقی‌مانده آن کمتر از یکسال می‌باشد، خالص گشته است).
- موقعیت‌های مربوط به پذیره‌نویسی که برای کمتر از پنج روز کاری ایجاد شده‌اند می‌توانند در اینجا

^۴ . corresponding deduction approach

^۵ سرمایه نگهداری شده به صورت غیرمستقیم شامل منابع در معرض ریسک یا بخشی از آن منابع است که در صورت کاهش ارزش روی داده برای سرمایه نگهداری شده به صورت غیر مستقیم منجر به ایجاد زیان برای بانک به میزان کاهش ارزش برای سرمایه نگهداری شده به صورت مستقیم گردد.

^۶ در صورتی که دقت نظر و پایش دقیق منابع در معرض ریسک بانک ناشی از تملک سرمایه سایر نهادهای مالی در نتیجه نگهداری اوراق مالی شاخص بازار برای بانک‌ها به صورت عملیاتی امری دشوار بود، آنگاه مقامات مسئول مربوطه می‌توانند مشروط به کسب تأیید اولیه از مقام ناظر به بانک‌ها اجازه دهند که از یک تخمین محتاطانه استفاده نمایند.



لحاظ نگردند. اما موقعیت‌های پذیره‌نویسی که برای بیش از پنج روز کاری ایجاد شده‌اند باید لحاظ گردند.

➤ چنانچه ابزار سرمایه‌ای نهادی که بانک در آن سرمایه‌گذاری نموده است معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱، سرمایه اضافی لایه ۱، یا سرمایه لایه ۲ بانک را نداشته باشد، این سرمایه باید در راستای اهداف تعدیلات نظارتی به عنوان سهام عادی در نظر گرفته شود.^۷

➤ با تأیید اولیه مقام ناظر و بر اساس صلاحیتهای ملی، بانک‌ها مجازند سرمایه‌گذاری‌های خاصی را که در راستای اهداف حل و فصل یا کمک مالی به منظور بازسازی یک نهاد بحران‌زده انجام گرفته است، موقتاً در کسورات لحاظ نکنند.

۸۱. در صورتی که تمامی انواع سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بانک که در بالا اشاره گردید در مجموع بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک گردد (بعد از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی به طو کامل که تا قبل از این بخش بیان گردیده است) آنگاه میزان سرمایه‌گذاری بالاتر از ۱۰٪ باید با استفاده از رویکرد کاهش متناظر، کاسته شود. این بدان معنی است که کسورات باید در همان اجزای سرمایه اعمال شود که در صورتی که سرمایه مربوطه فرضاً توسط خود بانک منتشر می‌شد در آن جزء قرار می‌گرفت. بر این اساس، مبلغی که باید از سهام عادی کاسته شود باید این‌گونه محاسبه گردد که کل سرمایه‌گذاری انجام شده توسط بانک که در مجموع بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک است (همان‌گونه که در بالا اشاره شد) در نسبت سرمایه‌گذاری بانک در سهام عادی به کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه توسط بانک ضرب می‌شود. این روش منجر به کسورات در سهام عادی که متناظر با نسبت کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه که مربوط به سهام عادی است می‌گردد. به طور مشابه، مبلغی که باید از سرمایه اضافی لایه ۱ کسر شود این‌گونه محاسبه می‌شود که کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه که بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک است (همان‌گونه که در بالا اشاره شد) در نسبت سرمایه‌گذاری بانک در سرمایه اضافی لایه ۱ به کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه توسط بانک ضرب می‌شود. مبلغی که باید از سرمایه لایه ۲ کسر شود نیز این‌گونه محاسبه می‌شود که کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه که بیش از ۱۰٪ سهام عادی بانک است (همان‌گونه که در بالا اشاره شد) در نسبت سرمایه‌گذاری بانک در سرمایه لایه ۲ به کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه توسط بانک ضرب می‌شود.

۸۲. در صورتی که تحت رویکرد کاهش متناظر، بانکی ملزم به اعمال کسورات از یک لایه مشخصی از سرمایه

^۷ چنانچه سرمایه‌گذاری بانک بواسطه یک نهاد مالی مجاز انجام شده ولی در بخش مرتبط سرمایه‌گذاری نهاد مالی قرار نداشته باشد، نیاز به انجام کسورات این سرمایه‌گذاری وجود ندارد.



گردید، لکن به میزان کافی سرمایه در لایه مزبور به منظور اعمال کسورات وجود نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از یک لایه بالاتر سرمایه کاسته شود (مثلاً چنانچه بانکی به میزان کافی از سرمایه اضافی لایه ۱ به منظور اعمال کسورات مربوطه را نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از سرمایه عادی لایه ۱ کاسته شود).

۸۳. مقادیری از سرمایه‌گذاری انجام شده در سرمایه نهاد مالی که پایین‌تر از سطح آستانه است و مشمول کسورات نمی‌گردد، لازم است که موزون به ریسک گردد. بنابراین، ابزارهایی که در دفاتر تجاری بانک قرار دارند باید مطابق با قواعد ریسک بازار و ابزارهایی که در دفاتر بانکی قرار دارند باید مطابق با رویکرد رتبه‌بندی داخلی یا رویکرد استاندارد (در صورت کاربرد) لحاظ گردند. به منظور اعمال ضرایب ریسک، میزان سرمایه‌گذاری بانک در سرمایه نهاد مالی باید بر یک مبنای متناسب بین مقادیر پایین و مقادیر بالای میزان آستانه تقسیم‌بندی شود.

سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه‌ای که مشمول تلفیق نظارتی نمی‌باشند^۸

۸۴. تعدیلات نظارتی که در این بخش بیان می‌گردد در خصوص سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بانک در سرمایه نهادهای بانکی، مالی و بیمه‌ای که مشمول تلفیق نظارتی نبوده و بانک مالکیت بیش از ۱۰٪ سرمایه سهام عادی منتشر شده توسط نهاد منتشر کننده را در اختیار دارد یا اینکه نهاد مزبور از جمله نهادهای مرتبط^۹ بانک می‌باشد، اعمال می‌گردد. علاوه بر این، این تعدیلات در برگیرنده موارد ذیل می‌باشد:

➤ سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، غیرمستقیم و ترکیبی در ابزارهای سرمایه‌ای. برای مثال، بانک‌ها باید در خصوص سرمایه‌گذاری در اوراق شاخص بازار به منظور تعیین سرمایه‌گذاری صورت گرفته در یک سرمایه مشخص دقت نظر داشته باشند.^{۱۰}

➤ سرمایه‌گذاری‌های ثابت شده در دفاتر بانکی و دفاتر تجاری در اینجا باید در نظر گرفته شوند. سرمایه شامل سهام عادی و همه انواع دیگر ابزارهای سرمایه‌ای نقد و ترکیبی (از جمله اوراق بدهی

^۸ منظور از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در نهادهایی که مشمول تلفیق نظارتی نمی‌باشند، آن نوع از سرمایه‌گذاری‌ها در نهادهایی است که هیچ‌گاه مشمول تلفیق با بانک نبوده‌اند یا به نحوی که در نتیجه آن دارایی نهادهای مزبور می‌بایست در محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک گروه تلفیقی در نظر گرفته شود، مشمول تلفیق نشده‌اند.

^۹ نهاد مرتبط با بانک (affiliate) به عنوان شرکتی تعریف می‌شود که بانک را کنترل می‌کند یا اینکه توسط بانک کنترل می‌شود و یا اینکه هر دو توسط یک نهاد کنترل می‌گردند. کنترل یک شرکت نیز به این روش‌ها صورت می‌گیرد: (۱) مالکیت، کنترل یا تملک سرمایه که حق رأی ۲۰٪ یا بیشتر از اوراق مالی صاحب حق رأی شرکت را داشته باشد؛ یا (۲) تلفیق صورت‌های مالی شرکت در راستای اهداف گزارش‌گری مالی.

^{۱۰} در صورتی که دقت نظر و پایش دقیق منابع در معرض ریسک بانک ناشی از تملک سرمایه سایر نهادهای مالی در نتیجه نگهداری اوراق مالی شاخص بازار برای بانک‌ها به صورت عملیاتی امری دشوار بود، آنگاه مقامات مسئول مربوطه می‌توانند مشروط به کسب تأیید اولیه از مقام ناظر به بانک‌ها اجازه دهند که از یک تخمین محتاطانه استفاده نمایند.



تبعی) می‌باشد. در اینجا همچنین موقعیت خرید خالص باید منظور گردد (یعنی موقعیت خرید ناخالص از موقعیت فروش در همان منابع در معرض ریسک مربوطه که سررسید موقعیت فروش مطابق با سررسید موقعیت خرید یا سررسید باقی‌مانده آن کمتر از یکسال می‌باشد، خالص گشته است).

➤ موقعیت‌های مربوط به پذیره‌نویسی که برای کمتر از پنج روز کاری ایجاد شده‌اند می‌توانند در اینجا لحاظ نگردند. اما موقعیت‌های پذیره‌نویسی که برای بیش از پنج روز کاری ایجاد شده‌اند باید لحاظ گردند.

➤ چنانچه ابزار سرمایه‌ای نهادی که بانک در آن سرمایه‌گذاری نموده است معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱، سرمایه اضافی لایه ۱، یا سرمایه لایه ۲ بانک را نداشته باشد، این سرمایه باید در راستای اهداف تعدیلات نظارتی به عنوان سهام عادی در نظر گرفته شود.^{۱۱}

➤ با تأیید اولیه مقام ناظر و بر اساس صلاحیتهای ملی، بانک‌ها مجازند سرمایه‌گذاری‌های خاصی را که در راستای اهداف حل و فصل یا کمک مالی به منظور بازسازی یک نهاد بحران‌زده انجام گرفته است، موقتاً در کسورات لحاظ نکنند.

۸۵. تمامی سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره شده در بالا که از نوع سهام عادی نمی‌باشند باید به طور کامل به روش رویکرد کاهش متناظر کاسته شوند. این بدان معنی است که کسورات باید در همان لایه سرمایه اعمال شود که در صورت انتشار سرمایه مزبور توسط بانک در آن لایه قرار می‌گرفت. در صورتی که تحت رویکرد کاهش متناظر، بانکی ملزم به اعمال کسورات از یک لایه مشخصی از سرمایه گردید، لکن به میزان کافی سرمایه در لایه مزبور به منظور اعمال کسورات وجود نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از یک لایه بالاتر سرمایه کاسته شود (مثلاً چنانچه بانکی به میزان کافی از سرمایه اضافی لایه ۱ به منظور اعمال کسورات مربوطه را نداشته باشد، میزان کمبود سرمایه باید از سرمایه عادی لایه ۱ کاسته شود).

۸۶. سرمایه‌گذاری‌های ذکر شده در بالا که از نوع سرمایه‌گذاری در سهام عادی می‌باشند، مشمول اعمال روش آستانه‌ای که در قسمت بعد توضیح داده می‌شود، خواهند بود.

کسورات به روش آستانه‌ای

۸۷. اقلامی که در ادامه می‌آیند، به جای اعمال کامل کسورات، به طور محدود در محاسبه سهام عادی لایه ۱، به

^{۱۱} چنانچه سرمایه‌گذاری بانک بواسطه یک نهاد مالی مجاز انجام شده ولی در بخش مرتبط سرمایه‌گذاری نظارتی نهاد مالی قرار نداشته باشد، نیاز به انجام کسورات این سرمایه‌گذاری وجود ندارد.



میزان حداکثر ۱۰٪ سهام عادی بانک (بعد از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی که در بندهای ۶۷ تا ۸۵ اشاره گردید) شناسایی می‌گردند:

- سرمایه‌گذاری قابل توجه در سهام عادی نهادهای مالی تلفیق نشده (بانک، بیمه و سایر نهادهای مالی) همان‌گونه که در بند ۸۴ مورد اشاره قرار گرفت؛
- حقوق خدمات وام رهنی^{۱۲} (MSRs)؛ و
- دارایی‌های مالیات انتقالی که ناشی از تفاوت‌های موقت می‌باشند.

۸۸. از اول ژانویه سال ۲۰۱۳، بانک‌ها ملزم به کاهش میزانی از جمع سه ارقام فوق که بیش از ۱۵٪ سهام عادی لایه ۱ (محاسبه شده قبل از اعمال کسورات این سه مورد اما پس از اعمال کلیه تعدیلات نظارتی مربوط به سهام عادی لایه ۱) است، می‌باشند. اقلامی که در مجموع حد ۱۵٪ را شامل می‌گردند باید به طور کامل در صورت‌های مالی افشا گردند. از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۸، محاسبه حد ۱۵٪ به این روش انجام خواهد شد: میزانی از اقلام سه‌گانه مورد اشاره که بعد از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی همچنان شناسایی می‌گردند، نباید بیش از ۱۵٪ سرمایه سهام عادی لایه ۱ گردد، که سرمایه سهام عادی لایه ۱ در اینجا پس از اعمال تمامی تعدیلات نظارتی محاسبه شده است. پیوست ۲ را به عنوان مثال ملاحظه کنید.

۸۹. میزانی از جمع اقلام سه‌گانه فوق که در محاسبه سرمایه سهام عادی لایه ۱ مشمول کسورات نمی‌گردد، با ضریب ۲۵۰٪ موزون به ریسک خواهد شد.

کسورات قبلی از سرمایه

۹۰. موارد اشاره شده در ذیل، که تحت رویکرد بال ۲ به میزان ۵۰٪ از سرمایه لایه ۱ و ۵۰٪ از سرمایه لایه ۲ کاسته می‌شدند (و یا اینکه این انتخاب برای آنها وجود داشت که از سرمایه کسر شوند و یا موزون به ریسک گردند)، با ضریب ۱۲۵۰٪ موزون به ریسک خواهند شد:

- منابع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی‌های مشخص؛
- منابع در معرض ریسک سرمایه‌گذاری‌های مشخص در سرمایه تحت رویکرد PD/LGD؛
- عدم پرداخت/تحویل در مبادلات مربوط به non-DvP و non-PvP^{۱۳}؛ و
- سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در مؤسسات تجاری.

¹² . Mortgage servicing rights

¹³ . DvP: Delivery-versus-payment, PvP: Payment-versus-payment



۶. الزامات مربوط به افشاء

۹۱. به منظور بهبود سطح شفافیت سرمایه نظارتی و نیز بهبود نظم بازار، بانک‌ها ملزم به افشای موارد زیر می‌باشند:

- تمامی اجزای سرمایه نظارتی به پشتوانه ترازنامه در صورت‌های مالی حسابرسی شده؛
- افشای تمامی تعدیلات نظارتی و اقلامی که طبق بند ۸۷ و ۸۸ مشمول کسر از سرمایه عادی لایه ۱ نشده‌اند، به صورت مستقل و مجزا؛
- توضیحی از تمامی محدودیت‌ها و حداقل‌ها، با تعیین اثر مثبت یا منفی که این حدود و حداقل‌ها بر سرمایه خواهد داشت؛
- توضیحی از خصوصیات اصلی ابزارهای سرمایه‌ای منتشر شده توسط بانک؛
- بانک‌هایی که نسبت‌های در برگیرنده اجزای سرمایه نظارتی را افشا می‌کنند (مانند نسبت‌های سهام لایه ۱^{۴۱}، هسته لایه ۱^{۵۱}، یا سهام عادی مشهود^{۱۶}) باید چنین نسبت‌هایی را با توضیح جامعی از نحوه محاسبه آن‌ها ضمیمه گزارش‌های مالی نمایند.

۹۲. بانک‌ها ملزم می‌باشند که به طور کامل شرایط و ویژگی‌های ابزارهای سرمایه‌ای خود که در سرمایه نظارتی بانک قرار دارند را در پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی خود منتشر نمایند. کمیته بال جزئیات بیشتری در خصوص الزامات افشای مربوط به رکن ۳ را در سال ۲۰۱۱ منتشر می‌نماید.

۹۳. در طول دوره گذار، بانک‌ها ملزم به افشای اجزای خاصی از سرمایه، شامل ابزارهای سرمایه‌ای و تعدیلات نظارتی که قواعد مربوط به دوره گذار اثرگذاری مثبتی بر آن اجزا دارد، می‌باشند.

ج) ترتیبات مربوط به دوره گذار

- ۹۴. ترتیبات مربوط به دوره گذار به منظور اجرای استانداردهای جدید کمک خواهد کرد که بخش بانکی قادر به رعایت استانداردهای سرمایه‌ای بالاتر از طریق عدم توزیع سود و افزایش سرمایه، در حالی که کماکان از اعطای اعتبار به اقتصاد پشتیبانی می‌کند، باشد. ترتیبات مربوط به دوره گذار شامل موارد ذیل می‌باشد:
- الف) اجرای الزامات در سطح ملی توسط کشورهای عضو از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ شروع می‌شود.

¹⁴ . Equity Tier 1

¹⁵ . Core Tier 1

¹⁶ . Tangible Common Equity



کشورهای عضو باید قبل از این تاریخ قواعد مربوطه را در قالب قوانین و مقررات ملی خود ترجمه نمایند. از اول ژانویه سال ۲۰۱۳، بانک‌ها ملزم به رعایت الزامات حداقلی جدید نسبت به دارایی‌های موزون شده به ریسک (RWAs) که در ادامه می‌آید می‌باشند.

- سرمایه عادی لایه ۱ به دارایی‌های موزون به ریسک به میزان ۳,۵٪؛
- سرمایه لایه ۱ به دارایی‌های موزون به ریسک به میزان ۴,۵٪، و
- کل سرمایه به دارایی‌های موزون به ریسک به میزان ۸٪.

(ب) الزامات مربوط به حداقل سرمایه عادی لایه ۱ و سرمایه لایه ۱ بین اول ژانویه سال ۲۰۱۳ تا اول ژانویه سال ۲۰۱۵ لازم‌الاجراء خواهد بود. در اول ژانویه سال ۲۰۱۳، حداقل الزامات مربوط به سرمایه عادی لایه ۱ (CET1) از ۲٪ فعلی به ۳,۵٪ افزایش می‌یابد. الزامات مربوط به سرمایه لایه ۱ نیز از ۴٪ به ۴,۵٪ افزایش می‌یابد. در اول ژانویه سال ۲۰۱۴، بانک‌ها ملزم به رعایت حداقل الزامات سهام عادی لایه ۱ به میزان ۴٪ و نیز سرمایه لایه ۱ به میزان ۵,۵٪ می‌باشند. در اول ژانویه سال ۲۰۱۵، بانک‌ها باید الزامات ۴,۵٪ برای سرمایه عادی لایه ۱ و نیز ۶٪ برای سرمایه لایه ۱ را رعایت نمایند. الزامات مربوط به کل سرمایه در سطح ۸٪ فعلی بدون تغییر خواهد ماند. تفاوت بین الزامات مربوط به ۸٪ کل سرمایه و الزامات سرمایه لایه ۱ می‌تواند به وسیله سرمایه لایه ۲ و یا انواع با کیفیت‌تر سرمایه تکمیل گردد.

(ج) تعدیلات نظارتی (کسورات و فیلترهای احتیاطی)، شامل مبالغ بالاتر از حد ۱۵٪ مجموع سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در نهادهای مالی، حقوق خدمات تسهیلات رهنی، و دارایی‌های مالیات انتقالی ناشی از تفاوت‌های موقت، از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ به طور کامل از سرمایه عادی لایه ۱ کسر می‌گردند.

(د) به طور خاص، انجام تعدیلات نظارتی از ۲۰٪ تعدیلات مورد نیاز سهام عادی لایه ۱ از اول ژانویه سال ۲۰۱۴، ۴۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، ۶۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۶، ۸۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۷، شروع و به ۱۰۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ خواهد رسید. در طول این دوره گذار، مبلغ باقی‌مانده که از سرمایه عادی لایه ۱ کاسته نمی‌شود، مشمول ترتیبات فعلی کشورهای مختلف خواهد بود. رویکرد مشابهی در خصوص دوره گذار برای کسورات از سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ اعمال خواهد شود. به طور خاص، تعدیلات نظارتی مربوط به سرمایه اضافی لایه ۱ و لایه ۲ از ۲۰٪ تعدیلات مورد نیاز از اول ژانویه سال ۲۰۱۴، ۴۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، ۶۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۶، ۸۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۷، شروع و به ۱۰۰٪ از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ خواهد رسید. در طول این دوره



گذار، مبلغ باقی‌مانده که از سرمایه عادی لایه ۱ کسر نمی‌شود، مشمول ترتیبات فعلی کشورهای مختلف خواهد بود.

(ه) نحوه محاسبه سرمایه منتشر شده توسط نهادهای تابعه که در اختیار اشخاص ثالث قرار دارند (مانند حقوق اقلیت) نیز طی دوره زمانی مشخصی صورت خواهد گرفت. در صورتی که طبق بندهای ۶۳ تا ۶۵، چنین سرمایه‌ای شرایط لازم برای قرار گرفتن در یکی از سه جزء سرمایه را داشته باشد، این موضوع می‌تواند از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ انجام گیرد. در صورتی که چنین سرمایه‌ای واجد شرایط قرار گرفتن در یکی از سه جزء سرمایه نباشد، لکن طبق رویه‌های فعلی کشورها در اجزای سرمایه قرار می‌گیرد، لازم است که ۲۰٪ از آن میزان از اول ژانویه سال ۲۰۱۴، ۴۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۵، ۶۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۶، ۸۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۷، و ۱۰۰٪ آن از اول ژانویه سال ۲۰۱۸، از اجزای مرتبط سرمایه کسر شود.

(و) سرمایه تزریق شده فعلی توسط بخش عمومی تا اول ژانویه سال ۲۰۱۸ در محاسبات بدون تغییر باقی خواهد ماند و از کسورات و تعدیلات نظارتی مستثنی می‌باشد.

(ز) ابزارهای سرمایه‌ای که دیگر واجد شرایط قرار گرفتن در سرمایه غیرسهامی لایه ۱ یا سرمایه لایه ۲ نمی‌باشند، از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه خارج می‌گردند. به منظور تعیین میزان اسمی چنین ابزارهایی که از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ باید به مرور کنار گذاشته شوند، باید شناسایی مبلغ آن ابزارها از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ حداکثر به میزان ۹۰٪ انجام شود، و در ادامه در سال‌های آتی در هر سال ۱۰٪ از آن میزان کاهش می‌یابد. این سقف همچنین برای سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ به طور مجزا مورد استفاده قرار می‌گیرد که در واقع به میزانی از مبلغ ابزارهای سررسید نشده در اختیار بانک که دیگر واجد معیارهای قرار گرفتن در سرمایه مربوطه نمی‌باشند، باز می‌گردد. از اول ژانویه سال ۲۰۱۳، به میزانی که یک ابزار سرمایه‌ای بازخرید می‌شود، یا شناسایی آن در سرمایه کاهش می‌یابد، مبلغ اسمی که به عنوان مبلغ پایه شناخته می‌شود، کاهش نمی‌یابد. علاوه بر این، در خصوص ابزارهایی که انگیزه‌ای برای بازخرید آن وجود دارد به روش‌های زیر عمل خواهد شد:

- برای ابزارهایی که قبل از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نکرده و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های



جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ باشند، در همان لایه، شناسایی آن ادامه خواهد داشت.

- برای ابزارهایی که اول ژانویه سال ۲۰۱۳ یا پس از آن دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نکرده و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ باشند، در همان لایه، شناسایی آن ادامه خواهد داشت. قبل از تاریخ سررسید مؤثر، ابزار مربوطه به عنوان "ابزاری که دیگر واجد ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ و یا لایه ۲ نخواهد بود" در نظر گرفته می‌شود و بنابراین از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه حذف می‌شود.

- برای ابزارهایی که بین ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ تا اول ژانویه سال ۲۰۱۳ دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نکرده و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ نباشند، از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به طور کامل شناسایی آن ابزار در همان لایه از سرمایه نظارتی متوقف خواهد شد.

- برای ابزارهایی که اول ژانویه سال ۲۰۱۳ یا پس از آن دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نکرده و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ نباشند، از تاریخ سررسید مؤثر به طور کامل شناسایی آن ابزار در همان لایه از سرمایه نظارتی متوقف خواهد شد. قبل از تاریخ سررسید مؤثر، ابزار مربوطه به عنوان "ابزاری که دیگر واجد ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ و یا لایه ۲ نخواهد بود" در نظر گرفته می‌شود و بنابراین از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه حذف می‌شود.

- برای ابزارهایی که در ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ یا قبل از آن دارای اختیار خرید بوده و یا دارای گزینه پرداخت بهره افزایشی باشند (و یا حائز دیگر انگیزه‌های بازخریدی باشند)، در صورتی که از اختیار خرید در تاریخ سررسید مؤثر استفاده نکرده و بر اساس رویکرد آینده‌نگر حائز



ویژگی‌های جدید برای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ و یا لایه ۲ نباشند، ابزار مربوطه به عنوان "ابزاری که دیگر واجد ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ و یا لایه ۲ نخواهد بود" در نظر گرفته می‌شود و بنابراین از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ به مرور از محاسبات سرمایه حذف می‌شود.

۹۵. ابزارهای سرمایه‌ای که معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱ را ندارند، از محاسبات سرمایه عادی لایه ۱ از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ حذف خواهند شد. اگرچه، ابزارهایی که این سه شرط را داشته باشند در یک دوره زمانی مشابه با آنچه در بند ۹۴ (ز) ذکر شده است، به مرور از محاسبات خارج خواهد شد: (۱) توسط یک شرکت غیرسهامی منتشر شده باشند؛^{۱۷} (۲) تحت استانداردهای حسابداری پذیرفته شده به عنوان سرمایه شناسایی می‌شوند؛ و (۳) تحت قانون بانکی در سطح ملی به طور نامحدود می‌توانند به عنوان بخشی از سرمایه لایه ۱ شناسایی شوند.

۹۶. تنها ابزارهایی که قبل از ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۰ منتشر شده‌اند، واجد شرایط قرار گرفتن در ترتیبات دوره گذار ذکر شده در بالا می‌باشند.

II. پوشش ریسک

A. ریسک اعتباری طرف مقابل

۹۷. علاوه بر افزایش کیفیت و سطح سرمایه پایه، لازم است اطمینان حاصل شود که تمامی ریسک‌های مهم در چارچوب سرمایه، لحاظ شده‌اند. عدم لحاظ ریسک‌های عمده مربوط به بالا و زیر خط ترازنامه، همچنین منابع در معرض ریسک اوراق مرتبط با مشتقه‌ها، عامل اصلی بروز بحران بوده است. این بخش اصلاحات مربوط به چارچوب ریسک اعتباری طرف مقابل که از ۱ ژانویه ۲۰۱۳ اجرایی می‌شود را ارائه می‌دهد.

۱. شاخص بازنگری شده برای بررسی بهتر ریسک اعتباری طرف مقابل، تعدیلات ارزیابی اعتباری و ریسک همبستگی

معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر با پارامترهای تحت شرایط بحران برای بررسی ریسک کلی همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

۹۸. به منظور پیاده سازی این تغییرات، پاراگراف جدید ۲۵(i) به بخش ۷ (روش مدل داخلی: اندازه‌گیری منبع در

^{۱۷} شرکت‌های غیرسهامی (Non-joint stock companies) مورد توجه توافقنامه سال ۱۹۹۸ کمیته بال در خصوص ابزارهای واجد شرایط قرار گیری در سرمایه لایه ۱ قرار نگرفتند، زیرا اصولاً این‌گونه شرکت‌ها سهام عادی با حق رأی منتشر نمی‌کنند.



معرض ریسک و حداقل الزامات)، پیوست ۴ سند بال II اضافه شده و پاراگراف ۶۱ فعلی پیوست ۴ برای بانک‌های دارای مجوز برای استفاده از روش مدل‌های داخلی به منظور محاسبه سرمایه نظارتی ریسک اعتباری طرف مقابل موسوم به بانک‌های IMM، به صورت زیر مورد بازنگری قرار خواهد گرفت:

۲۵(i). به منظور تعیین سرمایه پوششی ریسک نکول برای ریسک اعتباری طرف مقابل همان‌گونه که در پاراگراف ۱۰۵ تعریف شد، بانک‌ها باید سرمایه پوششی بالاتر از سطح پرتفوی (بدون منظور کردن پوشش تعدیلات ارزیابی اعتباری در پاراگراف‌های ۹۷ تا ۱۰۴) بر اساس منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار (EPE) مؤثر با استفاده از داده‌های جاری بازار و پوشش سرمایه‌ای در سطح پرتفوی بر مبنای منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر با استفاده از تعیین و درجه‌بندی مقادیر بحرانی را بکار گیرند. تعیین مقادیر بحرانی باید برای کل پرتفوی طرف‌های مقابل باشد. منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار مؤثر با استفاده از داده‌های جاری بازار و تعیین و درجه‌بندی مقادیر بحرانی نباید برای هر طرف مقابل بکار گرفته شود؛ بلکه باید برای سطح کلی پرتفوی لحاظ گردد.

۶۱. زمانی که مدل EPE مؤثر با استفاده از داده‌های تاریخی بازار تعیین ارزش شد، بانک باید داده‌های جاری بازار را برای محاسبه منابع در معرض ریسک جاری بکار گیرد و حداقل سه سال از داده‌های تاریخی باید برای تخمین پارامترهای مدل مورد استفاده قرار گیرد. در تمام موارد، داده‌ها باید به صورت فصلی یا با تناوب بیشتر منوط به این که شرایط بازار ایجاب کند، به روز رسانی شود. به منظور محاسبه (EPE) مؤثر با استفاده از تعیین ارزش بحرانی، بانک باید با استفاده از داده‌های سه سال که شامل یک دوره بحران در مورد حاشیه نکول اعتباری طرف‌های مقابل بانک است، (EPE) مؤثر را تعیین ارزش کند یا این امر را با استفاده از داده‌های ضمنی از دوره مناسب بحران انجام دهد. فرایند زیر برای ارزیابی کفایت تعیین ارزش بحرانی، مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

- بانک باید حداقل به صورت فصلی نشان دهد که دوره بحرانی منطبق بر یک دوره افزایش حاشیه اوراق سوآپ نکول اعتباری یا سایر حاشیه‌های اعتباری - از قبیل وام یا حاشیه‌های اوراق قرضه شرکتی - برای نمونه‌ای از انتخاب طرف‌های مقابل بانک با حاشیه‌های اعتباری مبادله شده، می‌باشد. در شرایطی که بانک دارای داده‌های کافی در خصوص حاشیه اعتباری در خصوص طرف مقابل نمی‌باشد، باید هر یک از طرف‌های مقابل را به داده‌های حاشیه اعتباری معین بر اساس منطقه، رتبه‌بندی داخلی و انواع کسب و کار منطبق کنند.
- مدل منبع در معرض ریسک برای تمامی طرف‌های مقابل باید داده‌هایی اعم از تاریخی یا ضمنی، را که دربردارنده داده‌هایی از دوره اعتباری بحرانی است را استفاده کند و این داده‌ها را



به روشی که منطبق با روش مورد استفاده برای تعیین ارزش مدل EPE مؤثر با استفاده از داده‌های جاری است، استفاده نماید.

- به منظور ارزیابی اثربخشی تعیین ارزش بحرانی برای EPE مؤثر، بانک باید پرتفویهای الگوی چندگانه که نسبت به فاکتورهای ریسک یکسان آسیب‌پذیر هستند را ایجاد کند. منبع در معرض ریسک این پرتفویهای الگو باید با روش‌های زیر محاسبه گردند: (a) وضعیت‌های جاری در قیمت‌های جاری بازار، پراکندگی‌های بحرانی، همبستگی‌های بحرانی و سایر داده‌های مدل منبع در معرض ریسک بحرانی از دوره بحرانی سه ساله و (b) وضعیت‌های جاری در پایان قیمت‌های بازار در دوره بحران، پراکندگی‌های بحرانی، همبستگی‌های بحرانی و سایر داده‌های ورودی مدل از دوره بحرانی سه ساله. ناظران می‌توانند تعیین ارزش بحران را در صورتی که منابع در معرض ریسک پرتفویهای مذکور به شکل قابل توجهی منحرف شده باشد، تعدیل نمایند.

ایجاد سرمایه برای ریسک مربوط به زیان‌های تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری (CVA)

۹۹. به منظور پیاده‌سازی رویکرد متناظر اوراق قرضه، بخش جدید VIII به پیوست ۴ سند بال دو اضافه می‌شود. پاراگراف‌های جدید (۹۷ تا ۱۰۵) باید بعد از پاراگراف ۹۶ در ضمیمه ۴ قرار گیرند.

VIII. ترتیبات مربوط به روز کردن زیان‌های ریسک طرف مقابل با قیمت بازار (پوشش سرمایه‌ای CVA)

– پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA

۹۷. علاوه بر الزامات سرمایه‌ای ریسک نکول برای ریسک اعتباری طرف مقابل که بر اساس رویکردهای رتبه‌بندی داخلی یا استاندارد در خصوص ریسک اعتباری تعیین می‌شوند، بانک باید یک سرمایه پوششی به منظور پوشش ریسک زیان‌های به روزرسانی ریسک مورد انتظار طرف مقابل (زیان‌های مذکور، به عنوان تعدیلات ارزش اعتباری شناخته می‌شود) به اوراق مشتقه فرابورس، اضافه نمایند. پوشش سرمایه‌ای CVA به روشی که در ادامه آمده با توجه به روش تأیید شده درباره محاسبه پوشش‌های سرمایه‌ای برای ریسک اعتباری طرف مقابل و ریسک نرخ بهره خاص، محاسبه خواهد شد. بانک ملزم به ورود (i) معاملات با طرف مقابل (تسویه) مرکزی (CCP)؛ و (ii) معاملات تأمین مالی اوراق بهادار (SFT) در محاسبه پوشش سرمایه‌ای مذکور نیست؛ مگر این که ناظر تعیین نماید که منابع در معرض ریسک زیان CVA بانک ناشی از معاملات تأمین مالی اوراق بهادار، حایز اهمیت هستند.



A. بانک‌های دارای تأیید IMM و مدل ارزش در معرض خطر ریسک نرخ بهره خاص^{۱۸} برای اوراق قرضه: سرمایه پوششی پیشرفته ریسک CVA

۹۸. بانک‌های دارای تأیید IMM برای ریسک اعتباری طرف مقابل و دارای تأییدیه استفاده از رویکرد مدل‌های داخلی ریسک بازار برای ریسک نرخ بهره خاص اوراق قرضه، باید سرمایه پوشش اضافی را از طریق مدل‌سازی تأثیر تغییرات در حاشیه‌های اعتباری طرف‌های مقابل بر تعدیلات ارزش‌گذاری اعتباری تمامی طرف‌های مقابل اوراق مشتقه فرابورس، همراه با پوشش‌های CVA بر اساس پاراگراف‌های جدید ۱۰۲ و ۱۰۳، با استفاده از مدل ارزش در معرض خطر بانک برای اوراق قرضه، محاسبه کنند. این مدل ارزش در معرض خطر، منحصر به تغییرات در حاشیه‌های اعتباری طرف‌های مقابل بوده و حساسیت CVA به تغییرات در سایر عوامل بازار از قبیل تغییرات ارزش‌داری، کالا، ارز یا نرخ بهره پایه یک مشتقه را مدل‌سازی نمی‌کند. صرف‌نظر از روش ارزش‌گذاری حسابداری که یک بانک برای تعیین CVA استفاده می‌کند، محاسبه سرمایه پوششی برای CAV هر طرف مقابل باید بر مبنای فرمول زیر باشد:

$$CVA = (LGD_{MKT}) \cdot \sum_{i=1}^T \text{Max} \left(0; \exp \left(-\frac{s_{i-1} \cdot t_{i-1}}{LGD_{MKT}} \right) - \exp \left(-\frac{s_i \cdot t_i}{LGD_{MKT}} \right) \right) \cdot \left(\frac{EE_{i-1} \cdot D_{i-1} + EE_i \cdot D_i}{2} \right)$$

- t_i زمان i امین فاصله زمانی تجدید ارزیابی است که از $t_0=0$ شروع می‌شود.
- t_T بزرگترین سررسید قراردادی در مجموعه خالص‌سازی با طرف مقابل است.
- S_i عبارت است از حاشیه اعتباری طرف مقابل در دوره t_i که برای محاسبه CVA طرف مقابل محاسبه می‌شود. هر زمانی که چنین حاشیه CDS در دسترس نباشد، بانک باید یک حاشیه تقریبی که بر مبنای رتبه‌بندی، صنعت و منطقه طرف مقابل مناسب باشد را مورد استفاده قرار دهد.
- LGD_{mkt} عبارت است از زیان با فرض نکول طرف مقابل و باید بر مبنای حاشیه یک ابزار بازار طرف مقابل (یا زمانی که این ابزار نباشد، بر مبنای حاشیه تقریبی که در ارتباط با رتبه‌بندی، صنعت و منطقه طرف مقابل مناسب باشد، قرارگیرد) باشد. باید در نظر داشت که LGD_{mkt} که وارد محاسبه سرمایه پوششی ریسک CVA می‌شود، با LGD که برای پوشش ریسک نکول CCR و IRB تعیین می‌شود، متفاوت است زیرا LGD_{mkt} ارزیابی بازار است و نه یک تخمین داخلی.
- عامل اول در جمع، نشانگر تقریبی از احتمال نهایی وقوع نکول بازار در بین زمان‌های t_i و t_{i+1} می‌باشد. احتمال نکول ضمنی بازار (که به عنوان احتمال ریسک خنثی نیز شناخته می‌شود) قیمت بازار خرید پوشش در مقابل نکول را نشان می‌دهد و به طور کلی از احتمال نکول واقعی متفاوت است.

^{۱۸} مدل "VaR" مربوط به رویکرد مدل داخلی در خصوص ریسک بازار می‌شود.



• Eei منبع در معرض ریسک مورد انتظار به طرف مقابل در زمان تجدید ارزیابی ti می‌باشد که در پاراگراف ۳۰ منبع در معرض ریسک مورد انتظار مقرراتی) تعریف شد. منابع در معرض ریسک مجموعه‌های خالص‌سازی متفاوت برای طرف مقابل اضافه می‌شوند و بزرگترین سررسید هر مجموعه خالص‌سازی عبارت است از طولانی‌ترین سررسید قراردادی در مجموعه خالص‌سازی. برای بانک‌هایی که از روش کوتاه برای مبادلات دارای حاشیه استفاده می‌کنند (پاراگراف ۴۱ پیوست ۴) شرایط پاراگراف ۹۹ باید بکار گرفته شود.

• Di عبارت است از عامل تنزیل بدون ریسک نکول در زمان ti که $D0=1$

۹۹. فرمول پاراگراف ۹۸ باید مبنایی برای تمامی ورودی‌های مدل ارزش در معرض خطر مصوب بانک برای اوراق قرضه در زمان محاسبه هزینه پوششی سرمایه ریسک CVA برای طرف مقابل می‌باشد. برای مثال، اگر این مدل ارزش در معرض خطر بر مبنای تجدید قیمت‌گذاری کامل باشد، فرمول باید بطور مستقیم مورد استفاده قرار گیرد. اگر مدل ارزش در معرض خطر مصوب بانک بر مبنای حساسیت حاشیه اعتباری برای دوره زمانی معینی باشد، بانک باید هر حساسیت حاشیه اعتباری را بر مبنای فرمول زیر محاسبه کند:^{۱۹}

$$\text{Regulatory CS01}_i = 0.0001 \cdot t_i \cdot \exp\left(-\frac{s_i \cdot t_i}{LGD_{MKT}}\right) \cdot \left(\frac{EE_{i-1} \cdot D_{i-1} - EE_{i+1} \cdot D_{i+1}}{2}\right)$$

اگر مدل ارزش در معرض خطر مصوب بانک حساسیت‌های حاشیه اعتباری را برای انتقال موازی در حاشیه‌های اعتباری (مقرره CS01) استفاده کند، بانک باید فرمول زیر را مورد استفاده قرار دهد:^{۲۰}

$$\text{Regulatory CS01} = 0.0001 \cdot \sum_{i=1}^T \left(t_i \cdot \exp\left(-\frac{s_i \cdot t_i}{LGD_{MKT}}\right) - t_{i-1} \cdot \exp\left(-\frac{s_{i-1} \cdot t_{i-1}}{LGD_{MKT}}\right) \right) \cdot \left(\frac{EE_{i-1} \cdot D_{i-1} + EE_i \cdot D_i}{2}\right)$$

اگر مدل مصوب ارزش در معرض خطر بانک از حساسیت‌های دوم برای انتقال در حاشیه‌های اعتباری استفاده کند (گامای حاشیه)، گاماها باید بر مبنای فرمول مندرج در پاراگراف ۹۸ محاسبه شوند.

بانک‌هایی که از روش ساده برای اوراق مشتقه خارج از بورس پوشش داده شده با وثیقه استفاده می‌کنند (پاراگراف ۴۱ در پیوست ۴)، باید پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA را بر مبنای پاراگراف ۹۸، از طریق فرض منبع در معرض ریسک ثابت، محاسبه کنند. در اینجا، منبع در معرض ریسک مورد انتظار برابر با منبع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار موضوع روش ساده برای سررسید حداکثر (i) نصف بزرگترین سررسید در مجموعه خالص‌سازی و (ii) سررسید میانگین موزون اسمی تمامی تراکنش‌های موجود در مجموعه خالص‌سازی.

^{۱۹} این استخراج مدل فرض می‌کند که احتمالات نکول حاشیه‌ای قبل و بعد از طبق زمانی ti مثبت است و برای $T < z$ صادق است. برای

$$\text{Regulatory CS01}_T = 0.0001 \cdot t_T \cdot \exp\left(-\frac{s_T \cdot t_T}{LGD_{MKT}}\right) \cdot \left(\frac{EE_{T-1} \cdot D_{T-1} + EE_T \cdot D_T}{2}\right)$$

آخرین طبقه زمانی $T=i$ فرمول مربوطه عبارت است از:

^{۲۰} این مدل فرض می‌کند که احتمال نکول حاشیه‌ای مثبت است.



بانک‌های دارای تأییدیه IMM برای اکثر کسب و کارهای خود، به جز آن‌هایی که از CEM (روش منبع در معرض ریسک جاری) یا SM (روش استاندارد) برای پرتفویهای کوچکتر معین استفاده می‌کنند و آن‌هایی که دارای تأییدیه برای استفاده از مدل‌های داخلی ریسک بازار برای ریسک نرخ بهره معین اوراق قرضه هستند، این مجموعه‌های خالص‌سازی بدون IMM را بر اساس پاراگراف ۹۸، به پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA دخیل می‌کنند، مگر اینکه ناظر ملی تصمیم بر این داشته باشد که پاراگراف ۱۰۴ باید برای این پرتفوها اعمال شود. مجموعه‌های خالص‌سازی بدون IMM با فرض ثابت بودن EE در روش پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA پیشرفته وارد می‌شود. در اینجا، منبع در معرض ریسک مورد انتظار (EE) برابر با منبع در معرض نکول محاسبه شده در CEM یا SM برای سررسید حداکثر معادل (i) نصف بزرگترین سررسید در مجموعه خالص‌سازی و (ii) سررسید میانگین موزون اسمی تمامی تراکنش‌های موجود در مجموعه خالص‌سازی، می‌باشد. رویکرد یکسانی در موردی که مدل IMM مشخصه منبع در معرض ریسک را بدست نمی‌دهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای منابع در معرض ریسک به طرف‌های مقابل معین، مدل ارزش در معرض خطر ریسک بازار مصوب بانک، نمی‌تواند ریسک تغییرات حاشیه اعتباری را به درستی منعکس کند، زیرا مدل ارزش در معرض خطر ریسک بازار بانک بدرستی ریسک خاص ابزارهای بدهی انتشار یافته توسط طرف مقابل را نشان نمی‌دهد. برای این منابع در معرض ریسک، بانک مجاز به استفاده از پوشش ریسک CVA پیشرفته نیستند. در عوض، برای این منابع در معرض ریسک بانک باید پوشش ریسک CVA از طریق بکارگیری روش استاندارد در پاراگراف ۱۰۴ را تعیین کند. صرفاً منابع در معرض ریسک به طرف‌های مقابل که بانک دارای تأیید نظارتی برای مدل‌سازی ریسک خاص ابزارهای بدهی است، به پوشش ریسک CVA پیشرفته وارد می‌شود.

۱۰۰. پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA شامل ریسک‌های حاشیه اعتباری خاص و عام می‌باشد که شامل ارزش در معرض خطر تحت شرایط بحرانی به استثناء IRC (پوشش ریسک عامل افزایشنده). عدد ارزش در معرض خطر باید بر مبنای استانداردهای کمی توصیفی در پاراگراف ۷۱۸ (Lxxvi) تعیین شود. بنابراین، آن به عنوان جمع (i) جزء بدون شوک ارزش در معرض خطر و (ii) جزء حاوی شوک ارزش در معرض خطر تعیین می‌شود.

(i) هنگام محاسبه جزء بدون شوک ارزش در معرض خطر، تقریب ارزش جاری پارامتر برای منبع در معرض ریسک مورد انتظار باید مورد استفاده قرار گیرد.

(ii) هنگام محاسبه ارزش در معرض خطر دارای شوک (بر اساس تقریب‌های ارزش پارامتر منبع در معرض ریسک دارای بحران مندرج در پاراگراف ۶۱ پیوست ۴) مشخصه‌های منبع در معرض ریسک طرف مقابل



آینده باید مورد استفاده قرار گیرد. دوره بحران برای پارامترهای حاشیه اعتباری باید شوک قابل توجه یک سال در دوره سه ساله مورد استفاده برای پارامترهای منبع در معرض ریسک باشد.^{۲۱}

۱+۱. پوشش سرمایه‌ای اضافی مذکور برای ریسک CVA صرفاً پوشش ریسک بازار بوده که در مجموعه CVAs برای تمامی طرف‌های مقابل اوراق مشتقه خارج از بورس، دارای وثیقه یا بدون وثیقه، همراه با پوشش CVA واجد شرایط محاسبه می‌شود (همان‌گونه که در پاراگراف ۹۸ تعیین می‌شود). در چارچوب این پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA، هیچ نوع تهاتری در برابر سایر ابزارهای موجود در ترازنامه بانک اجازه داده نخواهد شد (به جز مواردی که تعیین شده است).

۱+۲. صرفاً پوشش‌هایی که به منظور کاهش ریسک CVA استفاده می‌شود، واجد شرایط برای ورود در مدل در معرض خطر استفاده شده برای محاسبه سرمایه پوششی CVA مذکور یا در پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA استاندارد مندرج در پاراگراف ۱۰۴، می‌باشند. به عنوان مثال، اگر یک قرارداد معاوضه نکول اعتباری (CDS) متعلق به یک ناشر برای بانک موجود باشد و ناشر نیز یک طرف مقابل خارج از بورس باشد ولی CDS به عنوان پوشش CVA استفاده نشود، این CDS واجد شرایط برای تهاتر CVA در چارچوب محاسبه ارزش در معرض خطر پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA نیست.

۱+۳. پوشش‌های واجد شرایطی که می‌تواند در محاسبه پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA تحت شرایط مندرج در پاراگراف‌های ۹۸ یا ۱۰۴ وارد شود، CDS‌های دارای یک نهاد مرجع، CDS‌های احتمالی دارای یک نهاد مرجع، سایر ابزارهای پوششی معادل آن‌ها که مربوط به یک طرف مقابل می‌شود و CDS‌های شاخص می‌باشند. در خصوص CDS‌های شاخص، محدودیت‌های زیر اعمال می‌شود:

- ریسک مبنا بین هر حاشیه طرف مقابل فردی و حاشیه‌های پوشش‌های CDS شاخص باید در ارزش در معرض خطر منعکس شود. این الزام، در خصوص مواردی که یک شاخص تقریبی برای حاشیه طرف مقابل مورد استفاده قرار می‌گیرد، اعمال می‌شود؛ زیرا ریسک مبنا غیرسیستمی نیز در این وضعیت‌ها باید منعکس شود. برای تمام طرف‌های مقابل بدون حاشیه، بانک باید سری‌های زمانی مربوط به ریسک مبنا خارج از نمونه مجموعه اسم‌های مشابه که اطلاعات حاشیه را دارا می‌باشد، استفاده کند.
- اگر ریسک مبنا در راستای رضایت مقام ناظر منعکس نشود، بانک باید صرفاً ۵۰ درصد مقدار اسمی پوشش‌های شاخص را در شاخص ارزش در معرض خطر منعکس کند.

^{۲۱} توجه شود که ضریب ۳ موجود در محاسبات VaR اوراق قرضه و VaR در شرایط بحرانی، در این محاسبات استفاده می‌شود.



سایر انواع پوشش‌های ریسک طرف مقابل نباید در محاسبه پوشش سرمایه‌ای CVA منعکس شود و آن‌ها باید به عنوان هر ابزار دیگری در دسترس بانک برای اهداف سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود. CDSs طبقه‌بندی شده یا n امین نکول، واجد شرایط پوشش‌های CVA نیستند. پوشش‌های واجد شرایط که در محاسبه پوشش سرمایه‌ای CVA استفاده می‌شود، باید از محاسبه پوشش سرمایه‌ای ریسک بازار بانک حذف شود.

B. سایر بانک‌ها، پوشش سرمایه‌ای استاندارد ریسک CVA

۱۰۴. زمانی که بانک مجوز موردنیاز برای استفاده از شرایط پاراگراف ۹۸ برای محاسبه پوشش سرمایه‌ای CVA در خصوص طرف‌های مقابل خود را نداشته باشد، بانک باید پوشش سرمایه‌ای پرتفوی با استفاده از فرمول زیر را محاسبه کند:

$$K = 2.33 \cdot \sqrt{h} \cdot \sqrt{\left(\sum_i 0.5 \cdot w_i \cdot (M_i \cdot EAD_i^{total} - M_i^{hedge} \cdot B_i) - \sum_{ind} w_{ind} \cdot M_{ind} \cdot B_{ind} \right)^2 + \sum_i 0.75 \cdot w_i^2 \cdot (M_i \cdot EAD_i^{total} - M_i^{hedge} \cdot B_i)^2}$$

- h افق ریسک یک ساله (با واحد سال) می‌باشد، $h=1$
- w_i وزن طرف مقابل "i" است. طرف مقابل i باید با یکی از وزن‌های w_i بر اساس رتبه اعتباری مستقل خود بر مبنای جدول انتهایی این پاراگراف، تطبیق داده شود. زمانی که طرف مقابل دارای رتبه اعتباری مستقل نباشد، بانک باید منوط به تأیید مقام ناظر، رتبه داخلی طرف مقابل را به یکی از رتبه‌های مستقل بیرونی تطبیق دهد.
- EAD_i^{total} عبارت است از منبع در معرض ریسک طرف مقابل i (مجموع آن در مجموعه‌های خالص‌سازی خود)، شامل تأثیر وثیقه برای IMM، قواعد SM یا CEM قابل اعمال برای محاسبه پوشش‌های سرمایه‌ای ریسک طرف مقابل توسط بانک. برای بانک‌هایی که IMM نیستند، منبع در معرض ریسک باید از طریق بکارگیری فاکتور $(1 - \exp(-0.05 \cdot M_i)) / (0.05 \cdot M_i)$ تنزیل شود. برای بانک‌های IMM، چنین تنزیلی نباید استفاده شود، زیرا فاکتور تنزیل قبلاً در M_i استفاده شده است.
- B_i پوشش‌های ضمنی و اسمی CDS دارای یک نهاد مرجع خریداری شده است (مجموع آن، اگر بیش از یک وضعیت وجود دارد) که مرتبط با طرف مقابل i بوده و برای پوشش ریسک CVA استفاده می‌شود. این مقدار اسمی باید از طریق به کارگیری فاکتور $(1 - \exp(-0.05 \cdot M_i^{hedge})) / (0.05 \cdot M_i^{hedge})$ تنزیل شود.
- B_{ind} عبارت است از مقدار کامل اسمی یک یا چند CDS شاخص پوشش خریداری شده که برای پوشش ریسک CVA استفاده می‌شود. مقدار مذکور باید با فاکتور $(1 - \exp(-0.05 \cdot M_{ind})) / (0.05 \cdot M_{ind})$ تنزیل شود.



- W_{ind} وزن بکار گرفته شده برای پوشش‌های شاخص است. بانک باید شاخص‌ها را به یکی از وزن‌های هفتگانه، بر اساس میانگین حاشیه شاخص "ind" تطبیق دهد.
- M_i سررسید مؤثر معاملات با طرف مقابل i است. برای بانک‌های IMM، M_i باید بر اساس پیوست ۴، پاراگراف ۳۸ پیمان بال محاسبه شود. برای بانک‌های بدون IMM، M_i میانگین موزون سررسید اسمی که در نکته سوم پاراگراف ۳۲۰ بدان اشاره شد، می‌باشد. با این وجود، برای این منظور، M_i نباید سقف ۵ سال داشته باشد.
- **Mihedge** سررسید ابزار پوشش با مقدار اسمی **Bi** (میزان **Bi.Mihedge** در صورت وجود چندین وضعیت، باید مجموع در نظر گرفته شود).
- **Mind** سررسید پوشش شاخص "ind" می‌باشد. در مواردی که بیش از یک وضعیت پوشش شاخص وجود دارد، این مقدار میانگین وزنی اسمی سررسید می‌باشد.

برای هر طرف مقابل که شکل دهنده یک شاخص در خصوص چیزی که CDS برای ریسک اعتباری طرف مقابل استفاده می‌شود، مقدار اسمی مرتبط به آن (بر حسب وزن نهاد مرجع آن) می‌تواند، با تأیید قبلی نظارتی، از مقدار اسمی CDS شاخص کسر شده و به عنوان پوشش دارای یک نهاد مرجع (**Bi**) طرف مقابل انفرادی همراه با سررسید مبتنی بر سررسید شاخص، در نظر گرفته شود.

وزن‌ها در جدول آمده است که مبتنی بر رتبه مستقل (بیرونی) طرف مقابل^{۲۲} می‌باشد:

وزن W_i	رتبه
0.7%	AAA
0.7%	AA
0.8%	A
1%	BBB
2%	BB
3%	B
10%	CCC

۱۰۵. محاسبه کل پوشش‌های سرمایه ریسک CCR و CVA

^{۲۲} علایم مربوط به روش مورد استفاده توسط یکی از مؤسسات، استاندارد و پورز است. استفاده از رتبه‌بندی اعتباری استاندارد و پورز فقط یک مثال است؛ برخی از مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل مورد تأیید دیگر نیز می‌تواند به عنوان معادل علایم رتبه‌بندی بکار گرفته شود. بنابراین، رتبه‌بندی مورد استفاده در این مستند، هیچ‌گونه ترجیح یا به رسمیت شناختن یک مؤسسه ارزیابی مستقل توسط کمیته بال را نشان نمی‌دهد.



این پاراگراف درباره تجمع پوشش سرمایه‌ای ریسک نکول و پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA برای زبان‌های بالقوه به روزرسانی ارزش می‌باشد. باید در نظر داشت که مانده منبع در معرض نکول که در پوشش‌های سرمایه‌ای ریسک نکول بدان اشاره می‌شود، خالص زبان‌های به وقوع پیوسته CVA بر اساس [پاراگراف جدید بعد از پاراگراف ۹ در پیوست ۴] که تمام اقلام "i" می‌باشد. در این پاراگراف، پوشش سرمایه‌ای IMM عبارت است از پوشش سرمایه‌ای ریسک نکول برای CCR بر مبنای دارایی‌های موزون به ریسک، زمانی که مانده منبع در معرض نکول هر طرف مقابل تحت شرایط رویکرد IMM با استفاده از وزن ریسک اعتباری قابل اعمال (تحت رویکرد استاندارد یا رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی) و برای تمام طرف‌های مقابل تجمیع می‌شود. به همین ترتیب، پوشش سرمایه‌ای CEM یا پوشش سرمایه‌ای SM عبارت است از پوشش‌های سرمایه‌ای ریسک نکول که مانده منابع در معرض نکول برای تمام طرف‌های مقابل در پرتفوی، به ترتیب بر مبنای CEM یا SM، تعیین می‌شود.

A. بانک‌های دارای تأییدیه استفاده از مدلی‌های داخلی ریسک بازار و IMM برای ریسک خالص نرخ بهره اوراق قرضه

پوشش سرمایه‌ای کل CCR برای چنین بانکی به عنوان جمع موارد زیر تعیین می‌شود:

i. مبلغ بزرگتر بین (a) پوشش سرمایه‌ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی جاری پارامترها برای EAD و (b) پوشش سرمایه‌ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی بحرانی پارامترها برای EAD. برای بانک‌های استفاده کننده از IRB، وزن‌های ریسک بکار گرفته شده برای منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه خارج از بورس باید با تعدیل کامل سررسید به عنوان تابعی از PD و M برابر با ۱ در پیمان بال (پاراگراف ۲۷۲) محاسبه شود؛ با این فرض که بانک می‌تواند به مقام ناظر خود نشان دهد که مدل خاص ارزش در معرض خطر آن در پاراگراف ۹۸ در بردارنده تأثیرات حرکت در رتبه‌بندی می‌باشد. اگر بانک قادر به متقاعد کردن مقام ناظر خود نباشد، تابع تعدیل کامل سررسید با فرض رابطه زیر باید استفاده شود^{۲۳}.

$$(1 - 1.5 \times b)^{-1} \times (1 + (M - 2.5) \times b)$$

ii. پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA تعیین شده در ادامه پاراگراف‌های ۹۸ تا ۱۰۳.

B. بانک‌های دارای تأیید IMM و بدون مجوز استفاده از ارزش در معرض خطر ریسک خاص برای اوراق قرضه

کل پوشش سرمایه‌ای CCR برای چنین بانکی به عنوان مجموعه‌ای از اجزای زیر تعیین می‌شود:

^{۲۳} M سررسید مؤثر است و b تعدیل سررسیدی به عنوان تابعی از PD مندرج در پاراگراف ۲۷۲ سند بال می‌باشد.



- i. مبلغ بزرگتر بین (a) پوشش سرمایه‌ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی جاری پارامترها و (b) پوشش سرمایه‌ای IMM آن بر مبنای تعیین ارزش تقریبی بحرانی پارامترها برای EAD.
- ii. پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA در رویکرد استاندارد طرق پاراگراف ۱۰۴.
- C. سایر بانک‌ها

پوشش سرمایه‌ای کل CCR برای این بانک‌ها به عنوان مجموع اجزاء زیر تعیین می‌شود:

- i. مجموع پوشش سرمایه‌ای مبتنی بر SM یا CEM برای همه طرف‌های مقابل (بر مبنای رویکرد CCR بانک) همراه با EAD طبق پاراگراف‌های ۹۱ یا ۹۶.
- ii. پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA مندرج در پاراگراف ۱۰۴.

به علاوه، پاراگراف زیر بعد از پاراگراف ۹ در پیوست ۴ باید قرار گیرد.

«مانده EAD» برای طرف مقابل مشتقه خارج از بورس به عنوان مقدار بزرگتر بین صفر و تفاوت میان مجموع EADها برای تمام مجموعه‌های خالص‌سازی دارای طرف مقابل و تعدیل ارزش‌گذاری اعتباری (CVA) برای آن طرف مقابل که قبلاً توسط بانک به عنوان یک حذف حساب (به عبارت دیگر، زیان CVA)، به رسمیت شناخته می‌شود، تعریف می‌گردد. این نوع زیان CVA بدون در نظر گرفتن هر گونه تهاوتر در خصوص تعدیلات ارزش‌گذاری بدهی که از سرمایه، تحت شرایط پاراگراف ۷۵ کسر می‌گردد، محاسبه می‌شود^{۲۴}. دارایی‌های موزون به ریسک برای طرف مقابل قرارداد مشتقه خارج از بورس می‌تواند به عنوان وزن ریسک قابل استفاده تحت رویکرد استاندارد یا رتبه‌بندی داخلی ضربدر مانده EAD طرف مقابل، محاسبه شود. این کاهش EAD توسط زیان‌های حاصله CVA برای تعیین پوشش سرمایه‌ای ریسک CVA استفاده نمی‌شود.

ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل

۱۰۰. پاراگراف ۵۷ پیوست ۴ در سند بال دو به صورت زیر بازنویسی می‌شود:

۵۷. بانک‌ها باید منابع در معرض ریسکی که منجر به سطح بالایی از ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل می‌شود را شناسایی کنند. آزمون بحران و تجزیه و تحلیل‌های سناریو باید برای شناسایی عوامل ریسک که به طور مثبت با ارزش اعتباری طرف مقابل همبستگی دارند، طراحی شوند. چنین آزمونی باید امکان وقوع شوک‌های جدی در زمان تغییر ارتباط بین عوامل ریسک را مورد بررسی قرار دهد.

^{۲۴} زیان CVA کسر شده از منابع در معرض ریسک برای تعیین مانده منبع در معرض ریسک برابر است با زیان CVA قبل از تعدیلات ارزش مربوط به بدهکاری (DVA) که به صورت جداگانه از سرمایه کسر می‌شود. وقتی که DVA به صورت جداگانه از سرمایه بانک کسر نشود، زیان CVA مورد استفاده برای تعیین منبع در معرض نکول خالص از DVA خواهد بود.



بانک‌ها باید ریسک کلی همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل را بر مبنای محصول، منطقه، صنعت یا سایر طبقاتی که مربوط به کسب و کار است، پایش کنند. گزارش‌ها باید به مدیریت ارشد و کمیته مناسب هیأت مدیره به صورت منظم به منظور رسیدگی به این نوع ریسک و اتخاذ اقدامات لازم برای مدیریت آن، ارایه شود.

اجرای پوشش هزینه خاص رکن اول و بازنگری پیوست ۴ زمانی که ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل شناسایی می‌شود.

۱۰۱. به منظور اجرای الزاماتی که محاسبه منبع در معرض نکول، ارزش بالاتری از منبع در معرض نکول را برای طرف‌های مقابل در زمان شناسایی ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل، منعکس می‌کند، پاراگراف ۴۲۳ متن بال دو و پاراگراف‌های ۲۹ و ۵۸ پیوست ۴ به صورت زیر مورد بازنگری قرار می‌گیرد:

۴۲۳. هر نهاد حقوقی مستقل که بانک در معرض ریسک آن قرار دارد باید به صورت جداگانه تعیین رتبه شوند. یک بانک باید دارای سیاست‌های قابل قبول مقام ناظر در ارتباط با هر نهاد در یک گروه مرتبط به یکدیگر شامل شرایطی که تحت آن شرایط، امکان تخصیص رتبه‌بندی یکسان به برخی یا تمام نهادهای مرتبط به یکدیگر بررسی شود، باشد. سیاست‌های مذکور باید شامل فرایندی برای شناسایی ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل خاص برای هر یک از نهادهای حقوقی که بانک در معرض آن‌ها است، باشد. مرادفات با طرف‌های مقابل که ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل در مورد آن‌ها شناسایی شده است، در زمان محاسبه منبع در معرض نکول برای این منابع در معرض نکول، به صورت متفاوتی مورد بررسی قرار گیرد (به پاراگراف ۵۸، پیوست ۴ مراجعه شود).

۲۹. هنگام استفاده از مدل داخلی، مقدار منبع در معرض ریسک یا منبع در معرض نکول به عنوان حاصلضرب آلفا در EPE مؤثر، به شرح مندرج در زیر (به استثناء طرف‌های مقابلی که به عنوان اشخاص دارای ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل - پاراگراف ۵۸ شناخته می‌شوند) محاسبه می‌شود: ۵۸. یک بانک در معرض "ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل" می‌باشد، این در شرایطی است که منبع در معرض ریسک آینده به طرف مقابل خاص به مقدار زیادی با احتمال نکول طرف مقابل همبستگی داشته باشد. به عنوان مثال، شرکتی که اوراق اختیار معامله را روی سهام خود می‌فروشد، ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل را در خصوص منابع در معرض ریسک برای خریدار ایجاد می‌کند که خاص طرف مقابل است. بانک باید دارای رویه‌هایی برای شناسایی، پایش و کنترل ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل



که با شروع معامله آغاز و در طول حیات معامله ادامه می‌یابد، باشد. برای محاسبه پوشش سرمایه‌ای CCR، ابزارها در خصوص مواردی که ارتباط حقوقی بین طرف مقابل و ناشر اصلی وجود دارد و ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل شناسایی شده است، نباید در مجموعه خالص‌سازی سایر معاملات با طرف مقابل لحاظ شود. به علاوه، برای سوآپ‌های نکول اعتباری دارای یک نهاد مرجع که ارتباط حقوقی بین طرف مقابل و ناشر اصلی وجود دارد و ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل شناسایی شده است، منبع در معرض نکول در ارتباط با منبع در معرض ریسک طرف مقابل سوآپ برابر است با زیان کامل مورد انتظار در ارزش منصفانه باقی مانده ابزارهای پایه با فرض ناشر اصلی در مرحله تصفیه قرار داشته باشد. استفاده از زیان کامل مورد انتظار در ارزش منصفانه باقی مانده ابزار پایه، بانک‌ها را مجاز به شناسایی ارزش بازار کاهش یافته و هر نوع پوشش‌های مورد انتظار در ارتباط با سوآپ‌های مورد اشاره می‌کند. به همین ترتیب، زیان با فرض نکول برای بانک‌های استفاده‌کننده از تبه‌بندی داخلی پایه یا پیشرفته برای سوآپ‌های مذکور، معادل ۱۰۰ درصد در نظر گرفته شود.^{۲۵} برای بانک‌های استفاده‌کننده از رویکرد استاندارد، وزن ریسک همانند وزن ریسک یک معامله بدون پوشش می‌باشد. برای اوراق مشتقه سهام، اوراق اختیار معامله اوراق قرضه، معاملات تأمین مالی اوراق بهادار و غیره مرتبط با یک شرکت که یک رابطه حقوقی بین طرف مقابل و شرکت اصلی وجود دارد و ریسک خاص همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری طرف مقابل در رابطه با آن شناسایی شده است، منبع در معرض نکول برابر است با ارزش معامله با فرض نکول اوراق پایه. با این توضیح که این امر باعث استفاده مجدد از محاسبات ممکن و موجود (ریسک بازار) که قبلاً در بردارنده فرض زیان با فرض نکول بوده است شود که زیان با فرض نکول باید معادل ۱۰۰ درصد قرار گیرد.

۲. ضریب همبستگی ارزش بازار برای نهادهای مالی بزرگ

۱۰۲. به منظور پیاده‌سازی ضریب AVC، پاراگراف ۲۷۲ سند بال به صورت زیر مورد بازنگری قرار می‌گیرد:

۲۷۲. در این بخش، PD و LGD به صورت اعشاری (درصد) محاسبه می‌شوند و EAD به صورت مبلغ (به عنوان مثال، یورو) می‌باشد، مگر این که مشخصاً مورد دیگری تعیین شده باشد. برای منابعی که در معرض ریسک نکول نیستند، فرمول محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک عبارت است از:^{۲۶}

^{۲۵} توجه شود که بازایی در خصوص ابزار پایه این قرارداد سوآپ امکان داشته باشد. الزامات سرمایه‌ای برای منبع در معرض ریسک پایه تحت شرایط سند بدون کاهش برای قرارداد سوآپ که ریسک همبستگی معکوس منابع در معرض ریسک با کیفیت اعتباری را شناسایی می‌کند. به طور کلی این بدان معنی است که این منبع در معرض ریسک پایه وزن ریسک و ترتیبات سرمایه‌ای مربوط به معاملات بدون پوشش (با این فرض که این منبع در معرض ریسک پایه یک منبع در معرض ریسک اعتباری بدون پوشش است) را خواهد گرفت.

^{۲۶} LN عبارت است از لگاریتم طبیعی است.



$$\text{Correlation (R)} = 0.12 \times (1 - \text{EXP}(-50 \times \text{PD})) / (1 - \text{EXP}(-50)) + 0.24 \times [1 - (1 - \text{EXP}(-50 \times \text{PD})) / (1 - \text{EXP}(-50))]$$

$$\text{Maturity adjustment (b)} = (0.11852 - 0.05478 \times \ln(\text{PD}))^2$$

$$\text{Capital requirement}^{43} (\text{K}) = \frac{[\text{LGD} \times \text{N}[(1 - \text{R})^{0.5} \times \text{G}(\text{PD}) + (\text{R} / (1 - \text{R}))^{0.5} \times \text{G}(0.999))] - \text{PD} \times \text{LGD}] \times (1 - 1.5 \times \text{b})^{-1} \times (1 + (\text{M} - 2.5) \times \text{b})}{}$$

$$\text{Risk-weighted assets (RWA)} = \text{K} \times 12.5 \times \text{EAD}$$

سرمایه الزامی (K) برای منبع در معرض ریسک نکول شده برابر است با مبلغ بیشتر بین صفر و تفاوت بین LGD آن (وفق پاراگراف ۴۶۸) و بهترین تخمین بانک از زیان مورد انتظار (مندرج در پاراگراف ۴۷۱). دارایی موزون به ریسک برای منبع در معرض ریسک نکول شده حاصلضرب k، ۱۲٫۵ و EAD خواهد بود. ضریب ۱٫۲۵ برای پارامتر همبستگی تمام منابع در معرض ریسک به نهادهای مالی که دارای معیارهای زیر باشند، اعمال می‌شود:

- نهادهای مالی تحت نظارت که کل دارایی‌های آن‌ها حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار باشد. آخرین صورت مالی حسابرسی شده شرکت مادر و نهادهای وابسته تلفیق شده باید برای تعیین میزان دارایی‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در راستای هدف این پاراگراف، نهاد مالی تحت نظارت به عنوان نهاد مالی و نهادهای وابسته آن است که هر شخص حقوقی مهم در گروه تلفیقی توسط مقام مقررات‌گذار که وضع‌کننده الزامات احتیاطی منطبق با معمولات بین‌المللی است، مورد نظارت قرار گیرد. این می‌تواند شامل شرکت‌های بیمه تحت نظارت، کارگزاران و واسطه‌گران، بانک‌ها، بازرگانان کمسیون قراردادهای آتی و شکوفایی مالی باشد.
- نهادهای مالی که بدون توجه به اندازه آن‌ها، تحت نظارت نیستند. نهادهای مالی که تحت نظارت نیست، در راستای اهداف این پاراگراف عبارتند از نهادهای حقوقی که کسب و کار اصلی آن‌ها شامل مدیریت دارایی‌های مالی، قرض‌دهی، فاکتورینگ (تنزیل اسناد تجاری بین‌المللی)، لیزینگ، ارایه ارتقاء اعتباری، اوراق بهادارسازی، سرمایه‌گذاری‌ها، نهادهای امین مالی، خدمات مرکز تسویه مرکزی، مبادلات ملکی و سایر فعالیت‌های خدمات مالی تعریف شده توسط ناظران.

$$\text{Correlation (R_FI)} = 1.25 \times [0.12 \times (1 - \text{EXP}(-50 \times \text{PD})) / (1 - \text{EXP}(-50)) + 0.24 \times [1 - (1 - \text{EXP}(-50 \times \text{PD})) / (1 - \text{EXP}(-50))]]$$

^{۴۳} N(X) تابع توزیع تجمعی برای یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد را نشان می‌دهد (به عبارت دیگر، احتمال این که یک متغیر تصادفی نرمال با میانگین صفر و میانگین ۱ کمتر یا مساوی X باشد). G(Z) تابع توزیع تجمعی نرمال معکوس برای یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد را نشان می‌دهد (به عبارت دیگر ارزش X به نحوی که N(X)=Z). تابع توزیع تجمعی نرمال و تابع توزیع تجمعی نرمال معکوس به عنوان مثال در نرم افزار به عنوان توابع NORMSINV و NORMSDIST می‌باشد.

^{۴۳} اگر این محاسبه منجر به پوشش سرمایه‌ای منفی برای منبع در معرض ریسک دولتی شود، بانک‌ها باید برای این مورد پوشش سرمایه‌ای صفر در نظر بگیرند.



۳. طرف‌های مقابل پوشش یافته توسط وثیقه و دوره حاشیه‌ای ریسک

افزایش دوره حاشیه‌ای ریسک

۱۰۳. به منظور پیاده‌سازی دوره حاشیه‌ای افزایش یافته ریسک، پاراگراف‌های جدید ۴۱(i) و ۴۱(ii) به پیوست ۴ سند بال دو اضافه می‌شود:

۴۱(i) برای معاملات، منوط به به به روزرسانی ارزش معاملات بطور روزانه، به عنوان یک حداقل نظارتی، ۵ روز کاری برای مجموعه‌های خالص‌سازی برای معاملات سبک بازخریدی، و ۱۰ روز کاری برای سایر مجموعه‌های خالص‌سازی برای دوره حاشیه‌ای ریسک استفاده شده به منظور مدل‌سازی EAD دارای توافقات این‌چنینی، بکار گرفته می‌شود. در موارد زیر حداقل نظارتی بالاتری استفاده می‌شود:

- برای تمام مجموعه‌های خالص‌سازی که تعداد معاملات در هر مقطع در کی فصل بیش از ۵۰۰۰ عدد باشد، حداقل نظارتی ۲۰ روز کاری برای دوره حاشیه‌ای ریسک بکار گرفته می‌شود.
- برای مجموعه‌های خالص‌سازی دربردارنده یک معامله یا بیشتر که دربردارنده وثیقه غیرنقد بوده یا یک ورقه مشتقه خارج از بورس که به آسانی قابلیت جایگزینی را ندارد، حداقل نظارتی، ۲۰ روز کاری می‌باشد. در این راستا، وثیقه غیرنقد و اوراق مشتقه خارج از بورس که به آسانی قابلیت جایگزینی ندارد باید در ارتباط با شرایط بحرانی بازار تعیین شده و بدون وجود بازارهای در حال فعالیت داریم که در آن‌ها طرف مقابل در طول دو روز یا کمتر مضنه‌های مختلفی از قیمت را می‌تواند داشته باشد به نحوی که بازار تغییر نکرده یا قیمتی را نشان دهد که منعکس کننده کسر (در مورد وثیقه) یا صرف (در مورد ورقه مشتقه خارج از بورس) در بازار می‌باشد. نمونه‌هایی از وضعیت‌هایی که معاملات غیرنقد لحاظ می‌شوند شامل معاملاتی که به طور روزانه به روزرسانی نشود و معاملاتی که منوط به ترتیبات خاص حسابداری برای اهداف ارزش‌گذاری باشد (مانند اوراق مشتقه خارج از بورس یا معاملات سبک بازخریدی بر پایه اوراق بهاداری که ارزش منصفانه آن توسط مدل‌هایی که ورودی آن‌ها در بازار مشاهده نمی‌شود، تعیین می‌گردد).
- به علاوه، یک بانک باید توجه داشته باشد که آیا معاملات یا اوراق بهاداری که وثیقه می‌گیرد، در یک طرف مقابل خاص تمرکز دارد یا خیر و اگر آن طرف مقابل به صورت ناگهانی از بازار خارج شود، آیا بانک قادر به جایگزینی معاملات آن است یا خیر؟

۴۱(ii). اگر بانک بیش از دو فراخوان برای تأمین حساب حاشیه در خصوص مجموعه خاص خالص‌سازی، در طول دو فصل گذشته تجربه کرده است به نحوی که بیش از دوره حاشیه‌ای ریسک طول کشیده باشد، بانک باید



از طریق استفاده از دوره حاشیه‌ای ریسک که حداقل دو برابر حداقل تعیین شده نظارتی برای مجموعه خالص‌سازی برای دو فصل بعدی می‌باشد، تجربه تاریخی مذکور را منعکس نماید.

۴۱(iii). برای تجدید نظر در میزان ودیعه با دوره زمانی N روز، بدون توجه به روش تعدیل یا مدل کامل IMM، دوره حاشیه‌ای ریسک باید حداقل معادل حداقل مقدار تعیین شده نظارتی، F، به اضافه N روز منهای یک روز باشد. به عبارت دیگر،

$$\text{Margin Period of Risk} = F + N - 1.$$

پاراگراف ۱۶۷ بال دو، (تعدیلاتی برای دوره‌های نگهداری متفاوت و ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار یا تجدید نظر در میزان ودیعه بطور روزانه) با پاراگراف زیر جایگزین می‌شود:

۱۶۷. حداقل دوره نگهداری برای محصولات مختلف در جدول زیر خلاصه شده است.

نوع معامله	حداقل دوره نگهداری	شرط
معامله سبک با خریدی	۵ روز کاری	تجدید نظر در میزان ودیعه بطور روزانه
سایر معاملات بازار سرمایه	۱۰ روز کاری	تجدید نظر در میزان ودیعه بطور روزانه
وام‌دهی دارای پوشش	۲۰ روز کاری	تجدید ارزیابی (ارزش‌گذاری) روزانه

زمانی که بانک دارای چنین معامله یا مجموعه خالص‌سازی که دارای معیارهای پاراگراف‌های ۴۱(i) یا ۴۱(ii) پیوست ۴ باشد، حداقل دوره نگهداری باید معادل دوره حاشیه‌ای ریسک که تحت شرایط پاراگراف‌های مذکور استفاده می‌شود، باشد.

پاراگراف ۱۷۹ بال دو (استفاده از مدل‌ها) با پاراگراف زیر جایگزین می‌شود:

۱۷۹. معیارهای کمی و کیفی برای به رسمیت شناختن مدل‌های داخلی ریسک بازار برای معاملات سبک با خریدی و سایر معاملات مشابه، اصولاً همانند موارد مندرج در پاراگراف‌های ۷۱۸(LXXIV) تا ۷۱۸(LXXVI) می‌باشد. با توجه به دوره نگهداری، برای معاملات سبک با خریدی، حداقل دوره ۵ روز کاری به جای ۱۰ روز کاری مندرج در پاراگراف (c) ۷۱۸(LXXVI)، می‌باشد. برای سایر معاملات واجد شرایط برای استفاده از رویکرد مدل‌های ارزش در معرض خطر، ۱۰ روز کاری به عنوان دوره نگهداری در نظر گرفته می‌شود. حداقل دوره نگهداری باید برای ابزارهایی که دوره نگهداری مذکور با توجه به وضعیت نقد بودن ابزار مورد نظر، مناسب نیست، باید به سمت بیشتر بودن تعدیل شود. حداقل، زمانی که بانک دارای معامله سبک با خریدی یا موارد مشابه یا مجموعه خالص‌سازی که معیارهای مندرج در پاراگراف‌های ۴۱(i) یا ۴۱(ii) پیوست ۴ را دارا



می‌باشند، حداقل دوره نگهداری باید دوره حاشیه‌ای ریسک که تحت شرایط پاراگراف‌های مذکور استفاده می‌شود، در ترکیب با مندرجات پاراگراف ۴۱(iii)، باشد.

بازنگری روش ساده برای تخمین EPE مؤثر

۱۰۴. پاراگراف ۴۱ پیوست ۴ در سند بال ۲ به صورت زیر بازنگری می‌شود:

۴۱. روش ساده: بانکی که می‌تواند EPE را بدون توافقات قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار مدل‌سازی کند، اما نمی‌تواند به سطح بالایی از پیچیدگی‌های مدل برای مدل‌سازی EPE همراه با توافقات قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار برسد، می‌تواند از روش زیر برای طرف‌های مقابل ودیعه‌گذار منوط به ودیعه‌گذاری مجدد و تعیین ارزش روزانه مبتنی بر بازار مشروح در پاراگراف ۴۱(i)، استفاده کند. ۲۷ روش مذکور تقریب ساده‌ای از EPE مؤثر بوده و EPE مؤثر برای یک طرف مقابل ودیعه‌گذار برابر است با مقدار کمتر بین موارد (a) و (b):

(a) EPE مؤثر بدون وثیقه و ودیعه‌ای، به اضافه هرگونه وثیقه‌ای که بدون مواردی از قبیل ارزش‌گذاری روزانه و فرایند ودیعه‌گذاری یا منبع در معرض ریسک جاری نزد طرف مقابل قرار داده شده است (به عبارت دیگر، ودیعه اولیه یا مقدار مستقل دیگری)؛ یا

(b) یک بخش اضافی که نشان‌دهنده افزایش بالقوه در منبع در معرض ریسک در طول دوره حاشیه‌ای ریسک می‌باشد به اضافه مقدار بزرگتر بین:

i. منبع در معرض ریسک جاری شامل تمام وثایق جاری نگهداری شده یا توثیق شده و پس از کسر ارزش این وثایق، به استثناء وثیقه‌ای که فراخوان شده یا محل مناقشه باشد؛ یا

ii. بزرگترین منبع در معرض ریسک خالص، شامل تمام وثایق نگهداری شده یا توثیق شده تحت شرایط توافق قرض‌گیری از کارگزار اوراق بهادار است که منجر به فراخوانی وثیقه نمی‌شود. این مبلغ، باید منعکس کننده همه آستانه‌های قابل اعمال، حداقل مقادیر انتقال، مقادیر مستقل و مبالغ ودیعه اولیه تحت شرایط توافق مذکور باشد.

مبلغ اضافه مورد اشاره، با رابطه $E[\max(\Delta MtM, 0)]$ محاسبه می‌شود که در آن $E[\dots]$ به معنای انتظار است (به عبارت دیگر میانگین سناریوها) و ΔMtM عبارت است از تغییر ارزش مبتنی بر بازار معاملات در طول دوره حاشیه‌ای ریسک. تغییرات در ارزش وثیقه باید با استفاده از روش ضریب تعدیل نظارتی یا روش تخمین‌های داخلی منعکس شود ولی در این دوره هیچ نوع پرداخت وثیقه وجود ندارد. دوره حاشیه‌ای

^{۳۷} زمانی که یک بانک به طور کلی این روش ساده را برای اندازه‌گیری EPE مؤثر بکار می‌گیرد، روش مذکور می‌تواند توسط بانکی که عضو نهاد تسویه مرکزی برای معاملات خود با نهاد مذکور و با مشتریان شامل آن‌هایی که منجر به مبادلات بعدی با نهاد تسویه مرکزی می‌شود، استفاده شود.



ریسک منوط به حداقل میزان نظارتی مندرج در پاراگراف های ۴۱(i) تا ۴۱(iii) می‌باشد. آزمون پس‌آزمایی باید این موضوع را که آیا منابع در معرض ریسک جاری متناسب و سازگار با پیش‌بینی روش ساده در طول تمامی دوره‌های حاشیه ریسک برای یک سال است یا خیر، مورد آزمون قرار دهد. اگر برخی معاملات در مجموعه خالص‌سازی دارای سررسید کمتر از یک سال بوده و مجموعه خالص‌سازی بدون معاملات مذکور دارای حساسیت‌های فاکتور ریسک باشد، این موضوع باید در نظر گرفته شود. اگر پس‌آزمایی نشان دهد که EPE مؤثر دارای کم برآوردی است بانک باید اقدامات لازم را جهت استفاده محافظه‌کارانه از روش انجام پس‌آزمایی از قبیل افزایش میزان تغییرات فاکتور ریسک، اتخاذ نماید.

جلوگیری از انعکاس عوامل تنزل در EAD

۱۰۵. به منظور جلوگیری از وجود عوامل تنزل در EAD، پاراگراف جدید ۴۱(iv) به پیوست ۴ به صورت زیر اضافه می‌شود:

۴۱(iv). بانک‌های استفاده‌کننده از روش مدل‌های داخلی نباید اثر کاهش در EAD را به علت شرط موجود در قرارداد وثیقه که دریافت وثیقه را در صورت کاهش کیفیت اعتباری طرف مقابل الزام می‌دارد، در نظر بگیرند.

اضافه نمودن الزاماتی برای بهبود عملکرد عملیاتی بخش وثیقه

۱۰۶. به منظور پیاده‌سازی الزامات طراحی شده برای بهبود عملیات بخش وثیقه بانک، دو پاراگراف جدید ۵۱(i) و ۵۱(ii) به پیوست ۴ اضافه و پاراگراف ۷۷۷(x) بخش ۳: رکن دوم - فرایند بررسی نظارتی به صورت زیر بازنویسی می‌شود:

۵۱(i). بانک‌های که روش مدل داخلی را استفاده می‌کنند باید واحد مدیریت وثیقه که مسئول محاسبه و فراخوانی ودیعه، مدیریت اختلافات مربوط به فراخوانی ودیعه و سطح گزارش‌دهی مقادیر مستقل، میزان ودیعه اولیه و تغییر آن به صورت روزانه و شکل صحیح است را دارا باشد. واحد مذکور باید یکپارچگی اطلاعات مورد استفاده برای ایجاد فراخوانی ودیعه را کنترل کرده و اطمینان حاصل کند که با منابع مرتبط داده‌ای در بانک سازگار است. این واحد همچنین باید میزان استفاده مجدد از وثیقه (به صورت نقدی و غیرنقدی) و حقوقی که بانک به طرف‌های مقابل خود برای وثیقه آن‌ها می‌دهد را ردیابی کند. چنین



گزارش‌های داخلی باید نشان دهنده طبقات دارایی‌های وثیقه‌ای که استفاده مجدد می‌شود و شرایط آن شامل ابزار، کیفیت اعتباری و سررسید باشد. این واحد باید تمرکز بر یک طبقه وثیقه‌ای پذیرفته شده توسط بانک را مد نظر داشته باشد. مدیریت ارشد باید اطمینان حاصل کند که این واحد به شکل کافی برای بررسی فراخوان‌ها و چالش‌های آن به صورت به موقع حتی در شرایط بحران دارای نیروی کافی باشد و بانک را قادر سازد تا تعداد چالش‌های بزرگ ناشی از حجم معاملات را محدود کند.

۵۱(ii). واحد مدیریت وثیقه بانک باید اطلاعات صحیح مدیریت وثایق را ایجاد و نگهداری کرده و به صورت منظم به مدیریت ارشد گزارش شود. این گزارش‌گری داخلی باید شامل اطلاعات درباره نوع وثیقه (نقدی و غیرنقدی)، اندازه، زمان بندی و دلیل فراخوانی ودیعه و چالش‌های آن باشد. گزار مذکور باید همچنین روند مربوط به این اطلاعات را منعکس نماید.

۷۷۷(x). بانک باید یک بررسی مستقلی از سیستم مدیریت CCR را از طریق فرایند حسابرسی داخلی خود ایجاد نماید. بررسی مذکور باید شامل فعالیت‌های واحد معامله و اعتبار کسب و کار و واحد مستقل کنترل CCR باشد. بررسی فرایند مدیریت CCR باید در فواصل زمانی منظمی قرار گیرد (بطور ایده‌آل کمتر از یک بار در سال نباشد) و باید حداقل موارد زیر را مورد بررسی قرار دهد:

- کفایت مستندسازی سیستم مدیریت CCR و فرایند آن؛
- سازمان واحد مدیریت وثیقه؛
- سازمان واحد کنترل CCR؛
- یکپارچه‌سازی اقدامات CCR با مدیریت ریسک؛
- فرایند تأیید مدل‌های قیمت‌گذاری ریسک و سیستم‌های ارزش‌گذاری مورد استفاده توسط کارکنان اداره عملیاتی و اداره پشتیبانی؛
- تصدیق هر نوع تغییر با اهمیت در فرایند اندازه‌گیری CCR؛
- گستره ریسک‌های اعتباری طرف مقابل تعیین شده توسط مدل اندازه‌گیری ریسک؛
- یکپارچگی سیستم اطلاعات مدیریت؛
- صحت و میزان کامل بودن اطلاعات CCR؛
- انعکاس صحیحی از شرایط حقوقی و قانونی قراردادهای خالص‌سازی و وثیقه در اندازه‌گیری منبع در معرض ریسک؛
- راستی‌آزمایی سازگاری، به موقع بودن و قابلیت اتکای منابع داده‌ای مورد استفاده برای استفاده از مدل‌ها شامل استقلال منابع داده‌ای مذکور؛



- صحت و تناسب فرضیات مربوط به پراکندگی و همبستگی؛
- صحت محاسبات ارزشیابی و انتقال ریسک و
- راستی‌آزمایی صحت مدل از طریق پس‌آزمایی متناوب.

الزامات مربوط به کنترل استفاده مجدد از وثیقه توسط بانک‌های IMM

۱۰۷. برای پیاده‌سازی الزامات مربوط به کنترل‌ها در خصوص استفاده مجدد از وثیقه، پاراگراف جدید ۵۱(iii) به صورت زیر به پیوست ۴ اضافه می‌شود:

۵۱(iii). بانک استفاده‌کننده از روش مدل‌های داخلی باید اطمینان حاصل کنند که سیاست‌های مدیریت نقد آن به‌طور هم‌زمان، ریسک‌های نقدینگی فراخوان‌های ودیعه پیش‌رو در زمینه حاشیه تغییر و سایر انواع ودیعه، از قبیل ودیعه اولیه یا مستقل، تحت شرایط شوک‌های منفی بازار، فراخوان‌های بالقوه پیش‌رو برای بازگرداندن وثیقه اضافی توثیق شده توسط طرف‌های مقابل و فراخوان‌های ناشی از تنزل بالقوه در رتبه عمومی خود را مدنظر قرار می‌دهد. بانک باید اطمینان حاصل کند که ماهیت و افق استفاده مجدد از وثیقه سازگار با نیازهای نقدینگی آن بوده و توانایی آن را در توثیق یا بازگرداندن وثیقه در زمان مقتضی، در معرض خطر قرار ندهد.

الزام بانک‌ها برای استفاده از تعدیل نظارتی برای انتقال وثیقه خارج از بورس غیر نقدی به معادل نقدی

۱۰۸. به منظور استفاده از تعدیلات نظارتی برای وثیقه‌های غیر نقدی خارج از بورس، پاراگراف جدید ۶۱(i) به پیوست ۴ به صورت زیر اضافه خواهد شد:

۶۱(i). یک بانک در محاسبات منبع در معرض نکول برای اوراق مشتقه خارج از بورس، اگر قادر به مدل‌سازی وثیقه و منبع در معرض ریسک نباشد برای شناسایی تأثیر وثیقه غیر نقد با همان ارزش منبع در معرض ریسک، باید تعدیلاتی که استانداردهای روش جامع وثیقه مالی همراه با تخمین‌هایی از آن تعدیل‌ها را رعایت می‌کند یا تعدیلات نظارتی استاندارد را مورد استفاده قرار دهد.

الزامات مربوط به مدل‌سازی وثیقه غیر نقد همراه با اوراق بهادار پایه برای اوراق مشتقه خارج از بورس و معاملات تأمین مالی اوراق بهادار (SFTs)

۱۰۹. به منظور حصول اطمینان از استحکام وثیقه غیر نقد، پاراگراف جدید ۶۱(ii) به پیوست ۴ به صورت زیر اضافه خواهد شد:



۱۶۱(ii). اگر مدل داخلی شامل اثر وثیقه بر تغییرات در ارزش بازار مجموعه خالص سازی باشد، بانک باید وثیقه را به عنوان وثیقه غیر نقدی با ارزی غیر از منبع در معرض ریسک، در محاسبات منبع در معرض نکول برای معاملات تأمین مالی اوراق بهادار مدل سازی کند.

بازنگری بخش کاهش ریسک اعتباری برای اضافه نمودن الزام کیفی مدیریت وثیقه

۱۱۰. برای حصول اطمینان از این موضوع که منابع کافی به عملیات منظم توافقات حساب ودیعه برای اوراق مشتقه خارج از بورس و طرف‌های مقابل SFT تخصیص داده می‌شود، و حصول اطمینان از سیاست‌های صحیح مدیریت وثیقه، پاراگراف جدید ۱۱۵(i) به متن اصلی سند بال به شکل زیر اضافه می‌شود:

۱۱۵(i). بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که منابع کافی به عملیات منظم توافقات حساب ودیعه برای اوراق مشتقه خارج از بورس و طرف‌های مقابل SFT که از طریق به موقع بودن و صحت فراخوان‌ها و زمان پاسخ به فراخوان‌های پیش‌رو اندازه‌گیری می‌شود، تخصیص داده می‌شود. بانک‌ها باید دارای سیاست‌های مدیریت وثیقه برای کنترل، پایش و گزارش موارد زیر باشند:

- ریسک موردی که توافقات حساب ودیعه اوراق بهادار را در معرض آن قرار می‌دهد (از قبیل پراکندگی و نقدینگی اوراق بهادار مبادله شده به عنوان وثیقه)
- ریسک تمرکز به انواع خاصی از وثیقه
- استفاده مجدد از وثیقه (نقدی و غیرنقدی) شامل کسری بالقوه نقدینگی ناشی از استفاده مجدد از وثیقه دریافت شده از طرف‌های مقابل، و
- واگذار نمودن حقوق وثیقه‌ای که نزد طرف‌های مقابل قرار دارد.

بازنگری متن برای ایجاد تعدیلات نظارتی استاندارد برای وثیقه اوراق بهادار سازی

۱۱۱. برای پیاده‌سازی تعدیلات نظارتی برای وثیقه اوراق بهادار سازی، پاراگراف جدید ۱۴۵(i) به متن بال اضافه شده و پاراگراف ۱۵۱ به صورت زیر بازنگری می‌شود:

۱۴۵(i) اوراق بهادار سازی مجدد (مندرج در چارچوب اوراق بهادار سازی)، صرف‌نظر از هر نوع رتبه‌بندی اعتباری، واجد شرایط به عنوان وثیقه مالی نمی‌باشند. این ممنوعیت زمانی که بانک در حال استفاده از روش تعدیل نظارتی، روش تخمین تعدیلات، روش ارزش در معرض خطر بازخریدی یا روش مدل داخلی باشد، بکار گرفته می‌شود.



۱۵۱. جدول زیر تعدیلات نظارتی استاندارد (با فرض ارزش گذاری مبتنی بر بازار روزانه، ودیعه گذاری مجدد روزانه و دوره نگهداری ۱۰ روزه) به صورت درصد می باشد:

رتبه انتشار برای اوراق بدهی	سررسید باقی مانده	دولت ها	سایر ناشرین	منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی
AAA تا AA-/A-1	> ۱ سال	۰.۵	۱	۲
	< ۱ سال > ۵ سال	۲	۴	۸
	< ۵ سال	۴	۸	۱۶
A+ تا BBB-/A-2/A-3/P-3 و اوراق بهادار بدون رتبه بانک	> ۱ سال	۱	۲	۴
	< ۱ سال > ۵ سال	۳	۶	۱۲
BB+ تا BB-	< ۵ سال	۶	۱۲	۲۴
	تمامی سرسیدها	۱۵	واجد شرایط نیست	واجد شرایط نیست
سهام شاخص اصلی				۱۵
سایر سهام				۲۵
UCITS / صندوق های سرمایه گذاری مشترک وجه نقد با همان ارزش				بیشترین ضریب تعدیل قابل کاربرد برای هر کدام از اوراق در صندوق صفر

(پانویس های همراه جدول آورده نشده است. با این وجود، منابع در معرض ریسک اوراق بهادار سازی به عنوان منابع در معرض ریسکی که تعریف مندرج در چارچوب اوراق بهادار سازی را رعایت می کند، تعریف می شود.)

ترتیبات مربوط به طرف های مقابل با درجه اهرمی بالا

۱۱۲. کمیته بر این باور است که مناسب است که یک الزام کیفی که نشان دهنده این موضوع است که تخمین های PD برای طرف های مقابل با درجه اهرمی بالا باید منعکس کننده عملکرد دارایی های آن ها بر مبنای دوره بحرانی باشد را اضافه کند و بنابراین یک پاراگراف جدید بعد از پاراگراف ۴۱۵ سند بال به صورت زیر معرفی می کند:

۴۱۵(i). تخمین های PD برای قرض گیرندگانی که دارای درجه اهرمی بالایی هستند یا برای آن هایی که دارایی های آن ها غالباً دارایی های مبادله شده است، باید عملکرد دارایی های پایه را بر مبنای دوره های دارای نوسانات بحرانی را نشان دهد.

۴. طرف های مقابل مرکزی (نهادهای تسویه مرکزی)

۱۱۳. کمیته بال از کار در جریان کمیته سیستم های تسویه و پرداخت (CPSS) و سازمان بین المللی کمیسیون اوراق بهادار (IOSCO) برای بررسی رهنمودهایی برای طرف های مقابل مرکزی ۲۰۰۴ CPSS-IOSCO، قدردانی به عمل می آورد. منوط به تکمیل بازنگری استانداردهای CPSS-IOSCO که مدیریت ریسک نهادهای تسویه مرکزی را پوشش می دهد، کمیته ترتیبات سرمایه نظارتی را برای منابع در معرض ریسک نهادهای مذکور بر مبنای تطبیق این نهادها با استانداردهای توسعه یافته CPSS-IOSCO، اعمال خواهد کرد. کمیته به صورت



جداگانه به عنوان رهنمود عمومی، مجموعه‌ای از قواعد مرتبط با تجهیز سرمایه منابع در معرض ریسک بانک در خصوص نهادهای تسویه مرکزی را منتشر خواهد کرد. مجموعه استانداردهای مذکور در طول سال ۲۰۱۱ و پس از تکمیل و بعد از این که CPSS-IOSCO به روزرسانی استانداردهای مورد اشاره را تکمیل نمود، نهایی می‌شوند. کمیته قصد دارد به‌طور هم‌زمان با سایر اصلاحات ریسک اعتباری طرف مقابل، استانداردهای مذکور را اعلام نماید.

۵. الزامات بهبود یافته مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل

۱۱۴. پاراگراف ۳۶ پیوست ۴ به صورت زیر به منظور افزایش صحت و استحکام تخمین‌های بانک از آلفا مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

۳۶. بدین منظور، بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که صورت و مخرج آلفا در ارتباط با روش مدل‌سازی، تعیین پارامتر و ترکیب پرتفوی محاسبه شوند. رویکرد مورد استفاده باید مبتنی بر رویکرد سرمایه اقتصادی داخلی بانک باشد، به خوبی مستند شده و مشمول تصدیق مستقل باشد. به علاوه، بانک‌ها باید تخمین‌های خود را حداقل به صورت فصلی، یا با تناوب بیشتر زمانی که ترکیب پرتفوی در طول زمان تغییر می‌کند مورد بررسی قرار دهند. بانک‌ها باید ریسک مدل را ارزیابی کرده و ناظران باید نسبت به تغییر مهم در تخمین‌های آلفا که ناشی از امکان تعیین نادرست در مدل‌ها برای صورت آلفا، به ویژه زمانی که تحذب وجود دارد، می‌باشد، آگاه باشند.

آزمون بحران

۱۱۵. الزامات کیفی مندرج در پیوست ۴ برای آزمون بحران که بانک‌ها باید هنگام استفاده از روش مدلی داخلی انجام دهند، صریح‌تر و گسترده‌تر شده است. بطور مشخص، پاراگراف ۵۶، پیوست ۴ سند بال ۲ با متن زیر جایگزین می‌شود:

۵۶. بانک‌ها باید دارای برنامه جامع آزمون بحران برای ریسک اعتباری طرف مقابل باشند. برنامه آزمون بحران باید شامل عناصر زیر باشد:

- بانک‌ها باید برای تمام اشکال ریسک اعتباری طرف مقابل (و نه فقط اوراق مشتقه خارج از بورس)، از پوشش کامل معامله و تجمیع منبع در معرض ریسک، در سطح مشخص طرف مقابل در یک بازه زمانی کافی برای انجام آزمون بحران منظم اطمینان حاصل کنند.



- برای همه طرف‌های مقابل، بانک‌ها باید حداقل به صورت ماهیانه، آزمون بحران فاکتورهای اصلی ریسک بازار (نرخ‌های بهره، نرخ ارز، سهام، حاشیه‌های اعتباری و قیمت‌های کالا) را به منظور شناسایی فعالانه و در صورت لزوم کاهش تمرکز بیش از حد نسبت به حساسیت‌های جهت‌دار مشخص، انجام دهد.
- بانک‌ها باید سناریوهای چند عاملی آزمون بحران و ریسک‌های غیرجهت‌دار حایز اهمیت (به عبارت دیگر، منبع در معرض ریسک منحنی بازده، ریسک‌های مبنا و غیره) را حداقل به صورت فصلی بکار گیرند. آزمون‌های بحران چند عاملی باید حداقل سناریوهایی را استفاده کند که در آن‌ها (a) وقایع جدی بازار یا اقتصادی اتفاق افتاده باشد؛ (b) نقدینگی وسیع بازار به طور قابل توجهی کاهش یافته باشد و (c) تأثیر بازار وضعیت‌های نقدشوندگی نهادهای واسطه مالی بزرگ وجود داشته باشد. این آزمون‌های بحران ممکن است بخشی از آزمون بحران گسترده بانک باشد.
- تغییرات بحرانی بازار دارای تأثیر روی منابع در معرض ریسک طرف‌های مقابل و همچنین روی کیفیت اعتباری طرف‌های مقابل می‌باشد. حداقل به صورت فصلی، بانک‌ها باید آزمون‌های بحران را با بکارگیری شرایط بحرانی در خصوص تغییرات مشترک منابع در معرض ریسک و ارزش اعتباری طرف مقابل انجام دهند.
- آزمون بحران منبع در معرض ریسک (شامل تک عاملی، چند عاملی و ریسک‌های حایز اهمیت جهت‌دار) و شوک‌وارد کردن همزمان به منبع در معرض ریسک و ارزش اعتباری باید برای هر طرف مقابل، گروهی از طرف‌های مقابل (به عنوان مثال، صنعت و منطقه) و سطوح جمعی CCR بانک انجام شود.
- نتایج آزمون بحران باید با گزارش‌دهی معمول به مدیریت ارشد ادغام و یکپارچه شود. این تجزیه و تحلیل باید بزرگترین اثرات در سطح طرف مقابل، تمرکزهای مهم در بخش‌های پرتفوی (در یک صنعت یا منطقه) و روندهای خاص و مرتبط طرف مقابل و پرتفوی را پوشش دهد.
- شدت شوک‌های فاکتور ریسک باید سازگار با هدف آزمون بحران باشد. هنگام ارزیابی توانایی مالی در شرایط بحرانی، شوک‌های فاکتور باید به اندازه کافی شدت داشته تا قادر باشد شرایط شدید تاریخی بازار و یا شرایط بحرانی شدید و قابل قبول را پوشش دهد. تأثیر چنین شوک‌هایی روی منابع سرمایه‌ای همچنین الزامات سرمایه‌ای و سوددهی بانک باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در راستای هدف پایش روزانه پرتفوی، پوشش و مدیریت تمرکزها، بانک‌ها همچنین باید سناریوهایی با شدت کمتر و احتمال وقوع بیشتر را مدنظر قرار دهند.



- بانک‌ها باید آزمون‌های بحران معکوس را به منظور شناسایی سناریوهای شدید ولی قابل قبول که می‌تواند منجر به نتایج نامطلوب مهمی شود را مدنظر داشته باشند.
- مدیریت ارشد باید دارای یک نقش راهبری در ادغام و یکپارچه‌سازی سناریوی بحران در چارچوب مدیریت ریسک و فرهنگ ریسک بانک بوده و اطمینان حاصل کند که نتایج معنادار هستند و برای مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل به صورت فعالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حداقل، نتایج آزمون بحران برای منابع در معرض ریسک حایز اهمیت باید با رهنمودهایی که میزان ریسک‌پذیری بانک را بیان می‌کند مقایسه شده و جهت اقدام در زمان وقوع ریسک‌ها شدید یا متمرکز مدنظر قرار گیرند.

تصدیق و تأیید مدل و آزمون پس‌آزمایی

۱۱۶. هنگام تأیید مدل، پاراگراف زیر (در حال حاضر پاراگراف ۴۲) بعد از پاراگراف ۴۰ پیوست ۴ قرار می‌گیرد:
۴۰. bis. مدل EPE همچنین باید شامل اطلاعات خاص معامله به منظور پوشش تأثیرات ودیعه‌سازی باشد. مقدار جاری حساب ودیعه و ودیعه‌ای که میان طرف‌های مقابل در آینده مبادله می‌شود، باید لحاظ شود. این مدل باید ماهیت توافقات ودیعه‌گذاری (یک‌جانبه یا دوجانبه)، تناوب فراخوان ودیعه، دوره حاشیه‌ای ریسک، آستانه‌های منبع در معرض ریسک بدون حساب ودیعه که بانک تمایل به پذیرش آن دارد و حداقل مقدار انتقال را مدنظر قرار دهد. مدل مذکور، باید تغییر در ارزش‌گذاری به قیمت بازار در خصوص وثایق را مدل‌سازی کند یا قواعد سند حاضر را بکار گیرد.
۱۱۷. الزامات فعلی سند بال دو برای پس‌آزمایی با موارد زیر جایگزین می‌شود:
۴۲. مهم این است که مقامات نظارتی، قادر به حصول اطمینان باشند که بانک‌های استفاده‌کننده از مدل‌ها، دارای سیستم‌های مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل که به‌طور مفهومی پایدار و یکپارچه باشد، هستند. بر این اساس، مقام نظارتی تعدادی از معیارهای کیفی که بانک‌ها باید قبل از مجاز شدن به استفاده از رویکرد مبتنی بر مدل رعایت کنند، را تعیین کند. میزان رعایت معیارهای کیفی توسط بانک‌ها می‌تواند بر سطحی که مقام نظارتی برای عامل آلفا مندرج در پاراگراف ۳۲ در نظر می‌گیرد، اثر بگذارد. فقط بانک‌هایی که با معیارهای کیفی منطبق هستند، برای استفاده از حداقل عامل مورد اشاره واجد شرایط هستند. معیارهای کیفی دربردارنده موارد زیر است:



- بانک باید یک برنامه منظم پس‌آزمایی، به عبارت دیگر مقایسه سنج‌های ریسک^{۲۸} اندازه‌گیری شده توسط مدل در مقابل موارد حقیقی، همچنین مقایسه تغییرات نظری مبتنی بر وضعیت‌های آماره با سنج‌های شناسایی شده را داشته باشد.
- بانک باید تصدیق اولیه در خصوص مدل IMM و سنج‌های ریسک اندازه‌گیری شده توسط آن و همچنین بررسی دوره‌ای در این خصوص داشته باشد. تصدیق و بررسی مذکور باید مستقل از توسعه‌دهندگان مدل انجام پذیرد.
- هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید به طور فعال در فرایند کنترل ریسک مشارکت داشته و باید کنترل اعتبار و ریسک اعتباری طرف مقابل را به عنوان جنبه ضروری کسب و کار خود در نظر گرفته به نحوی که منابع قابل توجهی باید بدان تخصیص دهند. بدین منظور، گزارش‌های روزانه که توسط واحد کنترل ریسک مستقل تهیه می‌شود، باید توسط یک سطح مدیریت ارشد دارای اختیار کافی برای اعمال کاهش وضعیت‌های اتخاذ شده و کاهش در منابع در معرض ریسک کلی بانک، بررسی شود.
- مدل داخلی اندازه‌گیری ریسک باید با فرایند روزانه مدیریت ریسک بانک ادغام شده باشد. نتایج آن باید به عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی، پایش و کنترل مشخصه ریسک اعتباری طرف مقابل بانک باشد.
- سیستم اندازه‌گیری ریسک باید در ارتباط با حدود داخلی منبع در معرض ریسک و معاملات مورد استفاده قرار گیرد. در این خصوص، حدود منبع در معرض ریسک باید با مدل اندازه‌گیری ریسک بانک به روشی که در طول زمان سازگار بوده و توسط معامله‌گران، بخش اعتباری و مدیریت ارشد درک شده باشد، ارتباط داشته باشد.
- بانک‌ها باید دارای یک رویه معمول برای حصول اطمینان از تطبیق با مجموعه مستند سیاست‌ها، کنترل‌ها و رویه‌های داخلی با توجه به عملیات سیستم اندازه‌گیری ریسک، باشند. سیستم اندازه‌گیری ریسک بانک باید به خوبی مستندسازی شده باشد. به عنوان مثال، این امر می‌تواند از طریق راهنمای مدیریت ریسک که اصول پایه سیستم مدیریت ریسک را توضیح می‌دهد و توصیفی در خصوص تکنیک‌های عملی مورد استفاده برای سنجش ریسک اعتباری طرف مقابل فراهم می‌آورد، انجام شود.
- سیستم سنجش ریسک باید در فرایند حسابرسی داخلی بانک به طور مستقل بررسی شود. این بررسی باید شامل فعالیت‌های واحدهای معاملات و واحد مستقل کنترل ریسک باشد. بررسی فرایند مدیریت

^{۲۸} سنج‌های ریسک صرفاً EPE مؤثر به عنوان سنج ریسک مورد استفاده برای محاسبه سرمایه نظارتی نمی‌باشد، بلکه سایر سنج‌های ریسک در محاسبه EPE مؤثر از قبیل توزیع منبع در معرض ریسک در سری‌های تاریخ‌های آینده، توزیع منبع در معرض ریسک مثبت، فاکتورهای ریسک بازار مورد استفاده برای محاسبه منابع در معرض ریسک مذکور و ارزش‌های مبادلات تشکیل دهنده پرتفو نیز مشمول می‌شود.



- ریسک کلی باید در فواصل زمانی منظم (به صورت ایده‌آل کمتر از یک مرتبه در سال نباشد) انجام شده و باید به طور مشخص حداقل موارد زیر را مد نظر قرار دهد:
- کفایت مستندسازی سیستم و فرایند مدیریت ریسک؛
 - سازمان و ساختار واحد کنترل ریسک؛
 - ادغام سنج‌های ریسک اعتباری طرف مقابل با مدیریت روزانه ریسک؛
 - فرایند تصویب مدل‌های ریسک اعتباری طرف مقابل مورد استفاده در محاسبه ریسک اعتباری طرف مقابل که توسط کارکنان واحد پشتیبانی و میانی استفاده می‌شود؛
 - تأیید تغییر مهم در فرایند اندازه‌گیری ریسک؛
 - گستره ریسک‌های اعتباری طرف مقابل که توسط مدل اندازه‌گیری ریسک پوشش داده می‌شود؛
 - یکپارچگی سیستم اطلاعات مدیریت؛
 - صحت و میزان کامل بودن اطلاعات مربوط به وضعیت؛
 - راستی آزمایی سازگاری، به موقع بودن و قابلیت اتکای منابع اطلاعات مورد استفاده برای اجرای مدل‌های داخلی، شامل استقلال چنین منابع اطلاعاتی؛
 - صحت و مناسب بودن فرضیات همبستگی و پراکندگی؛
 - صحت ارزش‌گذاری و محاسبات گذار ریسک؛
 - راستی آزمایی صحت مدل مندرج در پاراگراف‌های ۴۳ تا ۴۶.
- تأیید مستمر مدل‌های ریسک اعتباری طرف مقابل، شامل پس‌آزمایی، باید به صورت دوره‌ای توسط سطحی از مدیریت که دارای اختیارات کافی در خصوص تصمیم‌گیری برای دوره عمل لازم برای شناسایی نقاط ضعف مدل‌ها می‌باشد، بررسی شود.
۴۳. بانک‌ها باید فرایند تأیید اولیه و مستمر مدل‌های IMM خود را به صورت تفصیلی به نحوی که شخص ثالث قادر به دریافتن تجزیه و تحلیل باشد، مستندسازی کنند. همچنین بانک‌ها باید محاسبه سنج‌های ریسک حاصل از مدل‌ها به صورت تفصیلی به نحوی که شخص ثالث قادر به بازیابی سنج‌ها باشد را مستندسازی کنند. این مستندسازی باید تناوب پس‌آزمایی و سایر تأییدهای مستمر، چگونگی تأیید آن‌ها با توجه به جریان اطلاعات و پرتفوی‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد را تعیین کند.
۴۴. بانک‌ها باید معیارهایی را برای ارزیابی مدل‌های EPE خود و مدل‌هایی که برای محاسبه EPE استفاده می‌شود را تعریف کند و دارای سیاست مکتوبی که فرایند شناسای عملکردهای غیرقابل قبول و اصلاح آن‌ها را تعیین خواهد کرد، باشند.



۴۵. بانک‌ها باید تعیین کنند که چگونه مشخصه‌های طرف مقابل مورد اشاره به منظور تأیید مدل EPE و سنجه‌های ریسک ایجاد می‌شود.

۴۶. زمان تأیید مدل‌های EPE و سنجه‌های ریسک آن که توزیع پیش‌بینی را ایجاد می‌کند، باید بیش از یک آماره توزیع مدل را مورد ارزیابی قرار دهد.

۴۶(i). به عنوان بخشی از تأیید و تصدیق اولیه و مستمر یک مدل IMM و سنجه‌های ریسک آن، الزامات زیر باید رعایت شود:

- بانک باید آزمون پس‌آزمایی را با استفاده از داده‌های تاریخی در خصوص تغییرات فاکتورهای ریسک بازار قبل از تصویب نظارتی انجام دهد. پس‌آزمایی باید تعدادی از افق‌های زمانی پیش‌بینی حداقل یک ساله، در ارتباط با تاریخ‌های شروع مختلف و پوشش محدوده وسیع از شرایط بازار را مد نظر قرار دهد.

- بانک‌ها باید آزمون پس‌آزمایی عملکرد مدل EPE خود و سنجه‌های ریسک مرتبط مدل، همچنین پیش‌بینی فاکتور ریسک بازار که EPE را پشتیبان می‌کند، انجام دهد. برای مبادلات دارای وثیقه، افق‌های زمانی پیش‌بینی مورد نظر، باید شامل آن‌هایی باشد که نشان‌دهنده دوره‌های حاشیه‌ای نوعی ریسک که برای مبادلات دارای حساب ودیعه حاشیه‌ای است، باشد و باید شامل افق‌های زمانی بلندمدت حداقل ۱ سال باشد.

- مدل‌های قیمت‌گذاری مورد استفاده برای محاسبه منبع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل برای سناریوی مفروض شوک‌های آینده فاکتورهای ریسک بازار باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید اولیه و مستمر مدل، مورد آزمون قرار گیرد. این مدل‌های قیمت‌گذاری می‌تواند با آن‌هایی که برای محاسبه ریسک بازار در طول یک دوره کوتاه استفاده شود، متفاوت باشد. مدل‌های قیمت‌گذاری برای اوراق اختیار باید ویژگی غیرخطی ارزش اوراق اختیار در ارتباط با فاکتورهای ریسک بازار را ملحوظ نظر قرار دهد.

- مدل EPE باید اطلاعات خاص مبادلات به منظور تجمیع منابع در معرض ریسک در سطح مجموعه خالص‌سازی را پوشش دهد. بانک‌ها باید تصدیق کنند که مبادلات به مجموعه خالص‌سازی مناسب در مدل تخصیص داده می‌شود.

- آماره، پس‌آزمایی تاریخی در خصوص پرتفویهای طرف مقابل باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید باشد. در دوره‌های منظم تحت راهبری مقام ناظر، یک بانک باید آزمون پس‌آزمایی را نسبت به تعدادی از پرتفویهای نمونه طرف مقابل انجام دهد. پرتفویهای نمونه باید بر مبنای حساسیت آن‌ها به فاکتورهای



ریسک مهم و همبستگی به موردی که بانک در معرض آن قرار دارد انتخاب شوند. به علاوه، بانک‌های IMM نیاز دارند که آزمون پس‌آزمایی که برای آزمون مفروضات اصلی مدل EPE و سنجه‌های مرتبط ریسک از قبیل رابطه مدل‌سازی شده بین دوره زمانی فاکتور ریسک یکسان و روابط مدل‌سازی شده بین فاکتورهای ریسک انجام دهند.

- تفاوت‌های مهم بین منابع در معرض ریسک شناسایی شده و توزیع پیش‌بینی می‌تواند نشان‌دهنده مشکلی در خصوص مدل یا داده‌های پایه باشد که مقام ناظر بانک را ملزم به تصحیح آن‌ها می‌کند. در چنین شرایطی، ناظران می‌توانند بانک را ملزم به نگهداری سرمایه اضافی تا زمانی که مشکل حل شود، کنند.

- عملکرد مدل‌های EPE و سنجه‌های ریسک آن باید منوط به انجام آزمون پس‌آزمایی مناسب باشد. برنامه آزمون پس‌آزمایی باید قادر به شناسایی عملکرد ضعیف سنجه‌های ریسک مدلی EPE باشد.
- بانک‌ها باید مدل‌های EPE خود و تمامی سنجه‌های ریسک مرتبط با افق‌های زمانی متناسب با سررسید معاملاتی که منبع در معرض ریسک برای آن‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی داخلی محاسبه می‌شود، را تأیید کنند.

- مدل‌های قیمت‌گذاری مورد استفاده برای محاسبه منبع در معرض ریسک طرف مقابل باید به‌طور منظم با الگوهای مستقل مناسب به عنوان بخشی از فرایند تأیید و تصدیق مستمر، مورد آزمون و بررسی قرار گیرند.

- تأیید مستمر مدل EPE بانک و سنجه‌های ریسک مرتبط باید شامل عملکرد جاری باشد.
- تناوب به روزرسانی مدل EPE باید به عنوان بخشی از فرایند تأیید و تصدیق مورد ارزیابی قرار گیرد.
- در چارچوب IMM، سنجه‌ای که محافظه کارانه‌تر از شاخص اندازه‌گیری استفاده شده برای محاسبه منبع در معرض نکول نظارتی برای هر طرف مقابل است، می‌تواند به جای آلفا در EPE مؤثر با تأیید قبلی مقام ناظر استفاده شود. میزان محافظه کاری در این موضوع، بر مبنای تأیید اولیه مقام ناظر و در بررسی‌های نظارتی معمول مدل‌های EPE مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. بانک باید این موضوع را به صورت منظم تأیید و تصدیق نماید.

- ارزیابی مستمر عملکرد مدل باید تمام طرف‌های مقابل که مدل‌ها برای آن‌ها استفاده شده است، را پوشش دهد.

- تأیید مدل‌های IMM باید ارزیابی کند که آیا محاسبات EPE منبع در معرض ریسک سطح بانک و مجموعه خالص‌سازی مناسب است یا خیر؟



۴۹ (i) بانک باید دارای واحد کنترل مستقل ریسک که مسئول طراحی و پیاده‌سازی سیستم مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل است، باشد. این واحد باید گزارش‌های روزانه در خصوص خروجی مدل اندازه‌گیری ریسک بانک شامل ارزیابی رابطه بین سنج‌های منبع در معرض ریسک اعتباری و حدود معاملات، را فراهم و تحلیل نماید. واحد مذکور باید از واحدهای کسب و کار بانک مستقل بوده و باید مستقیماً به مدیریت ارشد گزارش‌دهی کند.

B. بررسی اتکا به رتبه‌بندی اعتباری مستقل و حداقل کردن مضرات آن

۱. ترتیبات رتبه‌بندی استنباطی استاندارد برای منابع در معرض ریسک بلندمدت

۱۱۸. پاراگراف ۹۹ سند بال دو به صورت زیر اصلاح می‌شود:

۹۹. زمانی که یک بانک بر اوراقی که دارای ارزیابی خاص در آن خصوص است، سرمایه‌گذاری کند، وزن ریسک مطالبه مذکور بر مبنای آن ارزیابی است. زمانی که مطالبه بانک سرمایه‌گذاری در اوراق مذکور نباشد، اصول کلی زیر بکار گرفته می‌شود.

- در شرایطی که قرض‌گیرنده دارای ارزیابی برای یک بدهی منتشره باشد- اما مطالبه بانک به صورت سرمایه‌گذاری در این بدهی نباشد- یک ارزیابی اعتباری با کیفیت بالا (ارزیابی که به یک وزن ریسک کمتر از مطالبه بدون رتبه منطبق شود) در خصوص آن بدهی می‌تواند صرفاً برای مطالبه بدون ارزیابی بانک استفاده شود زمانی که مطالبه مذکور هم رده یا بالاتر از مطالبه دارای ارزیابی در تمام جهات باشد. اگر چنین نباشد، ارزیابی اعتباری نمی‌تواند استفاده شود و مطالبه بدون ارزیابی وزن ریسک معادل وزن ریسک مطالبه بدون رتبه را دریافت خواهد کرد.

- در شرایطی که قرض‌گیرنده دارای یک ارزیابی ناشر است، این ارزیابی نوعاً برای مطالبات بدون پوشش وثیقه‌ای دارای رده بالا (ارشدیت بالا) از آن ناشر بکار گرفته می‌شود. در نتیجه، تنها مطالبات با اولویت بالا از آن ناشر از یک ارزیابی با کیفیت در خصوص ناشر نفع می‌برد. سایر مطالبات ارزیابی نشده از یک ناشر با ارزیابی بالا، به عنوان مطالبات بدون رتبه در نظر گرفته می‌شود. اگر ناشر یا یک ورقه منتشره دارای ارزیابی با کیفیت پایین باشند (منطبق با وزن ریسکی معادل یا بالاتر از آن چه که برای مطالبات بدون رتبه بکار می‌رود)، مطالبه بدون ارزیابی در خصوص همان طرف مقابل که معادل یا کمتر از ارزیابی ناشر ارشد بدون پوشش وثیقه‌ای یا ارزیابی منبع در معرض ریسک است، وزن ریسک همانند آن چه به ارزیابی کیفیت پایین بکار می‌رود، تخصیص داده خواهد شد.



۲. انگیزه اجتناب از ایجاد منابع در معرض ریسک دارای رتبه

۱۱۹. پاراگراف ۷۳۳ متن بال دو به صورت زیر می‌باشد:

۷۳۳. ریسک اعتباری: بانک‌ها باید دارای روشی باشند که آن‌ها را قادر به ارزیابی ریسک اعتباری منابع در معرض ریسک به قرض‌گیرندگان فردی یا طرف‌های مقابل همچنین سطح پرتفوی کند. بانک‌ها باید منابع در معرض ریسک را صرف نظر از این که دارای رتبه بوده یا نه، ارزیابی کنند و تعیین نمایند که آیا وزن‌های ریسک بکار گرفته شده در خصوص این منابع، تحت رویکرد استاندارد، برای ریسک ذاتی آن‌ها متناسب است یا خیر. در این موارد که بانک تعیین می‌کند که ریسک ذاتی منبع در معرض ریسک به ویژه زمانی که بدون رتبه است، بطور قابل توجهی بالاتر از آن چه که توسط وزن ریسک نشان می‌دهد، می‌باشد، بانک باید درجه بالاتری از ریسک اعتباری را در ارزیابی کفایت سرمایه کلی خود در نظر بگیرد. برای بانک‌ها با ساختار پیچیده‌تر، ارزیابی بررسی اعتباری کفایت سرمایه حداقل باید چهار حوزه را پوشش دهد: سیستم‌های رتبه‌بندی ریسک، تجمیع/تحلیل پرتفوی، اوراق مشتقه اعتباری پیچیده/اوراق بهادار سازی شده و منابع در معرض ریسک کلان و تمرکزهای ریسک.

۳. استفاده از اصول پایه‌ای آیین رفتار حرفه‌ای ISOCO برای آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری

۱۲۰. پاراگراف ۹۱ و ۵۹۵ (b) متن بال دو به صورت زیر خواهد شد (پاراگراف ۹۰ نیازی به تغییرات بیشتری ندارد):

۱. فرایند شناسایی (به رسمیت شناختن)

۹۰. ناظران ملی مسئول تعیین مستمر این موضوع که آیا مؤسسه ارزیابی اعتباری (ECAI) معیارهای فهرست شده در پاراگراف زیر را رعایت می‌کنند یا خیر، می‌باشند. ناظران ملی باید از اصول پایه‌ای آیین رفتار حرفه‌ای ISOCO برای آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری در زمان تعیین میزان واجد شرایط بودن مؤسسه ارزیابی اعتباری استفاده کنند. ارزیابی‌های این مؤسسات می‌تواند به صورت محدود به رسمیت شناخته شود، به عنوان مثال، از طریق نوع مطالبات یا از لحاظ کشور. فرایند نظارتی برای به رسمیت شناختن مؤسسات ارزیابی اعتباری باید به منظور اجتناب از موانع احتمالی، افشا شود.

۲. معیارهای واجد شرایط

۹۱. یک مؤسسه ارزیابی اعتباری باید هر یک از ۶ معیار زیر را داشته باشد.

• پاسخگویی: تغییری پیشنهاد نمی‌شود



- استقلال: تغییری پیشنهاد نمی‌شود
- قابلیت دسترسی بین‌المللی / شفافیت: ارزیابی‌های فردی، عناصر اصلی مبنای ارزیابی‌ها و این موضوع که آیا ناشر در فرایند ارزیابی مشارکت می‌کند یا خیر باید به صورت عام در دسترس عموم قرار گیرد، مگر این که ارزیابی‌های مذکور خصوصی باشد. به علاوه، رویه کلی، روش‌ها و فرضیات ورود در ارزیابی‌های مورد استفاده توسط مؤسسه ارزیابی اعتباری باید در دسترس عموم باشد.
- افشا: یک مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل باید این اطلاعات را افشا کند: آیین رفتار حرفه‌ای؛ ماهیت کلی ترتیبات جبران خدمات خود با نهادهای تحت ارزیابی؛ روش‌های ارزیابی خود، شامل تعریف نکول، افق زمانی و معنی هر رتبه؛ نرخ‌های نکول تجربه شده در هر طبقه ارزیابی و انتقال ارزیابی‌ها به عنوان مثال احتمال تبدیل AA به رتبه A در طول زمان.
- منابع: تغییری پیشنهاد نمی‌شود
- شهرت و اعتبار: تغییری پیشنهاد نمی‌شود

۳. الزامات عملیاتی برای استفاده از ارزیابی‌های اعتباری مستقل (بیرونی)

۵۶۵. معیارهای عملیاتی زیر در خصوص استفاده از ارزیابی‌های اعتباری مستقل در رویکردهای استاندارد و رتبه‌بندی داخلی چارچوب اوراق بهادارسازی بکار گرفته می‌شود:

(a) بدون تغییر

(b) ارزیابی‌های اعتباری مستقل باید از جانب یک مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل واجد شرایط که توسط مقام ناظر بانک با توجه به مندرجات پاراگراف‌های ۹۰ تا ۱۸۰ با در نظر گرفتن استثناء زیر، به رسمیت شناخته شده است، باشد. بر خلاف بند سوم پاراگراف ۹۱، یک ارزیابی اعتباری واجد شرایط، رویه‌ها، روش‌ها، مفروضات و عناصر اصلی مبنای ارزیابی‌ها باید به‌طور کلی و بدون هزینه در دسترس عموم باشد^{۲۹}.
به بیان دیگر، رتبه‌بندی باید با قابلیت دسترسی منتشر شده و در ماتریس انتقال مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل شامل شود. همچنین، تحلیل جریان نقدی و زیان، همچنین حساسیت رتبه‌بندی به تغییرات در مفروضات پایه رتبه‌بندی باید در دسترس عموم باشد. در نتیجه رتبه‌بندی‌هایی که فقط در دسترس طرفین معامله قرار می‌گیرند، این الزامات را رعایت نمی‌کنند.

(c) تا (f) بدون تغییر

^{۲۹} زمانی که ارزیابی اعتباری واجد شرایط بدون هزینه ارائه نشود، مؤسسه ارزیابی اعتباری مستقل باید توجیه کافی در چارچوب آیین رفتار حرفه‌ای در دسترس عموم بر اساس ماهیت "منطبق باش یا توضیح بده" اصول رفتار حرفه‌ای ISOCO برای آژانس‌های رتبه‌بندی اعتباری ارائه دهد.



۴. اثرات ناشی از تضامین و مشتقات اعتباری - کاهش ریسک اعتباری (CRM)

رویکرد استاندارد - طیف ضامینین واجد شرایط (ضامینین متقابل) /ارایه کنندگان پوشش

۱۹۵. پوشش اعتباری ارایه شده توسط مؤسسات زیر به رسمیت شناخته می‌شود:

- مؤسسات دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، بانک‌ها و شرکت‌های اوراق بهادار با وزن ریسک پایین تر از طرف مقابل.
- سایر مؤسساتی که به طور مستقل رتبه‌بندی شده به استثناء زمانی که پوشش اعتباری برای منبع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادارسازی تأمین شده باشد. این امر شامل پوشش اعتباری ارایه شده توسط شرکت مادر، تابعه مستقل و شرکت‌های وابسته زمانی که آن‌ها دارای وزن ریسک کمتر از متعهد باشند.
- زمانی که پوشش اعتباری برای منبع در معرض ریسک اوراق بهادارسازی شده ارایه شود، سایر مؤسسات اخیراً دارای رتبه بیرونی -BBB یا بهتر از آن باشد یا در زمان ارایه پوشش دارای رتبه -A با بهتر باشند. این امر شامل پوشش اعتباری ارایه شود توسط شرکت مادر، تابعه مستقل و شرکت‌های وابسته می‌باشد و این زمانی است که آن‌ها دارای وزن ریسک کمتر از متعهد باشند.

شناسایی (به رسمیت شناختن) تحت رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی (IRB) پایه

۳۰۲. برای بانک‌های استفاده کننده از رویکرد پایه در خصوص LGD، رویکرد مربوط به تضامین و اوراق مشتقه اعتباری به مقدار بسیار زیادی از ترتیبات رویکرد استاندارد مندرج در پاراگراف‌های ۱۸۹ تا ۲۰۱ پیروی می‌کند. طیف ضامینین واجد شرایط همانند شرایط مندرج در رویکرد استاندارد به استثناء شرکت‌هایی است که به صورت داخلی رتبه‌بندی می‌شوند و می‌تواند تحت شرایط رویکرد پایه مورد شناسایی قرار گیرد. برای شناسایی، الزامات مندرج در پاراگراف ۱۸۹ تا ۱۹۴ باید رعایت شود.

۵. رتبه‌بندی غیرالزامی و به رسمیت شناختن مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل

۱۲۱. پاراگراف ۶۴ و ۱۰۸ سند بال دو به صورت زیر تغییر می‌کند:

۹۴. بانک‌ها باید از مؤسسات رتبه‌بندی منتخب و رتبه‌بندی آن‌ها به صورت سازگار برای همه انواع مطالبات در خصوص وزن دهی ریسک و اهداف مدیریت ریسک استفاده کنند. بانک‌ها مجاز به گلچین نمودن



ارزیابی‌های ارایه شده توسط مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل و تغییر دلخواهانه استفاده از این مؤسسات نیستند.

۱۰۸. به عنوان یک قاعده کلی، بانک‌ها باید از رتبه‌بندی مورد درخواست از مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل واجد شرایط استفاده کنند. با این وجود، مقامات ناظر ملی می‌توانند به بانک‌ها اجازه دهند که از رتبه‌بندی غیرالزامی نیز همانند رتبه‌بندی مورد درخواست استفاده کنند و این زمانی است که متقاعد شده باشند که ارزیابی‌های اعتباری ناشی از رتبه‌بندی غیرالزامی از نظر کیفیت نسبت به کیفیت کلی رتبه‌بندی مورد درخواست پایین‌تر نباشد. با این وجود، این احتمال برای مؤسسات ارزیابی اعتباری مستقل وجود دارد که از رتبه‌بندی‌های غیرالزامی برای اعمال فشار به مؤسسات برای دریافت رتبه‌بندی الزامی استفاده کنند. چنین رفتاری، زمانی که شناسایی شد، باید باعث شود که ناظران این موضوع را در نظر بگیرند که آیا مؤسسه مذکور را واجد شرایط برای اهداف کفایت سرمایه به رسمیت بشناسند یا خیر.



III. سپر سرمایه حفاظتی

۱۲۲. این بخش کارکرد سپر سرمایه حفاظتی که بانک‌ها باید نسبت به ایجاد آنها قبل از دوره‌های بحران اطمینان حاصل نمایند را به طور مختصر بیان می‌کند. سپرهای سرمایه‌ای مزبور این امکان را دارند که در صورت وقوع زیان کاهش یابند. این الزامات بر قواعد سرمایه حفاظتی ساده مبتنی است و به منظور اجتناب از نقض حداقل‌های الزامات سرمایه‌ای طراحی شده‌اند.

A. قواعد برتر مربوط به سرمایه حفاظتی

۱۲۳. قبل از دوره‌های زمانی وقوع بحران، بانک‌ها باید سپرهایی از سرمایه را فراتر از حداقل‌های مقرراتی نگهداری نمایند.

۱۲۴. چنانچه سپرهای حفاظتی کاهش یابند، یکی از راه‌هایی که بانک‌ها باید به منظور بازسازی مجدد سپرها دنبال نمایند کاهش صلاح‌دید سود قابل توزیع می‌باشد. این موضوع می‌تواند شامل کاهش سود نقدی سهام، پرداخت‌های با پشتوانه سهام و نیز پاداش کارمندان باشد. بانک‌ها همچنین می‌توانند به عنوان راهکاری جایگزین در حفاظت از سطح سرمایه ایجاد شده به صورت درونی، این روش را انتخاب نمایند که سرمایه جدیدی از بخش خصوصی جذب کنند. ایجاد توازن بین این گزینه‌ها باید با انجام مذاکره با مقامات نظارتی به عنوان بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی سرمایه صورت پذیرد.

۱۲۵. واضح است که تلاش‌های بیشتری باید به منظور بازسازی سپرهایی که بیشتر کاهش پیدا کرده‌اند صورت پذیرد. بنابراین، در غیاب افزایش سرمایه از بخش خصوصی در صورتی که سطوح سرمایه واقعی بانک‌ها به الزامات حداقل سرمایه نزدیک‌تر می‌شوند، سهم سود انباشته بانک برای هدف بازسازی سپرهای سرمایه‌ای باید افزایش یابد.

۱۲۶. برای بانک‌هایی که سپرهای سرمایه‌ای خود را کاهش داده‌اند این موضوع قابل پذیرش نیست که به عنوان توجیهی برای حفظ توزیع‌های سخاوتمندانه سود به سهامداران، سایر تأمین‌کنندگان سرمایه و نیز کارکنان، از پیش‌بینی‌های آینده به منظور بازسازی سرمایه خود استفاده نمایند. سهامداران بر خلاف سپرده‌گذاران باید این ریسک را بپذیرند که بازسازی سرمایه موضوعی مربوط به آینده نمی‌باشد.

۱۲۷. همچنین برای بانک‌هایی که سپرهای سرمایه‌ای خود را کاهش داده‌اند این موضوع قابل پذیرش نیست که سعی نمایند از توزیع سرمایه به عنوان راهی برای نشان دادن قدرت مالی خود استفاده نمایند. این موضوع نه تنها از نقطه نظر یک بانک به عنوان رفتاری غیرمسئولانه دیده می‌شود بلکه قرار دادن منافع سهامداران بالاتر از منافع سپرده‌گذاران می‌تواند سایر بانک‌ها را برای دنبال کردن این رویه ترغیب نماید. در نتیجه



بانک‌ها در مجموع توزیع سود خود را درست در زمانی که باید سود نگهداری شود افزایش می‌دهند.

۱۲۸. چارچوب پیشنهادی در اینجا، اختیار بانک‌هایی که سپرده‌های سرمایه‌ای آنها کاهش پیدا کرده است، را به منظور جلوگیری از کاهش بیشتر آنها از طریق توزیع سخاوتمندانه سود کاهش می‌دهد. بر این اساس، این چارچوب توانایی بانک‌ها را به منظور مقاومت در شرایط نامطلوب تقویت می‌کند. اجرای چارچوب از طریق قواعد سرمایه حفاظتی که در سطح بین‌المللی پذیرفته شده است می‌تواند هم در شرایطی که به سمت وضعیت رکودی پیش می‌رود و نیز به منظور فراهم کردن مکانیزم‌هایی برای بازسازی سرمایه در طی دوره‌های اولیه بازسازی اقتصادی، در افزایش مقاومت بخش بانکی کمک نماید. نگهداری بخش بیشتری از سود در طول یک دوره رکود می‌تواند این اطمینان را ایجاد نماید که به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های تجاری عادی بانک‌ها در طول دوره‌های وقوع بحران، سطح سرمایه کافی در دسترس می‌باشد. بر این اساس، چارچوب پیشنهادی به کاهش رفتارهای همراه با دوره تجاری^{۳۰} کمک خواهد کرد.

B. چارچوب

۱۲۹. میزان سپر سرمایه حفاظتی ۲,۵٪ که شامل سرمایه عادی لایه ۱ است، بیش از الزامات حداقل سرمایه نظارتی تعیین می‌شود^{۳۱}. محدودیت‌های توزیع سرمایه برای بانکی که سطوح سرمایه آن کمتر از این دامنه قرار گیرد اعمال می‌شود. بانک‌ها در صورتی که دچار زیان شوند، هنگامی که سطوح سرمایه آنها در دامنه حفاظتی قرار گیرد قادر به انجام فعالیت‌های تجاری خود به صورت عادی خواهند بود. محدودیت‌ها تنها در خصوص توزیع‌های سود و نه در خصوص عملیات بانک اعمال می‌شود.

۱۳۰. محدودیت‌های توزیع سود برای بانک‌هایی که سطوح سرمایه آنها کمتر از دامنه قرار گیرد هر میزان که سطوح سرمایه بانک به الزامات حداقل سرمایه نزدیک شود، افزایش می‌یابد. بر اساس طراحی انجام شده، محدودیت‌های اعمال شده بر بانک‌های با سطوح سرمایه در بالاترین سطح دامنه، کمترین میزان خواهد بود. این موضوع منعکس‌کننده آن است که انتظار می‌رود سطوح سرمایه بانک‌ها از زمانی به زمان دیگر امکان قرار گرفتن در این دامنه را داشته باشند. کمیته بال تمایل به اعمال محدودیت‌ها برای ورود به دامنه‌هایی که بسیار محدودکننده باشد را ندارد چرا که منجر به این خواهد شد که دامنه مذکور به عنوان وضع الزامات حداقل سرمایه جدید نگریسته می‌شود.

۱۳۱. جدول زیر نسبت‌های حداقل سرمایه حفاظتی یک بانک را که باید در سطوح مختلف نسبت‌های سرمایه

³⁰ . Procyclicality

³¹ . سرمایه عادی لایه ۱ باید در ابتدا به منظور رعایت الزامات حداقل سرمایه استفاده شود (شامل ۶٪ لایه ۱ و ۸٪ الزامات سرمایه کل در صورت ضرورت)، قبل از آنکه باقی‌مانده آن بتواند برای سپر سرمایه حفاظتی استفاده شود.



عادی لایه ۱ (CET1) رعایت شود نشان می‌دهد. برای مثال، بانکی با نسبت سرمایه CET1 در دامنه ۵,۱۲۵٪ تا ۵,۷۵٪ لازم است که ۸۰٪ سود خود را در سال مالی آتی نگهداری نماید (یعنی پرداخت‌های بانک به شکل سود نقدی سهام، بازخرید سهام و پاداش صلاحیدیدی بیش از ۲۰٪ نشود). چنانچه بانکی بخواهد پرداخت‌هایی را بیش از محدودیت‌های اعمال شده توسط این سازوکار داشته باشد، بانک این گزینه را دارد که به میزان توزیع بیش از محدودیت‌های مزبور، سرمایه خود را از بخش خصوصی افزایش دهد. این موضوع باید با مقامات نظارتی بانک به عنوان بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی سرمایه مورد بررسی قرار گیرد. نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (CET1) شامل مقادیری است که به منظور رعایت الزامات حداقل سرمایه عادی لایه ۱ به میزان ۴,۵٪ لحاظ می‌شود اما سرمایه عادی اضافی لایه ۱ برای رعایت الزامات سرمایه ۶٪ لایه ۱ و ۸٪ سرمایه کل را در بر نمی‌گیرد. برای مثال، بانکی با CET1 برابر ۸٪ که سرمایه لایه ۱ اضافی یا سرمایه لایه ۲ ندارد گرچه همه الزامات حداقل سرمایه را رعایت می‌کند اما سپر حفاظتی به میزان صفر دارد و بنابراین مقید به محدودیت ۱۰۰٪ در توزیع سرمایه خواهد بود.

استانداردهای حداقل سرمایه حفاظتی برای هر بانک

نسبت سرمایه عادی لایه ۱	نسبت‌های حداقل سرمایه حفاظتی (به عنوان درصدی از سود)
4.5% - 5.125%	100%
>5.125% - 5.75%	80%
>5.75% - 6.375%	60%
>6.375% - 7.0%	40%
> 7.0%	0%

۱۳۲. در ذیل مواردی از جنبه‌های کلیدی مربوط به الزامات بر شمرده می‌شود:

- (a) اقلامی که مشمول محدودیت‌های توزیع سود می‌گردند: اقلامی که مشمول توزیع می‌گردند شامل سود نقدی سهام و بازخرید سهام، پرداخت‌های صلاحیدیدی در ارتباط با سایر ابزارهای سرمایه لایه ۱ و نیز پرداخت‌های صلاحیدیدی پاداش به کارمندان می‌باشد. پرداخت‌هایی که منجر به کاهش سطح سرمایه عادی لایه ۱ نمی‌شوند که به طور مثال می‌توانند شامل سودهای تعهدشده خاص باشند به عنوان موارد مشمول توزیع سود در نظر گرفته نمی‌شوند.
- (b) تعریف سود: سود تعریف می‌گردد به عنوان سود قابل توزیع محاسبه شده قبل از کسر اقلامی که برای توزیع آنها محدودیت وجود دارد. سود بعد از مالیات که گزارش شده و هیچ کدام از اقلام قابل توزیع را که قبلاً پرداخت شده است را در بر نمی‌گیرد محاسبه می‌شود. بر این اساس، هرگونه تأثیر مالیاتی ناشی از چنین توزیع سودی باید به طور معکوس اصلاح شود. چنانچه بانکی سود مثبتی نداشته باشد و نسبت سرمایه عادی لایه ۱ آن کمتر از ۷٪ باشد آن بانک از هرگونه توزیع سود خالص مثبتی منع



خواهد شد.

(c) کاربرد این چارچوب به صورت تلفیقی یا در سطح بانک: این چارچوب باید در سطح تلفیقی به کار رود به این معنی که محدودیت‌های مربوط به توزیع سود بر اساس سود گروه تلفیقی اعمال می‌شود. مقامات نظارتی ملی این گزینه را در اختیار دارند که این چارچوب را در سطح بانک به منظور حفظ منابع در بخش خاصی از گروه به کار برند.

(d) سایر صلاحیتهای نظارتی: گرچه سپر حفاظتی باید امکان کاهش یافتن را داشته باشد با این وجود بانک‌ها نباید در زمان‌های عادی چنین انتخاب کنند که در محدوده سپر حفاظتی فعالیت نمایند که در نتیجه بتوانند به راحتی با سایر بانک‌ها رقابت کرده و سهم بیشتری از بازار را به دست آورند. به منظور ایجاد اطمینان از اینکه این موضوع به وقوع نمی‌پیوندد مقامات نظارتی صلاحیتهای دیگری نیز به منظور اعمال محدودیت‌های زمانی برای فعالیت بانک‌ها بر پایه مورد به مورد در دامنه سپر حفاظتی خواهند داشت. در هر حالت مقامات نظارتی باید این اطمینان را حصول نمایند که برنامه‌های سرمایه بانک‌ها به دنبال بازسازی سپرهای حفاظتی در یک چارچوب زمانی مناسب می‌باشند.

C. ترتیبات دوره گذار

۱۳۳. شروع به ایجاد سپر حفاظتی از اول ژانویه سال ۲۰۱۶ تا پایان سال ۲۰۱۸ خواهد بود و از اول ژانویه سال ۲۰۱۹ به طور کامل این الزامات لازم‌الاجرا می‌باشد. این سپر از ۰٫۶۲۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک (RWAs) در اول ژانویه سال ۲۰۱۶ شروع می‌شود و در هر سال پس از آن به میزان ۰٫۶۲۵٪ افزوده شده تا به میزان نهایی یعنی ۲٫۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک (RWAs) در اول ژانویه سال ۲۰۱۹ برسد. کشورهایی که رشد اعتباری بیش از حد را تجربه می‌کنند باید سرعت بیشتری در ایجاد سپر سرمایه حفاظتی و سپرهای ضد چرخه‌ای داشته باشند. مقامات ملی این اختیار را دارند که دوره گذار کوتاه‌مدتی را که به طور مناسبی قابل انجام باشد اعمال نمایند.

۱۳۴. بانک‌هایی که طی دوره گذار به طور واقع الزامات حداقل نسبت را رعایت می‌کنند اما نسبت آنها پایین‌تر از میزان هدف ۷٪ سرمایه عادی لایه ۱ (حداقل به اضافه سپر حفاظتی) باقی می‌ماند باید سیاست‌های احتیاطی نگهداری سود را انجام دهند با این دیدگاه که الزامات سپر حفاظتی تا میزانی که به طور معقول ممکن باشد را رعایت کنند.

۱۳۵. تقسیم‌بندی سپر حفاظتی به صورت یک چهارم که تعیین‌کننده حداقل نسبت‌های سپر حفاظتی است، از اول ژانویه سال ۲۰۱۶ شروع می‌شود. این بخش‌های یک چهارم همچنان که سپر حفاظتی سرمایه شروع به رشد می‌کند به مرور افزوده می‌گردد که در طی این دوره زمانی هرگونه سپر ضد چرخه‌ای را نیز شامل خواهد شد.



IV. سپر ضد چرخه‌ای

A. مقدمه

۱۳۶. رکود اقتصادی که پس از دوره‌ای از رشد اعتباری بیش از حد شکل می‌گیرد می‌تواند باعث افزایش قابل توجه زیان‌های ایجاد شده در بخش بانکی گردد. این زیان‌ها می‌تواند بخش بانکی را بی‌ثبات کرده و یک چرخه تباهنده‌ای را شکل دهد که بر اساس آن مشکلات در سیستم مالی می‌تواند منجر به رکود در بخش واقعی اقتصاد شده و این مشکل مجدداً به بخش بانکی سرایت نماید. اینگونه تعاملات، اهمیت قابل توجه بخش بانکی را در زمینه ایجاد سپرهای سرمایه‌ای اضافی در دوره‌ای که ریسک‌های بحران در سطح سیستمی به طور قابل توجه در حال رشد می‌باشند را برجسته می‌کند.

۱۳۷. سپر ضد چرخه‌ای به دنبال این هدف است که اطمینان ایجاد نماید که الزامات سرمایه‌ای بخش بانکی شرایط مالی در سطح کلان که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند را نیز در نظر می‌گیرد. زمانی که تشخیص داده می‌شود رشد اعتباری کل بیش از حد منجر به ایجاد ریسک در سطح سیستم می‌گردد، این سپر به منظور ایجاد اطمینان از اینکه سیستم بانکی به منظور محافظت از خود در مقابل زیان‌های بالقوه آتی دارای سپر سرمایه است، توسط مقامات ملی الزامی می‌شود. این تمرکز بر رشد اعتباری کل بیش از حد به آن معنی است که کشورها به احتمال زیاد تنها نیازمند الزامی نمودن این سپر بر یک پایه غیرمتناوب خواهند بود. این سپر برای بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی برابر متوسط موزون سپرهای الزامی در همه کشورهایی که بانک در آن کشورها منابع در معرض ریسک اعتباری دارد، می‌باشد. این بدان معنی است که بانک‌ها نیاز به سطح سپرهای کمتری بر یک پایه نسبتاً متناوب خواهند داشت چراکه چرخه‌های اعتباری همیشه در بین کشورها تا حد زیادی با هم مرتبط نمی‌باشد.

۱۳۸. چارچوب رژیم سپر ضد چرخه‌ای از عناصر ذیل تشکیل شده است:

- (a) مقامات ملی رشد اعتباری و سایر شاخص‌ها را که می‌تواند در بردارنده نشانه‌ای از ایجاد ریسک سیستمی باشد را پایش کرده و ارزیابی می‌کنند که آیا رشد اعتباری بیش از حد است و یا این رشد منجر به ایجاد ریسک در سطح سیستمی می‌شود یا خیر. بر اساس این ارزیابی مقامات مذکور در صورتی که شرایط، اقتضاء نماید سپر ضد چرخه‌ای را الزامی می‌کنند. این الزامات در زمانی که ریسک سیستمی شکننده یا ناپایدار شود می‌تواند برداشته شود یا کاهش یابد.
- (b) بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی موقعیت جغرافیایی منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی خود را در نظر گرفته و الزامات سپر سرمایه‌ای ضد چرخه‌ای خاص بانک را به صورت متوسط موزون الزاماتی که در کشورهایی که بانک در آنجا منابع در معرض ریسک اعتباری دارد محاسبه می‌کند.



(c) الزامات سپر ضد چرخه‌ای که بانک ملزم به رعایت آن است منجر به گسترش اندازه سپر سرمایه حفاظتی بانک می‌شود. بانک‌ها در صورتی که این الزام را رعایت نکنند محدودیت‌هایی در توزیع سود خواهند داشت.

B. الزامات سپر ضد چرخه‌ای در سطح کشوری (ملی)

۱۳۹. هر کدام از کشورهای عضو کمیته بال یکی از مقامات خود را با مسئولیت اتخاذ تصمیم در خصوص اندازه سپر سرمایه ضد چرخه‌ای تعیین خواهد نمود. در صورتی که مقام تعیین شده مربوطه یک دوره زمانی رشد اعتباری بیش از حد را که می‌تواند منجر به ایجاد ریسک سیستمی شود شناسایی کند آن مقام در کنار سایر ابزارهای احتیاطی در سطح کلان که در اختیار دارد الزامات سپر ضد چرخه‌ای را نیز تعیین می‌کند. این میزان از عدد صفر تا ۲٫۵٪ دارایی‌های موزن به ریسک متغیر است که بستگی به قضاوت آنها در خصوص سطح ایجاد ریسک در سطح سیستمی خواهد داشت^{۳۲}.

۱۴۰. سند «رهنمودی برای مقامات ملی که سپر سرمایه ضد چرخه‌ای را اعمال می‌کنند»، اصولی که مقامات ملی در خصوص چگونگی اتخاذ تصمیم در مورد سپر توافق کرده‌اند را در بردارد. این سند اطلاعاتی ارائه می‌دهد که بانک‌ها را در درک و پیش‌بینی تصمیمات مقامات مالی مربوط به سپر در کشورهای که در آن‌ها منابع در معرض ریسک اعتباری دارند، کمک می‌نماید.

۱۴۱. جهت اعطای زمان کافی به بانک‌ها به منظور تعدیل سطح سپر خود مقامات مربوطه در هر کشور، تصمیم خود در خصوص افزایش سپر ضد چرخه‌ای را تا ۱۲ ماه قبل از انجام آن اعلام می‌کنند^{۳۳}. تصمیم مقامات هر کشور به منظور کاهش سطح سپر ضد چرخه‌ای فوراً لازم‌الاجراء خواهد بود. تصمیمات از قبل اعلام شده مربوط به سپر و نیز سپرهای واقعی اعمال شده برای همه کشورهای عضو کمیته بال بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی بانک تسویه بین‌المللی (BIS) منتشر خواهد شد.

C. سپر ضد چرخه‌ای خاص بانک

۱۴۲. بانک‌ها مقید به داشتن سپر ضد چرخه‌ای که از میزان صفر تا ۲٫۵٪ کل دارایی‌های موزن به ریسک آنها

^{۳۲}. مقامات ملی می‌توانند دامنه‌ای از ابزارهای احتیاطی بیشتری در سطح کلان که می‌تواند شامل سپرهایی علاوه بر ۲٫۵٪ برای بانک‌ها باشد را در صورتی که این موضوع در چارچوب شرایط آن کشور مناسب تشخیص داده شود در کشور خود اعمال نمایند. اگرچه قواعد عمل متقابل بین‌المللی که در چارچوب این رژیم تعیین می‌شود منجر به شکل‌گیری سپر ضد چرخه‌ای حداکثر به میزان ۲٫۵٪ می‌گردد.

^{۳۳}. بانک‌های خارج از کشور مربوطه که منابع در معرض ریسک اعتباری به مشتریان در آن کشور دارند نیز همچنین مقید به افزایش سطح سپر پس از دوره از قبل اعلام شده در خصوص منابع در معرض ریسک خود می‌باشند. در مواردی که دوره اعلام اولیه کوتاه‌تر از ۱۲ ماه است، مقام ناظر مبدأ چنین بانک‌هایی باید در صورت امکان، قبل از آنکه سطوح جدید سپر ضد چرخه‌ای لازم‌الاجراء باشند در کوتاه‌ترین زمانی که ممکن است (مشروط به وجود یک دوره حداکثر ۱۲ ماهه اعلام از قبل) به دنبال تطبیق دوره اعلام شده از قبل باشد.



است، می‌باشند^{۳۴}. سپر حفاظتی که برای هر بانک به کار می‌رود منعکس‌کننده ترکیب جغرافیایی سبب منابع در معرض ریسک اعتباری آن بانک می‌باشد. بانک‌ها باید الزامات مربوط به این سپر را با سرمایه عادی لایه ۱ یا سایر ابزارهای سرمایه‌ای با قدرت جذب زیان کامل^{۳۵} رعایت کنند و یا اینکه ملزم به اعمال محدودیت‌هایی در خصوص توزیع سود که در بخش بعدی بیان می‌شود، خواهند بود.

۱۴۳. بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی باید موقعیت جغرافیایی منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی خود را (که شامل منابع در معرض ریسک بخش مالی غیربانکی نیز است) در نظر گرفته و الزامات سپر سرمایه ضدچرخه‌ای خود را به صورت متوسط موزون سپرهایی که در کشورهای که در آنها منابع در معرض ریسک دارند محاسبه نمایند. منابع در معرض ریسک اعتباری در این حالت در بردارنده همه منابع در معرض ریسک بخش خصوصی که یک سرمایه پوششی ریسک اعتباری را به خود اختصاص می‌دهد و یا یک سرمایه پوششی متناظر دفتر تجاری و موزون شده به ریسک برای ریسک خاص، IRC و اوراق بهادارسازی را دارد، می‌باشد.

۱۴۴. نحوه وزن دهی سپر اعمال شده در هر کشور برابر کل هزینه سرمایه پوششی ریسک اعتباری بانک که مربوط به منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی در آن کشور است^{۳۶} تقسیم بر کل هزینه سرمایه پوششی ریسک اعتباری بانک مربوط به منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی در همه کشورها می‌باشد.

۱۴۵. در روش VaR برای ریسک خاص، با در نظر گرفتن سرمایه پوششی ریسک افزایشی و نیز هزینه سرمایه پوششی اندازه‌گیری ریسک جمعی، بانک‌ها باید با مقامات نظارتی خود تعامل داشته تا بتوانند رویکردی را تدوین نمایند که بر اساس آن اینگونه هزینه‌های سرمایه پوششی را به اوزان ریسک ابزار فردی تبدیل نمایند و بتوان این اوزان را به موقعیت‌های جغرافیایی مشتریان خاصی که این هزینه‌های پوشش سرمایه را ایجاد می‌کنند تخصیص داد. گرچه این امکان وجود دارد که همیشه نتوان هزینه سرمایه پوششی را به این روش تفکیک کرد چرا که هزینه‌های پوشش سرمایه بر اساس یک پایه سبب دارایی به سبب دارایی محاسبه شده‌اند. در چنین مواردی، هزینه پوشش سرمایه برای سبب دارایی مربوطه باید به مناطق جغرافیایی مربوط

^{۳۴}. مشابه سپر سرمایه حفاظتی، این چارچوب در سطح تلفیقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، مقامات نظارتی ملی می‌توانند این چارچوب را در سطح بانک به منظور حفظ منابع در بخش خاصی از گروه به کار برند.

^{۳۵}. کمیته همچنان در حال بررسی مسأله اجازه دادن برای سایر ابزارهای سرمایه‌ای با قابلیت کامل جذب زیان علاوه بر سرمایه عادی لایه ۱ و آشکالی که می‌تواند داشته باشد می‌باشد. تا زمانی که کمیته رهنمود دیگری را در این خصوص منتشر نماید، سپر ضدچرخه‌ای باید تنها از طریق سرمایه عادی لایه ۱ ایجاد شود.

^{۳۶}. زمانی که کشوری که منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی مربوط به آن کشور را در نظر می‌گیریم، بانک‌ها باید در صورت امکان پایه ریسک نهایی را استفاده نمایند؛ یعنی بانک باید کشوری را استفاده کند که تضمین‌کننده منابع در معرض ریسک در آنجا اقامت دارد و نه کشوری که منابع در معرض ریسک در آنجا ثبت شده است.



به اجزای تشکیل دهنده سبد دارایی تخصیص یابد از طریق محاسبه نسبت کل منابع در معرض ریسک در معرض نکول سبد دارایی (EAD) که به واسطه EAD منتج از طرف های مقابل در هر کدام از مناطق جغرافیایی محاسبه می شود.

D. گسترش سپر سرمایه حفاظتی

۱۴۶. الزامات سپر ضدچرخه ای که بر اساس آن بانک ملزم به رعایت آن می باشد از طریق گسترش سپر سرمایه ای حفاظتی که در بخش III تعریف شد انجام می پذیرد.

۱۴۷. جدول زیر حداقل نسبت های سرمایه حفاظتی که یک بانک باید در سطوح مختلف نسبت سرمایه سهام عادی لایه ۱ رعایت نماید را نشان می دهد^{۳۷}. زمانی که سپر سرمایه ضدچرخه ای در همه کشورهایی که بانک در آنجا منابع در معرض ریسک اعتباری بخش خصوصی دارد برابر صفر باشد، آنگاه سطوح سرمایه و محدودیت های بیان شده در جدول مطابق با مواردی است که در بخش III بیان گردید.

استانداردهای حداقل سرمایه حفاظتی برای هر بانک	
نسبت های حداقل سرمایه حفاظتی (به عنوان درصدی از سود)	نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (دربردارنده سایر ابزارهای سرمایه ای با قابلیت جذب زیان کامل)
100%	در اولین محدوده یک چهارم سپر
80%	در دومین محدوده یک چهارم سپر
60%	در سومین محدوده یک چهارم سپر
40%	در چهارمین محدوده یک چهارم سپر
0%	بیش از محدوده سپر

۱۴۸. با هدف تبیین بیشتر موضوع، جدول زیر بیانگر نسبت های سرمایه حفاظتی است که یک بانک در صورتی که بانک ملزم به رعایت الزام سپر ضدچرخه ای ۲,۵٪ باشد، باید در سطوح مختلف سرمایه عادی لایه ۱ رعایت نماید.

استانداردهای حداقل سرمایه حفاظتی برای هر بانک، زمانی که بانک ملزم به رعایت الزام سپر ضدچرخه ای ۲,۵٪ می باشد	
نسبت های حداقل سرمایه حفاظتی (به عنوان درصدی از سود)	نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (دربردارنده سایر ابزارهای سرمایه ای با قابلیت جذب زیان کامل)
100%	4.5% - 5.75%
80%	>5.75% - 7.0%
60%	>7.0% - 8.25%

^{۳۷} در جهت ایجاد سازگاری با سپر حفاظتی، نسبت سرمایه عادی لایه ۱ در اینجا شامل اقلامی است که برای رعایت الزامات حداقل سرمایه عادی لایه ۱ به میزان ۴,۵٪ استفاده می شود اما سایر موارد سرمایه عادی اضافی لایه ۱ که برای رعایت الزامات ۶٪ و نیز ۸٪ الزامات سرمایه کل استفاده می شود را در بر نمی گیرد.



>8.25% - 9.5%	40%
> 9.5%	0%

E. تناوب دوره زمانی محاسبه و افشاء

۱۴۹. بانک‌ها باید این اطمینان را ایجاد نمایند که الزامات سپر ضد چرخه‌ای آنها حداقل به تناوب یکسانی با الزامات حداقل سرمایه محاسبه و به طور عمومی افشاء می‌شود. این سپر در زمان محاسبه الزامات حداقل سرمایه باید بر اساس آخرین سپرهای ضد چرخه‌ای در دسترس کشورهای مختلف مربوطه باشد. علاوه بر این، زمانی که بانک‌ها الزامات مربوط به سپر خود را افشاء می‌کنند لازم است، توزیع جغرافیایی منابع در معرض ریسک بخش خصوصی خود را که در محاسبه الزامات سپر محاسبه کرده‌اند را نیز افشاء نمایند.

F. ترتیبات مربوط به دوره گذار

۱۵۰. نظام سپر ضد چرخه‌ای به طور همزمان با سپر سرمایه‌حافظتی از اول ژانویه سال ۲۰۱۶ تا پایان سال ۲۰۱۸ به مرور الزامی گشته و از اول ژانویه سال ۲۰۱۹ به طور کامل لازم‌الاجراء می‌باشد. این بدان معنی است که حداکثر الزامات سپر ضد چرخه‌ای از ۰.۶۲۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک (RWAS) در اول ژانویه سال ۲۰۱۶ شروع شده و در هر سال آتی ۰.۶۲۵٪ بدان افزوده می‌شود تا به میزان نهایی ۲.۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک (RWAS) در اول ژانویه سال ۲۰۱۹ برسد. البته کشورهایی که در طی این دوره گذار شاهد رشد اعتباری بیش از حد باشند، سرعت ایجاد سپر سرمایه‌حفاظتی و سپر ضد چرخه‌ای را افزایش خواهند داد. علاوه بر این، کشورها می‌توانند الزامات سپر ضد چرخه‌ای بیشتری را نیز اعمال نمایند. در چنین مواردی ضوابط تعامل متقابل مربوط به این نظام سپر حفاظتی برای مقادیر اضافی بیشتر یا چارچوب زمانی کوتاه‌تر به کار نخواهد رفت.



۷. نسبت اهرمی

A. مبانی و اهداف

۱۵۱. یکی از ویژگی‌های اساسی بحران، ایجاد درجه اهرمی بیش از حد در ارقام بالا و پایین ترازنامه در سیستم بانکداری بود. در بسیاری از موارد بانک‌ها درجه اهرمی بیش از حدی را ایجاد نموده بودند در حالی که همچنان نسبت‌های قوی سرمایه مبتنی بر ریسک را نشان می‌دادند. در طول شدیدترین بخش بحران، بخش بانکی به منظور کاهش نسبت اهرمی خود تحت فشار بازار قرار گرفت به طریقی که منجر به تشدید فشار کاهشی در قیمت‌داری‌ها و نیز وخیم‌تر شدن چرخه بازگشتی مثبت بین زیان‌ها، کاهش در سرمایه بانک و کاهش در میزان اعتبار در دسترس گردید.

۱۵۲. بنابراین، کمیته توافق نمود که یک نسبت اهرمی شفاف و ساده که مبتنی بر ریسک نیست را معرفی نماید؛ این نسبت به گونه‌ای تنظیم می‌شود که به عنوان یک سنجه تکمیلی معتبر در کنار الزامات سرمایه مبتنی بر ریسک عمل نماید. نسبت اهرمی به دنبال دستیابی به اهداف زیر می‌باشد:

- محدود کردن ایجاد نسبت اهرمی در بخش بانکی، کمک به اجتناب از بی ثبات‌سازی فرآیندهای ضداهرمی که می‌تواند در سطح وسیع‌تر، سیستم مالی و نیز کل اقتصاد را با مخاطره مواجه سازد، و
- اعمال مجدد الزامات مبتنی بر ریسک بر اساس یک سنجه پشتیبان ساده که مبتنی بر ریسک نباشد.

B. تعریف و اندازه‌گیری نسبت اهرمی

۱۵۳. این بخش تعریف و نحوه محاسبه نسبت اهرمی را بیان می‌کند که به عنوان مبنایی برای آزمودن در طی دوره زمانی اولیه برای اجرای الزامات بال ۳ به کار می‌رود. مبنای محاسبه بر اساس متوسط نسبت اهرمی ماهانه در طول یک دوره فصلی بر اساس تعاریف سرمایه (سنجه‌های سرمایه) و کل منابع در معرض ریسک (میزان منابع در معرض ریسک) که در بندهای ۱۵۴ تا ۱۶۴ تعیین شده است می‌باشد. کمیته همچنان یک نسبت اهرمی لایه ۱ حداقل به میزان ۳٪ را در طول دوره بررسی از اول ژانویه سال ۲۰۱۳ تا اول ژانویه سال ۲۰۱۷ مورد آزمون قرار می‌دهد. ترتیبات دیگر مربوط به دوره گذار نیز در بندهای ۱۶۵ تا ۱۶۷ بیان خواهد شد.

۱. اندازه سرمایه

۱۵۴. میزان سرمایه برای نسبت اهرمی مبتنی بر تعریف جدید سرمایه لایه ۱ به طوری که در بندهای ۵۲ تا ۵۶ این چارچوب بیان گردید، خواهد بود. البته کمیته همچنان داده‌هایی را در طول دوره گذار به منظور ارزیابی



تأثیر استفاده از کل سرمایه نظارتی و نیز سرمایه عادی لایه ۱ دریافت خواهد کرد.

۱۵۵. اقلامی که به طور کامل از سرمایه کاسته می‌شوند در نسبت اهرمی در نظر گرفته نمی‌شوند و بنابراین باید از میزان منابع در معرض ریسک نیز کاسته شوند. این بدان معنی است که سرمایه و منابع در معرض ریسک باید به صورت سازگار محاسبه شوند و از محاسبه مجدد اجتناب شود. یعنی کسورات از سرمایه لایه ۱ (همان‌گونه که در بندهای ۶۶ تا ۸۹ بیان گردید) همچنین باید از میزان منابع در معرض ریسک نیز کاسته شود.

۱۵۶. بر اساس روشی که در بندهای ۸۴ تا ۸۹ بیان گردید، زمانی که یک نهاد مالی در تلفیق حسابداری در نظر گرفته می‌شود اما در تلفیق نظارتی لحاظ نمی‌شود، سرمایه‌گذاری‌ها در چنین نهادهایی باید به میزان فراتر از حدود حائثیه‌ای مشخصی کاسته شود. به منظور ایجاد اطمینان از اینکه سرمایه و منابع در معرض ریسک به طور سازگار با هم برای اهداف محاسبه نسبت اهرمی اندازه‌گیری شده‌اند، دارایی‌های چنین نهادهایی که در تلفیق حسابداری در نظر گرفته می‌شوند باید در محاسبات میزان منابع در معرض ریسک متناسب با میزان سرمایه‌ای که بر اساس بندهای ۸۴ تا ۸۹ کسر می‌شود، لحاظ نگردد.

۲. اندازه منابع در معرض ریسک

(i) اصول کلی اندازه‌گیری

۱۵۷. اندازه‌گیری منابع در معرض ریسک برای نسبت اهرمی به طور کلی باید از روش حسابداری اندازه‌گیری منابع در معرض ریسک پیروی نماید. به منظور اندازه‌گیری به روشی سازگار با حساب‌های مالی اقدامات زیر باید به کار رود:

- دارایی‌های بالای خط ترازنامه، به جز اوراق مشتقه از ذخایر خاص و تعدیلات ارزش‌گذاری (مانند تعدیلات ارزش‌گذاری اعتباری) خالص می‌شوند؛
- وثایق مالی یا فیزیکی، ضمانت‌نامه‌ها یا هر نوع ابزارهای خریداری شده برای کاهش ریسک اعتباری نمی‌تواند منابع در معرض ریسک بالای خط را کاهش دهد؛ و
- خالص‌سازی وام‌ها و سپرده‌ها مجاز نمی‌باشد.

(ii) اقلام بالای خط

۱۵۸. بانک‌ها باید به منظور محاسبه نسبت اهرمی اقلامی را که در ترازنامه مالی خود استفاده می‌شود را در نظر بگیرند. علاوه بر این، در اندازه‌گیری منابع در معرض ریسک، بانک باید روش‌های زیر را برای مبادلات مالی



اوراق بهادار (SFT)^{۳۸} و اوراق مشتقه به کار گیرد.

(a) توافقات بازخرید و تأمین مالی اوراق بهادار

۱۵۹. SFT نوعی از تأمین مالی تضمین شده است و بنابراین منبع مهمی از اهرم ترازنامه بانک محسوب می‌شود و باید در نسبت اهرمی در نظر گرفته شود. بنابراین بانک‌ها باید SFT را با هدف محاسبه نسبت اهرمی با به کارگیری موارد زیر محاسبه نمایند:

➤ معیار حسابداری منابع در معرض ریسک؛ و

➤ قواعد خالص‌سازی نظارتی مبتنی بر چارچوب بال ۳۹.ii

(b) اوراق مشتقه

۱۶۰. اوراق مشتقه دو نوع از منابع در معرض ریسک را ایجاد می‌کنند: یک ارزش حال «اقلام بالای خط» که منعکس‌کننده ارزش منصفانه قرارداد است (اغلب در ابتدا صفر می‌باشد اما متعاقباً ارزش آن مثبت یا منفی می‌شود که بستگی به عملکرد قرارداد دارد)، و یک منابع در معرض ریسک اقتصادی ذهنی که بیانگر نرخ بهره اقتصادی در نظر گرفته شده برای قرارداد می‌باشد.

۱۶۱. بانک‌ها باید با هدف محاسبه نسبت اهرمی، اوراق مشتقه را شامل مواردی که بانک‌ها ابزارهایی را با استفاده از اوراق مشتقه اعتباری می‌فروشند، محاسبه نمایند. این محاسبه با به کارگیری روش‌های زیر انجام می‌شود:

➤ معیار حسابداری منابع در معرض ریسک به علاوه یک افزونه برای منابع در معرض ریسک بالقوه

آتی که بر اساس روش منابع در معرض ریسک جاری همچنان که در بندهای ۱۸۶، ۱۸۷ و ۳۱۷

چارچوب بال ۲ بیان شده است محاسبه می‌شود. این روش این اطمینان را ایجاد می‌کند که همه

اوراق مشتقه به روشی سازگار به مقادیر "هم‌ردیف با وام‌ها" تبدیل شده‌اند؛ و

➤ قواعد خالص‌سازی نظارتی بر اساس چارچوب بال ۴۰.۲

(iii) ارقام زیر خط

۱۶۲. این بخش مربوط به ارقام زیر خط ترازنامه (OBS) در بندهای ۸۲-۸۳، (شامل ۸۳ (i)، ۸۴ (i-iii)، ۸۵-۸۶ و

۸۸-۸۹) در چارچوب بال ۲ می‌باشد. این ارقام شامل تعهدات (دربرگیرنده تسهیلات نقدینگی)، تعهدات

^{۳۸}. مبادلات مالی اوراق بهادار شامل مبادلاتی همچون توافقات بازخرید، توافقات بازخرید معکوس، قرض دادن و قرض گرفتن اوراق بهادار، مبادلات وام‌دهی حاشیه‌ای می‌باشد که ارزش این مبادلات به ارزش‌گذاری بازار بستگی داشته و مبادلات اغلب مشروط به توافقات حاشیه‌ای می‌باشد.

^{۳۹}. به جز قواعد مربوط به خالص‌سازی در سطح محصول مربوط به پیوست ۴، بخش ۳.

^{۴۰}. به جز قواعد مربوط به خالص‌سازی در سطح محصول مربوط به پیوست ۴، بخش ۳.



قابل فسخ بدون قید و شرط، ابزارهای مستقیم جایگزین اعتباری، گواهی پذیره نویسی، اعتبار اسنادی اتکایی، اعتبارات اسنادی تجاری، تراکنش‌های ناموفق و اوراق بهادار تسویه نشده می‌باشد. روش در نظر گرفتن ارقام ذکر شده در بندهای ۸۳(ii) و ۸۴، همچون قراردادهای بازخرید و مبادلات تأمین مالی اوراق بهادار می‌باشد که در قسمت قبل بیان گردید.

۱۶۳. کمیته بال چنین تشخیص داده است که ارقام زیر خط ترازنامه یکی از منابع بالقوه و قابل توجه نسبت اهرمی بانک‌ها می‌باشند. بنابراین بانک‌ها باید ارقام زیر خط ترازنامه مذکور را با هدف محاسبه نسبت اهرمی با کاربرد ضریب تبدیل اعتباری (CCF) معادل 100% محاسبه نمایند.

۱۶۴. برای هر کدام از تعهداتی که بدون قید و شرط و در هر زمانی توسط بانک و بدون اطلاع قبلی قابل فسخ است، بانک‌ها باید ضریب تبدیل اعتباری 100% را به کار برند. کمیته بر اساس تجربیات تاریخی بررسی بیشتری را جهت اطمینان از اینکه ضریب CCF برابر 100% به طور مناسب محافظه کارانه در نظر گرفته شده است، انجام خواهد داد.

C. ترقیبات دور گذار

۱۶۵. دوره گذار برای نسبت اهرمی از اول ژانویه سال ۲۰۱۱ شروع می‌شود. کمیته دوره گذار را به منظور پایش داده‌های نسبت اهرمی بانک‌ها بر پایه دوره نیم ساله به منظور ارزیابی اینکه آیا طراحی و محاسبات پیش‌بینی شده مربوط به حداقل نسبت اهرمی لایه ۱ به میزان 3% در طول یک دوره اعتباری کامل و برای انواع مختلف مدل‌های کسب و کار مناسب است یا خیر استفاده می‌کند. این ارزیابی همچنین در بردارنده این ملاحظه است که آیا یک تعریف گسترده تر از منابع در معرض ریسک و نیز در نظر گرفتن تعدیلات خالص‌سازی در محاسبه، اهداف مربوط به نسبت اهرمی را به طور مناسب برآورده می‌سازد یا خیر. کمیته همچنین به دقت استانداردهای و رویه‌های حسابداری را پایش نموده تا هرگونه تفاوت در چارچوب‌های حسابداری ملی که برای تعریف و محاسبه نسبت اهرمی اهمیت بالایی دارند را بررسی نماید.

۱۶۶. دوره گذار شامل یک دوره پایش نظارتی و یک دوره زمانی اولیه می‌باشد:

➤ دوره پایش نظارتی از اول ژانویه سال ۲۰۱۱ شروع می‌شود. فرآیند پایش نظارتی بر توسعه چارچوب‌هایی متمرکز خواهد شد تا به روشی سازگار اجزای تشکیل دهنده تعریف پذیرفته شده و نیز نسبت حاصله را در نظر گیرد.

➤ دوره زمانی اولیه از اول سال ژانویه سال ۲۰۱۳ شروع شده و تا اول ژانویه سال ۲۰۱۷ ادامه می‌یابد. در طول این دوره نسبت اهرمی و اجزای آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند که این بررسی



شامل بررسی رفتار نسبی نسبت اهرمی در مقایسه با الزامات مبتنی بر ریسک می‌باشد. بانک‌ها ملزم به محاسبه نسبت‌های اهرمی خود با استفاده از تعاریف سرمایه و کل منابع در معرض ریسکی که در بندهای ۱۵۴ تا ۱۶۴ تصریح گردید و نیز محاسبه الزامات سرمایه مبتنی بر ریسک می‌باشند. افشای نسبت اهرمی و اجزای تشکیل دهنده آن در سطح بانک از اول ژانویه سال ۲۰۱۵ شروع می‌شود.^{۴۱} کمیته چارچوب مربوط به افشا را تدوین نموده و به دقت افشای نسبت را پایش می‌کند.

۱۶۷. هر تعدیل نهایی در خصوص تعریف و محاسبه نسبت اهرمی بر اساس نتایج دوره زمانی اولیه از نیمه اول سال ۲۰۱۷ و با در نظر گرفتن لزوم حرکت به سمت رویه‌های رکن ۱ بر اساس بررسی و محاسبه مناسب در اول ژانویه سال ۲۰۱۸ انجام خواهد شد.

^{۴۱}. این موضوع سازگار با دامنه کاربرد تعریف شده در بند ۲۲ چارچوب بال ۲ می‌باشد.



پیوست ۱

اندازه گیری چارچوب سرمایه

اندازه گیری چارچوب سرمایه			
الزامات سرمایه‌ای و سپرها (همه ارقام به درصد)			
	سهام عادی لایه ۱	سرمایه لایه ۱	کل سرمایه
حداقل	4.5	6.0	8.0
سپهر حفاظتی	2.5		
حداقل به اضافه سپهر حفاظتی	7.0	8.5	10.5
دامنه سپهر ضد دوره‌ای*	0-2.5		

* زیرنویس ۵۳ را ملاحظه کنید.



پیوست ۲

حد ۱۵٪ سهام عادی در ارقام مشخص

۱. این پیوست به دنبال روشن نمودن نحوه محاسبه حد ۱۵٪ در خصوص سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در سهام عادی نهادهای مالی که مشمول تلفیق نیستند (بانک‌ها، بیمه و سایر نهادهای مالی)؛ حقوق خدمات رهنی و دارایی‌های مالیات انتقالی که از تفاوت‌های موقت ناشی می‌شود (که در مجموع ارقام مشخص عنوان می‌شوند) می‌باشد.

۲. شناسایی این ارقام مشخص محدود به میزان ۱۵٪ سرمایه لایه ۱ سهام عادی (CET1)، پس از اعمال تمامی تعدیلات خواهد بود. به منظور تعیین حداکثر میزان ارقام مشخص که می‌تواند شناسایی گردد*، بانک‌ها و مقامات نظارتی باید میزان CET1** (پس از همه کسورات، شامل کسر ارقام مشخص به طور کامل) را در ۱۷,۶۵٪ ضرب نمایند. این عدد از نسبت ۱۵٪ به ۸۵٪ استخراج شده است (یعنی $15\%/85\% = 17.65\%$).

۳. به عنوان مثال، بانکی را در نظر بگیرید که ۸۵€ سرمایه عادی دارد (که به طور خالص از همه کسورات محاسبه شده است، شامل کسر ارقام مشخص به طور کامل).

۴. حداکثر میزان ارقام مشخص که می‌تواند توسط بانک در محاسبه سرمایه CET1 شناسایی شود برابر است با $€15 = €85 \times 17.65\%$. هر میزانی بالاتر از ۱۵€ باید از CET1 کسر شود. در صورتی که بانک ارقام مشخصی داشته باشد (به استثنای مقادیری که پس از اعمال حد فردی ۱۰٪ کسر شده‌اند) که در مجموع به حد ۱۵٪ برسد، CET1 پس از در نظر گرفتن ارقام مشخص، به میزان $€100 = €85 + €15$ خواهد بود. درصد ارقام مشخص به کل CET1 برابر ۱۵٪ می‌باشد.

* میزان واقعی که شناسایی می‌شود می‌تواند یا بخاطر آنکه مجموع این سه ارقام مشخص از حد ۱۵٪ بیان شده در این پیوست کمتر است و یا بخاطر به کارگیری حد ۱۰٪ برای هر کدام از این ارقام، از این میزان حداکثر کمتر باشد.

** در اینجا این یک مقدار "فرضی" از CET1 است که تنها با هدف تعیین کسورات از ارقام خاص استفاده می‌شود.



پیوست ۳

مثال توضیحی در مورد حقوق اقلیت

این پیوست توضیحی در خصوص نحوه در نظر گرفتن حقوق اقلیت و سایر ابزارهای سرمایه‌ای که از طرف واحدهای تابعه به اشخاص ثالث واگذار شده و در بندهای ۶۲ تا ۶۴ بیان شده است، ارائه می‌نماید.

مثال توضیحی

یک گروه بانکی شامل دو شخصیت حقوقی که هر دو نیز بانک هستند می‌باشد. بانک P شرکت مادر است و بانک S نیز نهاد تابعه و ترازنامه‌های غیر تلفیقی آنها به شرح زیر می‌باشد.

ترازنامه بانک P		ترازنامه بانک S	
دارایی‌ها		دارایی‌ها	
تسهیلات به مشتریان	100	تسهیلات به مشتریان	150
سرمایه گذاری در CET1 بانک	7		
سرمایه گذاری در AT1 بانک	4		
سرمایه گذاری در T2 بانک S	2		
بدهی‌ها و سرمایه		بدهی‌ها و سرمایه	
سپرده‌ها	70	سپرده‌ها	127
سرمایه لایه ۲	10	سرمایه لایه ۲	8
سرمایه اضافی لایه ۱	7	سرمایه اضافی لایه ۱	5
سهام عادی	26	سهام عادی	10

ترازنامه بانک P نشان می‌دهد که علاوه بر وام‌های اعطا شده به مشتریان، ۷۰٪ سهام عادی بانک S، ۸۰٪ سرمایه اضافی لایه ۱ بانک S و ۲۵٪ سرمایه لایه ۲ بانک S را در تملک دارد. بنابراین مالکیت سرمایه بانک S به صورت زیر خواهد بود:

سرمایه منتشره بانک S			
	سرمایه منتشره نزد شرکت مادر (بانک P)	سرمایه منتشره نزد اشخاص ثالث	کل سرمایه
سرمایه سهام عادی لایه ۱ (CET1)	7	3	10
سرمایه اضافی لایه ۱ (AT1)	4	1	5
سرمایه لایه ۱ (T1)	11	4	15
سرمایه لایه ۲ (T2)	2	6	8
کل سرمایه (TC)	13	10	23



ترازنامه تلفیقی گروه بانکی به صورت زیر می‌باشد:

ترازنامه تلفیقی	
دارایی‌ها	
وام به مشتریان	250
بدهی‌ها و سرمایه	
سپرده‌ها	197
سرمایه لایه ۲ منتشره توسط واحد تابعه نزد اشخاص ثالث	6
سرمایه لایه ۲ منتشره توسط شرکت مادر	10
سرمایه اضافی لایه ۱ منتشره توسط واحد تابعه نزد اشخاص ثالث	1
سرمایه اضافی لایه ۱ منتشر شده توسط شرکت مادر	7
سهام عادی منتشر شده توسط واحد تابعه نزد اشخاص ثالث (یعنی حقوق اقلیت)	3
سهام عادی منتشر شده توسط شرکت مادر	26

برای داشتن یک مثال عددی، فرض کنید بانک S دارای ۱۰۰ واحد دارایی‌های موزون شده به ریسک باشد. در این مثال، حداقل الزامات سرمایه بانک S و مشارکت واحد تابعه در الزامات تلفیقی مشابه است زیرا بانک S هیچ وامی به بانک P اعطا نکرده است. این بدان معنی است که آن بانک ملزم به رعایت حداقل الزامات زیر به علاوه الزامات سپر سرمایه حفاظتی و دارای سرمایه اضافی زیر خواهد بود:

حداقل و مازاد سرمایه بانک S		
	حداقل به اضافه سپر سرمایه حفاظتی	مازاد
CET1	7.0 (= 7.0% of 100)	3.0 (=10 - 7.0)
T1	8.5 (= 8.5% of 100)	6.5 (=10 + 5 - 8.5)
TC	10.5 (= 10.5% of 100)	12.5 (=10 + 5 + 8 - 10.5)

جدول زیر نشان‌دهنده چگونگی محاسبه میزان سرمایه منتشره توسط بانک S به منظور قرار گرفتن در سرمایه تلفیقی و نیز رویه محاسبه بیان شده در بندهای ۶۲ تا ۶۵ این سند می‌باشد:



بانک S: میزان سرمایه منتشره نزد اشخاص ثالث که در سرمایه تلفیقی در نظر گرفته می‌شود

	کل میزان سرمایه منتشره (a)	میزان سرمایه منتشره نزد اشخاص ثالث (b)	مازاد (c)	مازاد سرمایه مربوط به اشخاص ثالث (یعنی میزان سرمایه‌ای که در محاسبه سرمایه تلفیقی در نظر گرفته نمی‌شود) (d) = (c) * (b)/(a)	میزان سرمایه در نظر گرفته شده در سرمایه تلفیقی (e) = (b) - (d)
CET1	10	3	3.0	0.90	2.10
T1	15	4	6.5	1.73	2.27
TC	23	10	12.5	5.43	4.57

جدول زیر اجزای سرمایه برای گروه تلفیقی مبتنی بر میزان محاسبه شده در جدول بالا را به طور خلاصه نشان می‌دهد. سرمایه اضافی لایه ۱ به میزان تفاوت بین سهام عادی لایه ۱ و سرمایه لایه ۱ و همچنین سرمایه لایه ۲ به میزان تفاوت بین کل سرمایه و سرمایه لایه ۱ محاسبه شده است.

	کل میزان سرمایه منتشره توسط شرکت مادر (کل آن باید در سرمایه تلفیقی لحاظ شود)	میزان سرمایه منتشره توسط نهاد تابعه نزد اشخاص ثالث که باید در سرمایه تلفیقی لحاظ شود	کل میزان سرمایه منتشره توسط شرکت مادر و نهاد تابعه که باید در سرمایه تلفیقی لحاظ شود
CET1	26	2.10	28.10
AT1	7	0.17	7.17
T1	33	2.27	35.27
T2	10	2.30	12.30
TC	43	4.57	47.57

پیوست ۴

ترتیبات مربوط به دوره گذار

(قسمت‌های سایه‌دار بیانگر دوره‌های گذار می‌باشد - همه تاریخ‌ها از اول ژانویه شروع می‌شود)

	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	از اول ژانویه سال ۲۰۱۹
نسبت اهرمی	پایش نظارتی		دوره اولیه اول ژانویه ۲۰۱۳-اول ژانویه ۲۰۱۷ دوره افشای از اول ژانویه ۲۰۱۵ شروع می‌شود					حرکت به سمت رکن ۱	
حداقل نسبت سرمایه سهام عادی			3.5%	4.0%	4.5%	4.5%	4.5%	4.5%	4.5%
سپر سرمایه حفاظتی						0.625	1.25%	1.875%	2.50%
حداقل سهام عادی به اضافه سپر سرمایه حفاظتی			3.5%	4.0%	4.5%	5.125%	5.75%	6.375%	7.0%
شروع کسورات از CET1 (شامل مقادیر بیش از حدود مربوط به DTAs، MSR و ابزارهای مالی)				20%	40%	60%	80%	100%	100%
حداقل سرمایه لایه ۱			4.5%	5.5%	6.0%	6.0%	6.0%	6.0%	6.0%
حداقل سرمایه کل			8.0%	8.0%	8.0%	8.0%	8.0%	8.0%	8.0%
حداقل کل سرمایه به اضافه سپر حفاظتی			8.0%	8.0%	8.0%	8.625	9.25%	9.875%	10.5%
ابزارهای سرمایه‌ای که دیگر نمی‌توانند به عنوان سرمایه غیرپایه لایه ۱ یا سرمایه لایه ۲ در نظر گرفته شوند			دوره گذار پایانی در طی یک دوره زمانی ۱۰ ساله که از سال ۲۰۱۳ شروع می‌شود						

نسبت پوشش نقدینگی	دوره بررسی شروع می‌شود				معرفی استانداردهای حداقل				
نسبت تامین مالی خالص با ثبات	دوره بررسی شروع می‌شود							معرفی استانداردهای حداقل	